H A F T - E - S O B H D A I L Y

# هفت صبح

روزنامه فرهنگی، اجتماعی
شهری واقتصادی ایران
پنجشنبه | ۲۱ فروردین ۱۴۰۴
۱۲ صفحه
شماره ۴۰۲۲
قیمت ۱۰۰۰۰ تومان
@haftsobh @haftsobh_news www.7sobh.com

خشونت افسار گسیخته
میهمان همیشگی سریال‌های خانگی شده است

## مرگ، خون، ترس
## حرکت

صفحه ۴

درباره لباس خبرنگاران
از استودیوهای رسمی تا میدان‌های بحران

## کت و شلوار تسلیم نمی‌شود

پوشش نامناسب خبرنگار در مصاحبه‌های تصویری می‌تواند تمرکز مخاطب را از محتوای گفت‌وگو دور کند صفحه ۵

گزارش «هفت‌صبح» درباره چت‌بات‌های تراپیست
که رقیب روان‌شناسان شده‌اند

## تراپی با هوش مصنوعی

پلتفرم‌های مشاوره مجازی اطلاعات کاربران را ذخیره می‌کنند
و این داده‌ها می‌توانند فاش شوند صفحه ۶

هوش مصنوعی به ادعای علیرضا دبیر درباره پیروزی
دیوید تیلور مقابل حسین یزدانی
با استناد به تحلیل داده‌ها پاسخ داد

## نه کشتی می‌گیرم
## نه فن اجرا می‌کنم

صفحه ۱۱

اسکن‌های سه‌بعدی در اعماق دریا، رازهای تازه‌ای
از لحظات پایانی غرق شدن کشتی تایتانیک را فاش کرد

## بازخوانی مرگ تایتانیک

- اسکن دیجیتال نشان داد تایتانیک از وسط شکسته، شکاف‌ها و سوراخ‌ها علت اصلی غرق شدن بودند
- مهندسان تا لحظه آخر چراغ‌ها را روشن نگه داشتند و دیگ‌های بخار هنگام غرق شدن فعال بودند صفحه ۱۲

تحلیل هشداردهنده بازار کار ایران، نابرابری‌ها و شکاف‌های اجتماعی در بالاترین سطح

# بازار کار در سلطه تهران مردان و مدیران

- افزایش قیمت‌ها همچنان بالاتر از رشد حقوق‌هاست و فشار مضاعفی به مردم وارد می‌شود
- مدیران تا سه برابر بیشتر از کارمندان درآمد دارند

صفحه ۸

گزارش میدانی خبرنگار هفت صبح از کاهش تنوع
در فروشگاه زنجیره‌ای شهروند

## قفسه‌های غمگین

کمبود کالاها باعث تغییر رفتار خرید مشتریان شده و برخی به خرید
از فروشگاه‌های محلی روی آورده‌اند صفحه ۳

شرایط بازار طلا و آینده آن در گفت‌وگو
با مازیار بهروزی، تحلیلگر بازار طلا و سکه

## طلا در مرزهای نوسان

جو روانی بازار موجب ترس و تصمیم‌های اشتباه
سرمایه‌گذاران می‌شود صفحه ۳

## مسقط میز تصمیم بزرگ

تحلیل گفت‌وگوهای قریب‌الوقوع ایران و آمریکا
در عمان از نگاه استیون ارلانگر، خبرنگار ارشد
نیویورک تایمز صفحه ۲

گزارش «هفت صبح» از عوارض و پیامدهای
کرونا بر روان و باورهای مبتلایان

## روان زخمی، ریه خسته میراث شوم کووید

- برخی افراد هنوز از عوارض روانی کرونا رنج می‌برند
- پزشکان می‌گویند کرونا رفته، اما اثراتش مانده

صفحه ۹

مرد جوان با ضربات پی‌درپی چاقو
به جان پدر و همسر و دختر برادرش افتاد

## پدر در گذشت دختر ۱۵ ساله فلج شد

با درخواست مصرانه اولیای دم، متهم به قتل
قصاص شد صفحه ۷

آیا سرمایه‌گذاری در بیت کوین می‌تواند راهی
برای تضمین آینده مالی فرزندانتان باشد؟

## گنج دیجیتال

خرید بیت کوین برای فرزندانتان گزینه‌ای است
که نیاز به دقت دارد صفحه ۳

حادثه مرگبار در معدن مهماندویه دامغان
فقط یک تصادف نبود

## بی‌عملی ادامه دارد

مرگ ۷ شهروند در نخستین روز کاری معدن مهماندویه دامغان، دوباره زخم کهنه بی‌توجهی به ایمنی و پاسخ‌نگرفتن از مسئولان را تازه کرد

افشین امیرشاهی
سردبیر

حادثه‌ای تلخ در نخستین روز کاری معدن مهماندویه دامغان، بار دیگر زنگ خطر بی‌توجهی به ایمنی معادن را به‌صدا درآورد. هفت نفر از جمله دو داوطلب فداکار، در پی ورود به تونلی متروک، دچار گازگرفتگی شده و جان باختند. بررسی‌های اولیه حاکی از نبود تجهیزات ایمنی همراه، مانند کپسول خودنجات و گازسنج و رعایت‌نشدن دستورالعمل ورود به تونل‌های غیرفعال است.

در این حادثه، ما فقط با یک تونل متروکه و گاز متان سر و کار نداریم؛ با سال‌ها بی‌تدبیری، بوروکراسی فرسوده و پنهان کاری آزاردهنده‌ای روبه‌رو هستیم که جان انسان‌ها را بی‌ارزش کرده. گفتن از این فجایع تلخ شاید تکراری شده باشد، اما هنوز هم نمی‌توان ساکت ماند و از این بی‌مسئولیتی‌های دردناک و خشم‌برانگیز نگفت. پس در ادامه به چند نکته مهم درباره این فاجعه می‌پردازیم.

یکم: تنها چند ساعت از آغاز نخستین روز کاری معدن گذشته بود که خبر رسید هفت نفر به‌دلیل گاز گرفتگی در معدن «جواهر» زغال در «مهماندویه دامغان» جان باخته‌اند. دو نفر از قربانیان، داوطلبانه و فداکارانه برای کمک وارد تونل متروکه شده بودند؛ تونلی که نه گازسنجی شده بود، نه هواگیری. حتی کپسول خودنجات هم در اختیارشان نبود. این یعنی اولین قدم بعد از بازگشایی معدن، قدم به سمت مرگ بود. قدمی بی‌هیچ ایمنی، بی‌هیچ تدبیر

دوم: از طبس تا طرزه، از کوهبنان تا یورت؛ ما با الگویی تکراری روبه‌رو هستیم. حادثه‌ای تلخ رخ می‌دهد، مسئولان ابراز تأسف می کنند، پرونده‌ای باز می‌شود و بعد... سکوت. آیا کسی می‌داند پرونده معدن یورت در چه مرحله‌ای است؟ مسئولان معدن طبس چه مجازاتی دیدند؟ چرا اسامی مدیران متخلف هرگز علنی نمی‌شود؟ آیا خانواده‌های جان‌باختگان از سیر رسیدگی به حقوق از دست‌رفته‌شان اطلاع دارند؟ بارها با وعده‌ها و مصاحبه‌های تکراری روبه‌رو می‌شویم که از فرط تکرار، دیگر حتی کسی را خشمگین نمی کند.

سوم: کجای کار می‌لنگد؟ کارشناسان می گویند معدن مجوز داشته، اما چند ماه تعطیل بوده. حالا سوال اینجاست، چه کسی بازگشایی معدن را تایید کرده؟ آیا در آن روز کسی تجهیزات ایمنی معدن را کنترل کرده بود؟ کدام نهاد مسئول نظارت بر رعایت دستورالعمل‌های ایمنی است؟ آیا ناظران وزارت کار یا صمت در محل حضور داشتند؟ اگر نه، چرا؟ اگر بله، چگونه چنین حادثه‌ای رخ داد؟ وقتی وجدان کاری در ساختار اداری جایی ندارد، مجوز داشتن به‌تنهایی کفایت نمی کند.

چهارم: بارها گفته شده که معادن خصوصی در ایران، به‌ویژه معادن زغال‌سنگ، محل تقاطع مرگ و سودند. ایمنی، آخرین دغدغه‌ای‌ست که در محاسبات مدیران دیده می‌شود. کپسول گازسنج یا تهویه هوا، پرهزینه دیده می‌شود. پس بی‌راه نیست که بگوییم در اقتصادی که حاشیه سود حرف اول را می‌زند، جان کارگر ارزان‌تر حساب می‌شود. اما این که چرا معادن خصوصی این گونه می تازند، پرسشی است که مسئولان همواره با یک جمله ساده از پاسخ دادن طفره می‌روند: «بررسی می کنیم.»

پنجم: خانواده‌ها می گویند: «ساعت‌ها بعد از حادثه مطلع شدیم.» این در حالی است که در بحران‌هایی به این شدت، هر دقیقه اطلاع‌رسانی می‌تواند آرام‌بخش باشد یا جان کسی را نجات دهد. اما نه تنها اطلاع‌رسانی به موقع انجام نشده، بلکه رسانه‌های رسمی نیز با تاخیر و کلی‌گویی به‌سراغ این ماجرا رفتند. افکار عمومی حق دارد بداند چه شد، چرا شد و چه کسی پاسخگو است.

ششم: دادگستری استان سمنان اعلام کرده که پرونده قضایی تشکیل شده است. بسیار خب! اما اجازه بدهید این بار با صراحت بپرسیم: پرونده‌های قبلی چه شدند؟ آیا کسی از مدیران معدن طبس، کوهبنان، طرزه، کرمان یا یورت، امروز در حال گذراندن دوران محکومیت خود است؟ آیا تعلیق یا برکناری مدیری را در پی داشت؟ یا فقط کارگر مقصر معرفی شد و بس؟ اعلام عمومی لیست پیگردهای قضایی مربوط به حوادث گذشته، حداقل کاری‌ست که برای بازسازی اعتماد عمومی می‌توان انجام داد.

هفتم: این حادثه فقط مرگ هفت انسان نیست. مرگ شفافیت، مرگ مسئولیت‌پذیری و مرگ وجدان کاری در سیستمی است که جان انسان‌ها را کالای مصرفی می‌بیند. پس این بار استثنائا نمی‌خواهیم «بررسی کنند» یا «دستور دهند»؛ می‌خواهیم پاسخ دهند. ما می‌خواهیم بدانیم پرونده‌ها در چه مرحله‌ای هستند، متخلفان کجا هستند و چه مجازاتی دیده‌اند. تا زمانی که چنین اتفاقی نیفتد، هر مرگ در معدن، تنها ادامه همان تراژدی تلخ است: «معدن همچنان جان می گیرد؛ بی‌عملی همچنان ادامه دارد.»

شست‌وشوی مغزی، تکنیکی که از گذشته تا حال ذهن‌ها را تسخیر کرده است

## هنر تغییر ذهن‌ها

تکنیک‌های بازی با ذهن می‌تواند باورهای افراد را به شکلی عمیق تغییر دهد

یاسمن طاهریان
روزنامه‌نگار و مترجم

نویسنده: نیخیل کریشنان-استاد فلسفه در دانشگاه کمبریج

«هر کسی که با ما مخالف است حتما شست‌وشوی مغزی شده است»؛ بازتاب این جمله را می‌توان در بسیاری از بحث و جدل‌های سیاسی امروز دید. جول ای دیمزدیل در کتاب «ترغیب تاریک: تاریخچه شست‌وشوی مغزی از پاولف تا رسانه‌های اجتماعی» می‌نویسد: «عبارت شست‌وشوی مغزی احمقانه و غیرعلمی است. هیچ کس به‌معنای واقعی کلمه آن را به‌کار نمی‌برد اما استعاره‌ای قدرتمند است.» آیا شست‌وشوی مغزی واقعا وجود دارد؟ ربکا لموف، تاریخ‌دان علوم در دانشگاه هاروارد می گوید که بله وجود دارد و آنچه ما شست‌وشوی مغزی می‌نامیم نه تنها نادر نیست بلکه رایج است. به‌گزارش نیویورکر، عباراتی مانند «شست‌وشوی مغزی» هیچ معنای ثابت و مستقل از کاربرد آن ندارند و می‌تواند مبهم و فراگیر باشد. زمانی که فرانتز فانون از تلاش‌های استعماری برای شست‌وشوی مغزی در الجزیره استفاده می کرد یا زمانی که مفسری در دهه ۷۰ ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا را متهم می کرد که کارگران سفیدپوست را از نفوذ کمونیسم می‌ترساند، عبارت شست‌وشوی مغزی به «موضوعی» اشاره داشت؛ هرچند بدون تعریفی مشخص.

با این حال ظهور دوباره این عبارت سوءظن‌هایی را ایجاد کرده است. اتهام شست‌وشوی مغزی ادعاهای خنثی نیستند؛ آنها توضیحات بخصوصی از این موضوع‌اند که چرا کسی باورهایی دارد که ما آن را مضحک می‌دانیم. این توضیح آن باورها را به‌جای استدلال عقلانی یا باور شخصی به دستکاری عمدی نسبت می‌دهد. در این امر ممکن است افرادی باورهای «تاسف‌آور» را به‌جای عاملان، قربانیان نمایش دهند که علاوه بر سرزنش نیازمند ترحم‌اند و البته شاید، درمان. در دوران شکوفایی مکتب‌های فکری دهه ۷۰، این درمان «شست‌وشوی مغزی‌زدایی» نام داشت.

لموف می‌نویسد، اولین نشانه‌های ظهور مفهوم «شست‌وشوی مغزی» در اواسط قرن بیستم در پرونده‌های دفتر خدمات استراتژیک دیده شد؛ سازمانی که پیش از آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا یا سازمان سیا تشکیل شد. ظهور این عبارت عمدتا در نوشته‌های ادوارد هانتر، روزنامه‌نگار آمریکایی بود که ادعا می کرد تفسیری از واژه‌ای به زبان چینی است که می‌تواند واژه جدید من‌درآوردی برای توصیف تکنیک‌های متقاعدسازی چینی باشد.

این تکنیک‌ها در دوران جنگ کره مورد استفاده قرار گرفته بودند. موریس آر ویلز، یک اسیر جنگی بود که با طیفی از محرومیت‌ها مواجه شده بود؛ او دچار سوءتغذیه شده بود و با وجود تهدید همیشگی اعدام در شرایط بسیار کثیفی نگهداری می‌شد. شرایط ویلز با انتقال به «کمپ یک» بهتر شد. کیفیت مواد غذایی بهتر شد، نامه‌ها به خانه ارسال شدند و حتی امکانات بازی والیبال هم فراهم شد.

ظاهرا این آغاز مرحله‌ای به‌نام «آموزش مجدد» برای تغییر باورها و رفتارهای افراد بود. ویلز به‌عنوان عضوی از طبقات استثمار شده به شمار می‌رفت که هدفی امیدبخش برای این شیوه بود. او پس از سال‌ها درباره تجربیات خود می‌گوید: «شست‌وشوی مغزی با چسباندن الکترودها به مغز اتفاق نمی‌افتد. بلکه روند طولانی و وحشتناکی است. شخص در طول آن قدم به قدم، ایده به ایده، مثل من کاملا متقاعد می‌شود که کمونیست‌های چینی از راز شادمانی افراد پرده‌برداری کرده‌اند و اینکه بانکداران سرمایه‌دار، از جنس مک کارتی و متجاوزان امپریالیست، آمریکا را اداره می‌کنند.»

تئوری پشت این شیوه همانگونه که مائو زدونگ، سیاستمدار و نظریه‌پرداز مارکسیستی توصیف می کند، آنقدر هم بد به‌نظر نمی‌رسد. مائو می‌نویسد، مردم را نمی‌توان مجبور کرد که مارکسیست شوند. او پیشنهاد می‌دهد به‌جای آن باید از روش‌های «دموکراتیک» بحث و گفت‌وگو، نقد، متقاعد کردن و آموزش استفاده کرد. مهم‌ترین مرحله این روند «تلخی سخن» است. جنگجویان آمریکایی مانند کارگران مزارع چینی که برای اولین بار این شیوه روی آنها اجرا شد، تلخی زیادی برای گفتن داشتند: از نژادپرستی و فقر در خانه و از تبعیض در داخل نیروهای مسلح. ویلز برای نوشتن زندگی‌نامه خود به درون‌نگری مجبور شده بود. او و دیگر زندانیان جنگی باید ساعت‌ها در کلاس تئوری مارکسیست شرکت می کردند.

ویلز در مواجهه با تقاضا برای توجیه «نظام آمریکایی» که خود هیچ ایده‌ای از آن نداشت، ناگهان خود را در مسیری دید که اسیرکنندگان آن را «ترقی» می‌خواندند. او به این باور رسیده بود که جامعه آمریکا در حال پوسیدن است. آینده مسیری بود که چینی‌ها طی می کردند. او انتخاب کرد که به کشور خود بازنگردد. اما شرایطی که دیگر زندانیانی که تصمیم گرفته بودند بمانند برای کار به مزارع و کارخانه‌های کاغذسازی فرستاده شدند، او به دانشگاه خلق در پکن فرستاده شد.

فرآیند شست‌وشوی مغزی هیچ‌وقت کامل نشد. از او به‌طور مرتب درخواست می‌شد تا اقدامات نمایشی «توبه» را اجرا کند؛ ویلز باید در سمینارهای «انتقاد از خود» شرکت می کرد. او حالا بیشتر درباره مارکسیسم آموزش دیده بود تا تاریخ چین. او حتی شاهد یک اعدام در ملأ عام بود. در نهایت ویلز ۱۲ سال در چین باقی ماند.

تجربیات گذشته ویلز زمانی که به آمریکا بازمی‌گردد و در موقعیتی قرار می گیرد که درباره سرگذشت خود تامل کند، نکات روشن‌کننده‌ای دارد. واضح است که اسیرکنندگان چینی حداقل برای مدتی توانستند تغییراتی در ذهنیت او ایجاد کنند تا او «کاملا متقاعد شده باشد.»

اگر حرف‌های ویلز را باور کنیم ممکن است ادعای مائو را زیر سوال ببریم که هیچ‌کس را نمی‌توان مجبور کرد به «چیزی» اعتقاد قلبی پیدا کند. مائو با اظهار این موضوع ایده‌ای قدیمی را در اندیشه مدرن اروپایی بازتاب می‌دهد؛ ایده‌ای که تاثیرگذارترین بیان آن در رساله ۱۶۸۹ جان لاک «نامه‌ای درباره مدارا» آمده است. لاک استفاده از زور را در مورد باورها محکوم می کند. او می‌نویسد، باور واقعی محصول «اقناع داخلی ذهن است.»

اجبار کسی برای باور به چیزی نیازمند پنهان کردن نقشی است که زور در این روند بازی کرده است. فردی که شست‌وشوی مغزی شده نمی‌تواند باور کند که شست‌وشوی مغزی شده است؛ آنها فقط می‌توانند تجربه خود را مانند دیدن نور، افزایش آگاهی و خوردن «قرص قرمز» توصیف کنند. همانگونه که لموف از کسی که شست‌وشوی مغزی شده نقل می کند: «اگر این شیوه کار می کند، خودش آثار خود را از بین می‌برد.»

هفته نامه اکونومیست:

## دونالد ترامپ ایران را برای گفت‌وگو می‌خواهد نه بمباران

هفته‌نامه اکونومیست در صفحه اینستاگرامی خود با انتشار تصویری از دیوار نوشت «مرگ بر آمریکا» واقع در خیابان کریمخان تهران با تاکید بر اینکه دونالد ترامپ قصد دارد با ایران گفت‌وگو کند و تمایلی برای جنگ با ایران ندارد، این وضعیت را برای بنیامین نتانیاهو ناامیدکننده خواند و نوشت: «ملاقات نتانیاهو و ترامپ در کاخ سفید آن‌طور که انتظار می‌رفت پیش نرفت. در این دیدار نتانیاهو نتوانست ترامپ را متقاعد کند تا مراکز هسته‌ای ایران را بمباران کند، زیرا ترامپ دیپلماسی را در مقطع فعلی مفیدتر می‌داند.» به همین سبب دونالد ترامپ اعلام کرد: «مذاکرات مستقیم میان تهران و واشنگتن روز شنبه در عمان برگزار می شود.» البته در حال حاضر چشم‌اندازی از توافق میان دو کشور وجود ندارد اما به نظر می رسد مذاکرات درباره برنامه هسته ای ایران در اولویت نشست عمان قرار دارد.

# مسقط میز تصمیم بزرگ

## تحلیل گفت‌وگوهای قریب‌الوقوع ایران و آمریکا در عمان از نگاه استیون ارلانگر، خبرنگار ارشد نیویورک تایمز

عکس: آرش خاموشی: نیویورک تایمز

الهه کاکایی
روزنامه نگار

**در یادداشتی تحلیلی که به‌تازگی در نیویورک تایمز منتشر شده، استیون ارلانگر، خبرنگار ارشد این روزنامه در امور دیپلماتیک و مقیم برلین، به بررسی وضعیت پیچیده گفت‌وگوهای آتی میان ایران و ایالات متحده پرداخته است؛ گفت‌وگوهایی که قرار است در روز شنبه در عمان آغاز شود و می‌تواند نقطه عطفی در روابط پرتنش دو کشور طی دو دهه اخیر باشد.**

**ارلانگر در ابتدای یادداشت خود تأکید می‌کند که این مذاکرات، اگرچه حامل امیدهایی برای کاهش تنش هستند، اما در فضایی مملو از بی‌اعتمادی، اختلافات بنیادین و ضرب‌الاجل‌های سخت‌گیرانه برگزار می‌شوند. به تعبیر او، «زمان برای رسیدن به توافق اندک است، اما مسیر، بسیار پیچیده و لغزنده.»**

### دوگانه دیپلماسی و تهدید نظامی

نویسنده با اشاره به سخنان اخیر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، می‌نویسد که او همزمان با تهدید ایران به «بمبارانی که تاکنون ندیده‌اند»، علاقه‌مندی خود به حصول یک توافق دیپلماتیک را نیز اعلام کرده است. این سخنان، در دیداری با بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل مطرح شد؛ شخصی که از مخالفان سرسخت هرگونه توافق با ایران به شمار می‌رود.

این تناقض‌گویی ترامپ، به‌زعم ارلانگر، با واکنشی دوگانه در جهان عرب مواجه شده است: از یک سو نگرانی از نفوذ منطقه‌ای ایران وجود دارد و از سوی دیگر، ترس از درگیری نظامی‌ای که می‌تواند ثبات اقتصادی و اجتماعی منطقه را به شدت به هم بریزد.

### بازیگران کلیدی مذاکرات

در ادامه یادداشت آمده است که عباس عراقچی از سوی ایران و استیو ویتکاف از سوی آمریکا در رأس هیأت‌های مذاکره‌کننده قرار دارند. هرچند اختلاف‌نظرهایی درباره مستقیم یا غیرمستقیم بودن مذاکرات وجود دارد، ارلانگر تاکید می‌کند که اهمیت موضوع بیشتر از فرمت گفت‌وگوهاست.

عراقچی در گفت‌وگویی عنوان کرده است که این مذاکرات «هم یک فرصت است و هم یک آزمون»؛ فرصتی برای نجات دیپلماسی و آزمونی برای عزم دو طرف در رسیدن به یک راه‌حل عملی و بادوام.

### فرصت محدود اروپا و خطر بازگشت تحریم‌ها

ارلانگر در بخش دیگری از یادداشت، به نقش حیاتی کشورهای اروپایی اشاره می‌کند. طبق توافق هسته‌ای ۲۰۱۵، فرانسه، بریتانیا و آلمان تا پایان ماه جولای فرصت دارند تا در مورد بازگرداندن تحریم‌های سازمان ملل تصمیم‌گیری کنند. اگر این تحریم‌ها بازگردند و مذاکرات به بن‌بست برسد، ایران تهدید کرده که از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) خارج خواهد شد؛ اقدامی که می‌تواند منجر به واکنش نظامی اسرائیل یا حتی آمریکا شود.

### همزمانی دیپلماسی با آماده‌باش نظامی

به نوشته ارلانگر، ایالات متحده در کنار تلاش‌های دیپلماتیک، اقدامات نظامی خود را نیز افزایش داده است. اعزام ناو هواپیمابر کارل وینسون، استقرار بمب‌افکن‌های B-2 و حملات گسترده علیه حوثی‌ها در یمن، همه نشانه‌هایی از سیاست چماق و هویج واشنگتن هستند.در همین حال، ایران مذاکرات فنی خود را با روسیه و چین در مسکو پی گرفته و کرملین نیز با حمایت از گفت‌وگوهای عمان، خواستار حل‌وفصل دیپلماتیک مسئله شده است. اروپایی‌ها نگران‌اند که در ماه اکتبر، با ریاست دوره‌ای روسیه بر شورای امنیت، فضای بین‌المللی بیش از پیش به نفع ایران تغییر کند.

ارلانگر در انتهای یادداشت اضافه می‌کند که احتمال زیاد یک کارزار بمباران، ضدحمله‌های جدی ایران علیه اهداف آمریکایی و اسرائیلی و زیرساخت‌های خلیج فارس، مانند تاسیسات نفتی عربستان را به‌دنبال خواهد داشت؛ چیزی که هیچ کشور عربی در منطقه خواهان آن نیست. این اقدام همچنین می‌تواند ایران را به سمت تسلیحاتی کردن برنامه هسته‌ای‌اش و ساخت بمب سوق دهد. تحلیل‌گران می‌گویند مشخص نیست که آیا اروپایی‌ها مایل خواهند بود یا از نظر قانونی توان آن را دارند که ضرب‌الاجل برای اعمال تحریم‌های بیشتر را به تعویق بیندازند یا نه. اما برای اینکه حتی این گزینه مدنظر قرار گیرد، باید پیشرفت عظیمی در مسیر توافق جدید حاصل شود.

### دیپلماسی در آستانه بحران

یادداشت ارلانگر، فراتر از مرور وقایع، حامل هشداری جدی است: مذاکرات عمان، نه تنها درباره آینده برنامه هسته‌ای ایران، بلکه درباره مسیر آینده نظم منطقه‌ای و جهانی است. به تعبیر برخی تحلیل‌گران، آمریکا در حال آزمودن سیاستی است که بیشتر به «مذاکره تحت تهدید» شباهت دارد تا گفت‌وگوی سازنده. سوزان مالونی، مدیر برنامه سیاست خارجی در موسسه بروکینگز، این رویکرد را «جایگزینی نامناسب برای یک سیاست واقعی» می‌داند. با توجه به محدودیت زمانی، فشار مضاعف تحریم‌ها و سایه سنگین تهدید نظامی، دیپلماسی اکنون بر لبه پرتگاه ایستاده است. اگر دو طرف، به‌ویژه آمریکا، به جای بازی تاکتیکی، اراده‌ای راهبردی برای حل اختلافات نداشته باشند، مذاکرات عمان نمی‌تواند آغازی برای صلح باشد، بلکه مقدمه‌ای است برای بحرانی بزرگ‌تر.

**منتشر شده در تاریخ ۸ آوریل ۲۰۲۵**

## گزارش

### روایت‌هایی از سوگواری در ایران معاصر

# اشک‌هایی که به‌زبان سیاست ترجمه می‌شوند

- سیاست سوگواری؛ وقتی مرگ از مرزهای شخصی عبور می‌کند
- از تشییع‌های پرشکوه تا سکوت‌های معنادار؛ مروری بر پیوند مرگ و سیاست در ایران امروز

همه چیز از یک صبح پاییزی شروع شد. جمعیت آرام و غمگین، آرامستان بهشت زهرا را پر کرده بود. بیشترشان آمده بودند برای خداحافظی با چهره‌ای سیاسی که سال‌ها در فضای کشور نقش‌آفرینی کرده بود. در ابتدا سکوت بود و زمزمه دعا، اما کمی بعد چند شعار سیاسی هم به گوش رسید. دوربین‌ها از راه رسیدند، رسانه‌ها گزارش می‌گرفتند و کم‌کم مراسمی که باید کاملاً خصوصی و خانوادگی می‌بود، رنگ و بوی یک تجمع سیاسی را به خود گرفت.

این صحنه، داستان تازه‌ای نیست. در ایران، مرگ و سوگواری همیشه موضوعی فراتر از زندگی شخصی افراد بوده است؛ گاه به مراسم تشییع یک سیاستمدار بدل می‌شود، گاهی به فرصتی برای نقد یا حمایت از دولت و گاهی نیز به میدان جدال میان سیاست و سنت تبدیل می‌شود. اما این اتفاق‌ها چرا و چگونه رخ می‌دهد؟

### مرگ‌های رسانه‌ای و سکوت‌های خبری

مرگ، چه برای چهره‌های سیاسی باشد و چه برای شخصیت‌های فرهنگی، همیشه بازتاب‌هایی در رسانه‌ها دارد. درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۹۵ نمونه‌ای روشن است. مراسم تشییع او به شکلی برگزار شد که علاوه بر جنبه دینی و عرفی، وجهه‌ای سیاسی نیز پیدا کرد. حضور مردم در خیابان انقلاب تهران، از آن سوگواری آرام و معمول، یک رویداد سیاسی ساخت. شعارهایی که مردم می‌دادند متفاوت بود؛ برخی در احترام و سوگ و برخی نیز در نقد سیاست‌ها یا رویه‌هایی خاص. این اتفاق نه با برنامه‌ریزی حاکمیت رخ داد و نه کاملاً تصادفی بود؛ مردم به شکلی خودجوش، مرگ را فرصتی برای رساندن صدایشان یافتند.

اما همیشه ماجرا به این شکل نبوده است. گاهی نیز سوگواری‌های عمومی با سکوت رسانه‌ای مواجه می‌شود؛ مانند آنچه در مرگ چهره‌ای فرهنگی مثل محمدرضا شجریان اتفاق افتاد. هرچند این هنرمند بزرگ در ایران بسیار محبوب بود و ده‌ها هزار نفر برایش سوگواری کردند، اما پوشش رسانه‌ای رسمی حداقلی و محتاطانه بود. این سکوت معنادار، نشان داد که سیاست رسانه‌ای چگونه به مراسم سوگواری شکل می‌دهد و گاه حتی آن را سانسور می‌کند.

### کرونا؛ تغییر اجباری مناسک سوگواری

دوران کرونا یکی از سخت‌ترین و متفاوت‌ترین دوره‌های سوگواری در تاریخ معاصر ایران بود. گورستان‌ها خالی از عزاداران بودند. بسیاری از خانواده‌ها عزیزانشان را در تنهایی به خاک سپردند؛ نه از مجلس ختم خبری بود و نه از جمع شدن اقوام و همسایگان برای تسلیت‌گویی. حتی حرم امام رضا در مشهد و حرم حضرت معصومه در قم برای اولین بار تعطیل شدند. تعطیلی این اماکن مذهبی، با واکنش‌هایی از سوی برخی گروه‌ها همراه بود که آن را دخالت دولت در امور دینی تفسیر کردند؛ اما این بار دولت از سر اجبار بهداشتی چنین تصمیم‌هایی گرفته بود و با اطلاع‌رسانی وسیع، تلاش کرد افکار عمومی را قانع کند. به مرور، عزاداری مجازی باب شد. بسیاری از هیأت‌ها به فضای مجازی روی آوردند و مردم از خانه مراسم عزاداری را دنبال کردند. این تجربه تازه‌ای برای جامعه ایران بود؛ تجربه‌ای که هم غم‌انگیز بود و هم راه تازه‌ای برای سوگواری و همدلی جمعی گشود.

### سوگواری به مثابه صدای اعتراض

در چند دهه اخیر، گاهی مراسم عزاداری به محل طرح اعتراض یا مطالبات اجتماعی تبدیل شده است. نمونه آشنای این اتفاق را می‌توان در مراسم چهلم افراد جان‌باخته در حوادث اجتماعی اخیر دید؛ جایی که مردم، گاهی به شکلی خودجوش و در آرامش، گرد هم آمدند تا یاد عزیزانشان را گرامی بدارند. این نوع سوگواری‌ها از یک سو بیانگر حق طبیعی مردم برای بزرگداشت عزیزانشان است و از سوی دیگر حاکی از این است که سیاست هرگز نمی‌تواند از کنار پدیده‌ای مثل عزاداری، بی‌تفاوت بگذرد.

در چنین شرایطی، دولت‌ها معمولاً تلاش کرده‌اند فضای آرامی فراهم کنند تا این مراسم، بدون آنکه تبدیل به صحنه تنش شود، برگزار گردد. اما این همیشه آسان نیست و گاهی همین مراسم به شکل‌گیری ناآرامی یا چالش‌های امنیتی نیز منجر شده است.

### مرگ به روایت رسانه رسمی

تلویزیون و رسانه‌های رسمی در ایران نقش مهمی در جهت دادن به نگاه عمومی به مرگ و سوگواری دارند. وقتی شخصیت‌هایی که به گفتمان رسمی نزدیک هستند در می‌گذرند، رسانه ملی برنامه‌های مفصلی ترتیب می‌دهد و سوگواری مردم را به نمایش می‌گذارد. اما در نقطه مقابل، وقتی شخصیت‌هایی با رویکرد متفاوت یا منتقد از دنیا می‌روند، این رسانه‌ها معمولاً سکوت یا کم‌توجهی اختیار می‌کنند. این تفاوت رویکرد باعث شده مردم گاه در شبکه‌های اجتماعی واکنش نشان دهند و رسانه‌های رسمی را مورد نقد قرار دهند. مثلا، پس از درگذشت هنرمندان محبوبی که رابطه خوبی با سیاست رسمی نداشتند، اغلب شبکه‌های اجتماعی عرصه‌ای شدند برای بیان احساسات مردم و سوگواری جمعی، درحالی‌که رسانه رسمی یا کاملا سکوت می‌کرد یا حداقل توجه را به این موضوعات نشان می‌داد. این دوگانگی در پوشش خبری، خود نشان‌دهنده حضور پررنگ سیاست در حریم شخصی‌ترین لحظات جامعه است.

### آینده سوگواری در ایران

پرسش مهم این است که سیاست تا چه اندازه می‌تواند به شکل دادن به مناسک سوگواری ادامه دهد؟ عزاداری‌ها بخشی از فرهنگ و هویت ملی و مذهبی ایرانیان است و هرگز نمی‌توان آن را به طور کامل در چارچوبی سیاسی محدود کرد. از طرف دیگر، مردم نیز در دوره‌های مختلف نشان داده‌اند که همیشه راهی برای بیان احساسات واقعی خود در سوگواری خواهند یافت؛ گاهی در خیابان‌ها، گاهی در فضای مجازی و گاهی در سکوتی معنادار.

آنچه روشن است اینکه مناسک سوگواری در ایران امروز، ترکیبی پیچیده از سنت، مذهب، عواطف شخصی و سیاست است. سیاست گاهی این سوگواری را به سوی منافع خود سوق می‌دهد، گاه آن را محدود می‌کند و گاه نیز ناخواسته فضا را برای بیان اعتراض مردم فراهم می‌آورد.

شاید آینده مناسک سوگواری در ایران، در گرو پذیرش این حقیقت باشد که این مراسم جز آنکه بخشی از هویت فرهنگی ما هستند، ظرفیتی برای نزدیکی مردم و حاکمیت نیز دارند؛ اگر که از آنها به درستی استفاده شود. دولت‌ها می‌توانند با احترام گذاشتن به این سنت‌ها، فضای مناسبی ایجاد کنند تا مردم فارغ از گرایش‌های سیاسی، با آرامش و همدلی در کنار هم قرار گیرند. چنین نگاهی به سوگواری نه فقط به تقویت انسجام اجتماعی می‌انجامد، که نشان‌دهنده درک متقابل میان حاکمیت و جامعه نیز خواهد بود.

سوگواری، بیش از آنکه فرصتی برای سیاست‌ورزی باشد، فرصتی برای یادآوری انسان بودن همه ماست. آن را قدر بدانیم.

## یادداشت

# در خواب کسی فریاد می‌زند

## پروپاگاندا در ناخودآگاه جمعی؛ رویاهای سیاسی و آن‌چه در سایه مانده است

بابک نبی
دبیرگروه سیاسی

گاهی سیاست نه در تیترهای بزرگ روزنامه‌ها، نه در نطق‌های پرطمطراق پارلمانی و نه در صف‌های طولانی رای‌گیری، بلکه در سکوت شبانه‌ای اتفاق می‌افتد؛ جایی که فرد، تنها، میان سایه‌های ذهن خویش سرگردان است و خوابی می‌بیند که خودش هم نمی‌داند از کجا آمده.

در رویای او، خیابانی شلوغ است، جمعیتی بی‌چهره شعار می‌دهند، صدای خودش را نمی‌شنود، یا در حال فرار است، بی‌آنکه بداند از چه. این‌ها رویاهای شخصی نیستند؛ این‌ها قطعات پازلی‌اند از ناخودآگاه جمعی ما، روایت‌های خاموشی که بیداری مجال گفتن‌شان را نمی‌دهد.

روانکاوی به ما آموخته که خواب، زبان ناخودآگاه است. اما در عصر سیاستِ تصویر، تبلیغ و تکرار، آیا این زبان هنوز به ما تعلقَ دارد؟ یا رسانه‌ها، نهادها، قدرت‌های ایدئولوژیک، حتی خواب‌های ما را هم بازنویسی کرده‌اند؟

پروپاگاندا، برخلاف تصور رایج، تنها یک ابزار رسانه‌ای نیست. تبلیغات سیاسی، اگر پیوسته، جهت‌دار و خزنده باشد، بدل به ساختار روانی می‌شود. ذهن ما، به‌ویژه در سال‌های شکل‌گیری‌اش، با نمادها، واژه‌ها و تصاویری آشنا می‌شود که نه صرفا اطلاع‌رسان هستند و نه بی‌طرف. آن‌چه کودک در کتاب درسی می‌خواند، جوان در پوستر خیابانی می‌بیند و بزرگسال در اخبار رسمی می‌شنود، رفته‌رفته بخشی از زبان ناخودآگاه او می‌شود؛ حتی اگر ظاهرا آنها را باور نداشته باشد.

از این منظر، پروپاگاندا صرفا افکار روزمره را دستکاری نمی‌کند، رویاها را نیز تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. رویای مردی که در خواب می‌بیند، در حال سقوط از ساختمانی بی‌انتهاست، شاید فقط یک اضطراب شخصی نباشد، بلکه بازتابی از شکست یک جهان‌بینی باشد که به او آموخته شد، اما دیگر به آن ایمان ندارد. رویای زنی که جمعیتی بی‌چهره در حال تعقیبش هستند، ممکن است حکایت از ترسی داشته باشد که جامعه به او تحمیل کرده؛ ترسی که نه از خطری بیرونی، بلکه از یک توده کنترل‌نشده نشأت می‌گیرد.

در جوامعی که سانسور بیرونی وجود دارد، رویاها به آخرین پناهگاه ناخودآگاه بدل می‌شوند. اما اگر همان‌جا هم تسخیر شده باشد چه؟ اگر خواب‌های ما نیز دیگر از آنِ ما نباشند؟ اگر فریاد بی‌صدای شبانه، به‌جای آن‌که از رنجی شخصی بگوید، پژواکی از سیاستی باشد که در عمق روان ما لانه کرده است؟

اینجاست که بازگشت به رویا، نه یک حرکت رمانتیک، که یک کنش سیاسی است. نوشتن خواب‌ها، بازخوانی‌شان، تحلیل‌شان با ابزار روانکاوی، می‌تواند راهی برای پس‌گیری ذهن باشد؛ راهی برای مقاومت در برابر زبان‌هایی که از کودکی در ما کاشته شدند تا نگوییم، ندانیم، نپرسیم.

رویا، با تمام رازآلودگی‌اش، یک سند است؛ سندی از سرکوب، یا شاید سندی از امید. شاید خواب‌هایمان تنها جایی باشند که هنوز بتوان حقیقت را دید؛ در چهره‌هایی که واضح نیستند، در واژه‌هایی که کامل نمی‌شوند و در آن فریادهایی که هیچ‌وقت شنیده نمی‌شوند.

باید خواب‌هایمان را پس بگیریم، پیش از آن‌که آن‌ها هم مصادره شوند.

### تحلیل هشدار دهنده بازار کار ایران، نابرابری‌ها و شکاف‌های اجتماعی در بالاترین سطح

# بازار کار در سلطه تهران، مردان و مدیران

## افزایش قیمت‌ها همچنان بالاتر از رشد حقوق‌هاست و فشار مضاعفی به مردم وارد می‌شود

## مدیران تا سه برابر بیشتر از کارمندان درآمد دارند

آزاده ابوطالبی
هفت‌صبح

**در اقتصادی که همه از تورم سخن می‌گویند، شاید کمتر کسی به صدای خاموش حقوق‌ها گوش کند. اما اگر دقیق‌تر نگاه کنیم، آنچه امروز در فیش‌های حقوقی دیده می‌شود، فراتر از یک عدد و بلکه سندی است از وضعیت اجتماعی، شکاف طبقاتی، توزیع ثروت و سازوکار فرسوده‌ای که توان پاداش‌دهی منصفانه به کار و تخصص را از دست داده است. گزارش جامع حقوق و دستمزد ۱۴۰۴، بیش از آنکه فهرستی از ارقام باشد، یک آینه تمام‌نما از عدم تقارن چندوجهی نیروی کار در ایران است.**

**وقتی تورم، درآمد را می‌بلعد**

یکی از مهم‌ترین یافته‌های این گزارش، شکاف میان رشد حقوق‌ها و افزایش هزینه‌های زندگی است. از سال ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۳، حداقل حقوق وزارت کار ۱۳ درصد از نرخ تورم و ۹ درصد از نرخ دلار عقب مانده است. این یعنی کارگر یا کارمند ایرانی، عملاً در هر سال فقیرتر شده و قدرت خرید خود را از دست داده است. این روند به‌ویژه در میان کارمندان دولت، شدیدتر بوده و علاوه بر این که معیشت آنها را تهدید کرده، رضایت شغلی و بهره‌وری را هم با خود به زیر کشیده است.

**فاصله نجومی حقوق‌ها: تهران، مدیران، مردان**

تهران در این گزارش به‌عنوان قطب پررنگ درآمدی معرفی شده است؛ میانه حقوق در پایتخت ۲۸درصد بالاتر از میانگین کشوری است. اما این تنها نابرابری موجود نیست. سطح ارشدیت، تفاوت جنسیتی و نوع شغل نیز در ایجاد شکاف‌های عمیق مؤثرند. به‌طور مثال، زنان در ایران به‌طور میانگین ۲۸درصد کمتر از مردان برای کار مشابه حقوق می‌گیرند. همچنین، مدیران ارشد تا سه برابر بیش از یک کارمند معمولی حقوق دریافت می‌کنند و این فاصله با افزایش سطح شغلی، بیشتر می‌شود.
اما نکته مهم‌تر اینکه مدیران بیش از سایر گروه‌ها خواهان افزایش حقوق هستند؛ به‌طوری که ۵۱درصد آنها، خواستار افزایش بالای ۴۰درصدی در سال آینده‌اند، در حالی که اکثریت کارکنان از افزایش ۲۰ تا ۳۰ درصدی سخن می‌گویند. آیا این الگوی مطالبه‌گری، به شکل نابرابری درآمدی دامن نمی‌زند؟

**آینده دیجیتالی، امروز قابل لمس است**

در میان این شکاف‌ها، اما یک سیگنال مثبت نیز قابل ردیابی است. مشاغل مرتبط با فناوری اطلاعات، علوم داده و هوش مصنوعی، در صدر جدول رشد حقوق و بیشترین درآمد قرار دارند. این گروه‌ها دستمزد بالایی دارند (میانگین تا ۶۰ میلیون تومان) و در عین حال، نرخ رشد درآمدشان از میانگین بازار کار فراتر رفته است. این نشانه‌ای است از تغییر ساختار تقاضا در بازار کار؛ جایی که تخصص فنی، توان تحلیل و تسلط بر فناوری، کلیدهای طلایی آینده شغلی محسوب می‌شوند. اما این آینده دیجیتالی، شکاف دیگری هم می‌سازد: فاصله میان کسانی که به مهارت‌های نوین دسترسی دارند و آنهایی که از چرخه مهارتی و آموزشی عقب مانده‌اند.

**ارزش اجتماعی قربانی بازده مالی**

از جنبه اجتماعی، یکی از تلخ‌ترین یافته‌های گزارش، وضعیت دستمزد در مشاغل با ارزش عمومی بالا اما درآمد پایین است. پرستاران، معلمان، مشاوران، نیروهای خدماتی و پژوهشگران در پایین‌ترین سطح دریافتی قرار دارند. این در حالی است که در مواقع بحران مانند همه‌گیری کرونا، یا در ساختن زیربنای اجتماعی و فرهنگی کشور، این افراد در صف اول قرار دارند. اینجاست که تن اقضی دردناک آشکار می‌شود: در اقتصاد ایران، بازده مالی بر ارزش اجتماعی می‌چربد. جامعه‌ای که نمی‌تواند به معلم خود بیشتر از منشی شرکت دستمزد دهد، دیر یا زود هزینه‌اش را در کیفیت آموزش، سلامت عمومی و سرمایه اجتماعی به شکلی تلخ خواهد پرداخت.

**افزایش حقوق بدون بهره‌وری**

یکی دیگر از محورهای گزارش، رابطه مبهم بین بهره‌وری و دستمزد در ایران است. برخلاف آموزه‌های اقتصاد کلاسیک که می‌گوید «افزایش حقوق باید متناسب با بهره‌وری باشد»، در بسیاری از مشاغل این رابطه یا وجود ندارد یا معکوس است. بنگاه‌هایی که ناچارند با تورم حقوق کارکنان را افزایش دهند، اما بازده اقتصادی آنها تغییری نمی‌کند، در بلندمدت به بن‌بست خواهند رسید. این وضعیت از یکسو به زیان کارفرماها تمام می‌شود و از سوی دیگر، برای کارکنان هم فایده‌ای ندارد. زیرا رشد غیرواقعی دستمزد، در نهایت با تورم خنثی می‌شود و هیچ رفاه پایداری ایجاد نمی‌کند. سرمایه‌گذاری در آموزش، سیستم منابع انسانی، ارتقاء فرآیندها و فناوری تنها راه‌هایی است که هم بهره‌وری را بالا می‌برد و هم توان پرداخت دستمزدهای واقعی را فراهم می‌کند.

**وقتی مردم از تفریح، درمان و آموزش باز می‌مانند**

یکی از تکان‌دهنده‌ترین بخش‌های گزارش، نظرسنجی از کارکنانی است که حداقل حقوق یا حقوقی نزدیک به آن دریافت می‌کنند. ۴۰ درصد از این افراد اعلام کرده‌اند که اگر حقوق‌شان از تورم عقب بماند، ناچارند از هزینه‌هایی چون درمان، آموزش و تفریح بزنند. این یعنی رفاه اجتماعی متوقف شده و در مسیر پسرفت است؛ این شرایط برای جامعه‌ای با ساختار جمعیتی جوان، پیام نگران‌کننده‌ای است.

**نیمه‌های پر و خالی لیوان**

این گزارش با رویکردی علمی، داده‌محور و بی‌طرفانه، تلاش کرده است تا تصویری واقعی از بازار کار ایران ترسیم کند؛ تصویری که هم زشتی‌ها را آشکار می‌کند و هم فرصت‌ها را. اگر این گزارش فقط به‌عنوان یک تحلیل اقتصادی خوانده شود، نیمی از کار را انجام داده‌ایم. اما اگر آن را به‌مثابه سندی راهبردی برای سیاستگذاران، کارفرمایان، مدیران منابع انسانی و حتی خود کارجویان تلقی کنیم، می‌توان امید داشت که راهی به سمت اصلاح گشوده شود.
اقتصاد سالم، بر پایه بهره‌وری و عدالت شکل می‌گیرد. نیروی انسانی باانگیزه و شایسته، ثروتی است که نمی‌توان نادیده گرفت. آنچه در این گزارش می‌خوانیم، نه فقط هشدار، بلکه دعوتی است به بازاندیشی در سیاست‌های بازار کار. دعوتی برای پرداختن به این پرسش اساسی: «چرا هنوز کسی که سازنده است، کمتر از کسی که بازاریاب است حقوق می‌گیرد؟» در دل گزارش ۱۴۰۴، نکات پنهانی وجود دارد که مثل جرقه‌هایی در انبار باروت اقتصاد ایران می‌درخشند. اینها را شاید نشود راحت از روی نمودارها دید، اما وقتی کنار هم قرار بگیرند، تصویری تکان‌دهنده از بازار کار ایران ترسیم می‌کنند. در ادامه، هیجان‌انگیزترین و بعضاً شوکه‌کننده‌ترین نکات گزارش را مرور می‌کنید.

### ثبات حقوق، عامل دلزدگی

در سال‌های ابتدایی، افزایش حقوق سریع‌تر است، اما با گذشت زمان، منحنی رشد درآمد صاف می‌شود. این یعنی سیستم پاداش‌دهی مبتنی بر تجربه، کار نمی‌کند؛ به خصوص برای مشاغل عمومی‌تر، مثل فروش، خدمات یا کارمندی. نتیجه؟ دل‌زدگی و فرسودگی شغلی.

### زنان ۲۸ درصد کمتر از مردان حقوق می گیرند

در میان آمارها، فاصله حقوق دریافتی بین زنان و مردان، به شکل فاحشی ۲۸ درصد است. در کشوری که زنان سهم بزرگی از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی را تشکیل می‌دهند، این شکاف نشانگر نابرابری ساختاری ریشه‌داری است که نه تنها اقتصادی، که اجتماعی نیز هست.

### حقوق‌ها بلندتر از همیشه فریاد می‌زنند

در سالی که بازار کار ایران با رکود، تورم و بی‌ثباتی دست‌وپنجه نرم می‌کند، ۲۵درصد از کارجویان افزایش حقوق گرفته‌اند و جالب‌تر آن‌که اوج این افزایش‌ها در ماه‌های مهر و شهریور رخ داده است. این یعنی، حتی در میانه فشارهای اقتصادی، برخی سازمان‌ها در لحظات کلیدی، تصمیم به ترمیم معیشت نیروی انسانی خود گرفته‌اند. تصمیمی که شاید به بهای ماندن یا رفتنِ استعدادها تمام می‌شود.

### تعیین حقوق، یک ابزار سیاست گذاری است

همان‌گونه که یکی از نویسندگان این گزارش گفته: «حقوق دیگر فقط عددی در فیش حقوقی نیست، بلکه شاخصی برای سلامت عدالت اجتماعی، وضعیت اقتصاد، و آینده انگیزه نیروی کار است.» سیاستگذاران، مدیران و فعالان بازار کار دیگر نمی‌توانند بی‌اعتنا از کنار این داده‌ها عبور کنند؛ چرا که عدم توجه به تحلیل‌های عمیق این گزارش، نه فقط بی‌عدالتی، بلکه بی‌خردی است.

### مردم به تفریح و درمان نه گفتند

در صورتی که حقوق‌ها متناسب با تورم افزایش نیابد، نتایج فاجعه‌بار خواهد بود: ۴۰درصد از پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که هزینه تفریح، سلامت و آموزش را کاهش می‌دهند یا حتی در پرداخت بدهی دچار مشکل می‌شوند. این نه فقط زنگ خطر معیشت است، بلکه نشانه‌ای از تهدید سرمایه انسانی در بلندمدت نیز هست.

### ۹ نفر از هر ۱۰ نفر، حقوق‌شان از تورم جا مانده است

تنها ۱۰ درصد از کارکنان در پایان سال ۱۴۰۳، افزایش حقوقی بیشتر از نرخ تورم داشته‌اند! بقیه یا حقوقی پایین‌تر از تورم دریافت کرده‌اند یا درجا زده‌اند. این یعنی قدرت خرید اکثریت نیروی کار به شکل سیستماتیک در حال سقوط است، حتی در شرکت‌هایی که ظاهراً رو به رشد هستند.

### فشار مضاعف بر منابع انسانی

بهره‌وری نیروی کار در بسیاری از بخش‌های اقتصاد ایران در سال‌های اخیر کاهش یافته است. با این وجود، انتظار افزایش حقوق همچنان بالاست. این تعارض منجر به افزایش فشار روانی، فرسودگی شغلی و مهاجرت نخبگان می‌شود. یک چرخه باطل که هم بنگاه‌ها را تحلیل می‌برد و هم کارمندان را.

### حقوق پرستار کمتر از گرافیست

یکی از دردناک‌ترین حقایق گزارش، تفاوت میان ارزش‌گذاری مشاغل است: پرستاران و نیروهای درمانی در میانه حقوق‌بگیران پایین‌تر از گرافیست‌ها، باریستاها و فروشندگان قرار گرفته‌اند. این در حالی است که در دوران بحران سلامت، بیشترین فداکاری را این گروه‌ها کرده‌اند.

### هوش مصنوعی و برنامه‌نویسی؛ ستاره‌های صعودی بازار کار

در میان ده‌ها گروه شغلی، دو حوزه بیشترین افزایش حقوق و بیشترین حقوق دریافتی را داشته‌اند: توسعه نرم‌افزار و هوش مصنوعی. این دو حوزه نه‌تنها به‌طور میانگین تا ۶۰ میلیون تومان حقوق می‌گیرند، بلکه رشد درآمدی‌شان هم در صدر است. آینده شغلی ایران، دیجیتالی است و مسیر آن از مغزهایی می‌گذرد که کد می‌نویسند.

### تهران، آسمانی دیگر برای جویندگان درآمد

میانه حقوق در تهران، ۲۸ درصد بالاتر از میانگین کشوری است. این یعنی «مرکزگرایی مزد» در ایران به‌شدت فعال است و شکاف جغرافیایی بین فرصت‌ها، روزبه‌روز عمیق‌تر می‌شود. مهاجرت شغلی به تهران، هنوز هم رویای بسیاری از کارجویان است؛ حتی با وجود هزینه‌های بالای زندگی.

### ۹۰ درصد حقوق‌ها در ایران، در سکوت و بی‌برنامگی تعیین می‌شود

بخش قابل توجهی از کارفرمایان در گزارش جاب‌ویژن اذعان کرده‌اند که نظام مدونی برای تعیین حقوق ندارند و به‌جای داده‌های واقعی، «حس و تجربه» یا «اطلاعات ناقص» مبنای تصمیم‌شان است. این یعنی حتی در شرکت‌های مدرن، حقوق‌ها بیشتر «احساسی» تعیین می‌شوند تا علمی.

### یک چهارم شاغلان ایران، در خطر افتادن به زیر خط فقر مطلق

۲۵درصد از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی گفته‌اند که در صورت عقب‌ماندن حقوق از تورم، مجبور به کاهش هزینه خوراک، پوشاک، درمان، آموزش و حتی تغییر محل زندگی خود خواهند بود. این یعنی یک گام دیگر به سمت فقری چندوجهی، نه‌فقط اقتصادی بلکه روانی و اجتماعی.

### شکاف عمیق ارزش گذاری شغلی در ایران

در فهرست شغل‌هایی که کمترین حقوق را می‌گیرند، معلم، مشاور روان‌شناسی، پرستار و حتی پژوهشگر دیده می‌شود. از آن طرف، توسعه‌دهندگان نرم‌افزار، مدیران محصول و تحلیلگران بازار کسب‌وکار در صدر دریافتی‌ها هستند. این شکاف نشان می‌دهد که در بازار کار ایران، «بازده مالی» اهمیت بیشتری از «ارزش اجتماعی» پیدا کرده است.

### ۵۱ درصد مدیران خواهان افزایش بالای ۴۰ درصدی حقوق

وقتی از افزایش حقوق در سال ۱۴۰۴ صحبت می‌شود، کارمندان خواهان رشد ۲۵ تا ۳۰ درصدی هستند؛ اما مدیران سطح بالا، درخواست افزایش حقوقی بیش از ۴۰ درصد داده‌اند! فاصله بین خواستن و توان پرداخت سازمان‌ها، یک بمب ساعتی در زیر میز مذاکرات حقوق و دستمزد است.

---

**یادداشت**

### دستور بی‌سروصدای جدید بانک مرکزی و چالش‌های جدید برای سیستم بانکی

## تمرکز منابع دولت، تضعیف بانک‌ها

مهدی خاکی فیروز
دبیر گروه اقتصادی

بانک مرکزی در اقدامی تازه که به صورت رسمی نیز اطلاع‌رسانی نشده است، به دستگاه‌های اجرایی دستور داده است حساب‌های خود در بانک‌های مختلف را مسدود کرده و وجوه آن را به حساب‌های اختصاصی نزد بانک مرکزی منتقل کنند؛ حساب‌هایی که مدیریت‌شان تنها از طریق درگاه خزانه‌داری و بانک ملی ایران میسر است. بانک مرکزی در تکمیل این تصمیم خود، به بانک‌ها نیز دستور مشابهی را داده است تا تمرکز وجوه، با جدیت بیشتری انجام شود. این تصمیم، که در چارچوب سیاست‌های تمرکز وجوه دولت و شفافیت مالی اتخاذ شده، پیامدهای مهمی برای شبکه بانکی کشور در پی دارد؛ پیامدهایی که اگر مورد توجه قرار نگیرد، می‌تواند موازنه قدرت و نقدینگی را در سیستم بانکی دچار اختلال کند.

**شفافیت بیشتر و نظارت برخط**

از منظر دولت، این تصمیم در راستای سیاست تمرکز حساب‌ها و مقابله با فساد، ایجاد انضباط مالی و کنترل مصارف بودجه‌ای قابل دفاع است. ساماندهی حساب‌های متعدد دستگاه‌های دولتی که گاه به صورت پراکنده و بدون نظارت کافی در بانک‌های مختلف افتتاح شده‌اند، مانع سوءاستفاده‌های احتمالی شده و شفافیت مالی دولت را ارتقا می‌دهد. همچنین، این تمرکز به خزانه‌داری کل کشور امکان می‌دهد در لحظه از وضعیت منابع و مصارف خود مطلع باشد و کنترل بیشتری بر اجرای بودجه اعمال کند. اما در سمت دیگر، بانک‌ها به‌ویژه بانک‌های تجاری غیردولتی و حتی برخی بانک‌های دولتی، با خروج منابع قابل‌توجهی از ترازنامه خود مواجه می‌شوند. حساب‌های دولتی معمولاً حجم بالایی از نقدینگی را در خود جای می‌دادند و یکی از منابع ارزان‌قیمت و پایدار تأمین مالی برای بانک‌ها به‌شمار می‌رفتند. حذف این منابع، قدرت وام‌دهی بانک‌ها را کاهش داده و تراز نقدینگی برخی از آنها را تحت‌فشار قرار می‌دهد.

**رقابت‌پذیری بانک‌ها زیر سوال می‌رود؟**

با محدود شدن دستگاه‌های دولتی به استفاده انحصاری از بانک مرکزی و بانک ملی، در عمل بخش مهمی از بازار سپرده‌ای که پیش از این در اختیار سایر بانک‌ها بود، از دسترس آنها خارج می‌شود. این اتفاق رقابت‌پذیری بانک‌ها را در جذب منابع کاهش می‌دهد و شرایط نابرابر و حتی شبه‌انحصاری برای بانک ملی فراهم می‌آورد. از سوی دیگر، رابطه سنتی میان بانک‌ها و مشتریان حقوقی دولتی که گاه شامل ارائه خدمات مالی، فین‌تک، ال‌سی و تسهیلات هدفمند می‌شد، دچار گسست می‌شود.

**تأثیر بر خلق پول و عملیات بازار باز**

با انتقال حساب‌های دولتی به بانک مرکزی، بخشی از منابعی که در قالب سپرده نزد بانک‌ها نگهداری می‌شد، عملاً از تراز بانک‌ها خارج می‌شود. این امر بر پایه پولی و ظرفیت بانک‌ها برای خلق اعتبار نیز اثر می‌گذارد. بانک مرکزی باید سیاست‌های جبرانی دقیقی برای مدیریت نقدینگی طراحی کند تا از کاهش شدید قدرت تسهیلات‌دهی بانک‌ها جلوگیری شود. به‌ویژه آن که بانک‌های مختلف، با حجم بالای تسهیلات تکلیفی به‌ویژه در زمینه ازدواج و فرزندآوری مواجه هستند که ممکن است با این تصمیم، نتوانند به متقاضیان این قبیل وام‌ها، پاسخگو باشند.
علاوه بر این، با تمرکز وجوه دولت نزد بانک مرکزی، نقش عملیات بازار باز در تنظیم نقدینگی و نرخ بهره پررنگ‌تر خواهد شد. زیرا منابع در اختیار بانک مرکزی قرار گرفته و می‌تواند از آن به‌صورت هدفمند در بازار بین‌بانکی استفاده کند. اما در عین حال، فشار بیشتری بر بانک مرکزی برای مدیریت دقیق این منابع وارد می‌شود تا از بروز نوسانات شدید در بازار پول جلوگیری شود. هرچند هدف‌گذاری اصلی این سیاست، شفافیت مالی و افزایش انضباط در دستگاه‌های دولتی است، اما در غیاب تدابیر جبرانی برای بانک‌ها، ممکن است موجب کاهش توان تسهیلات‌دهی، اخلال در نقدینگی و تعمیق نابرابری میان بانک‌های دولتی و خصوصی شود. پیشنهاد می‌شود بانک مرکزی همزمان با اجرای این سیاست، از طریق ابزارهایی چون کاهش نرخ سپرده قانونی یا تقویت منابع بانک‌های آسیب‌پذیر، توازنی میان اهداف مالی دولت و پایداری نظام بانکی ایجاد کند.

---

**خبر روز**

## اختلال گسترده در سامانه‌های خدماتی همراه اول

### کاربران سردرگم و بی‌اطلاع از زمان رفع مشکل

همراه اول

از روز دوشنبه، سامانه‌های خدمات‌رسانی همراه اول با اختلال جدی مواجه شده‌اند؛ موضوعی که باعث سردرگمی و نارضایتی گسترده میان مشترکان این اپراتور بزرگ کشور شده است. این اختلال، خدمات کلیدی همچون تعویض سیم‌کارت، پرداخت قبوض تلفن همراه و دسترسی به سرویس‌های اپلیکیشن «همراه من» را تحت تأثیر قرار داده است.
طبق گزارش‌های میدانی و تماس کاربران، عدم امکان تعویض سیم‌کارت به‌ویژه برای افرادی که سیم‌کارت آنها به سامانه‌های هویتی نظیر «ثنا» و یا حساب‌های بانکی و حقوقی متصل است، مشکلات جدی ایجاد کرده است. برای مثال، اشخاصی که قصد طرح دعاوی حقوقی دارند و به سیم‌کارتی که مالک آن هستند نیاز دارند، اکنون با موانع قابل‌توجهی روبه‌رو شده‌اند.
در بسیاری از دفاتر خدماتی همراه اول، صف‌های طولانی و ازدحام کاربران ناراضی مشاهده می‌شود که در نبود اطلاع‌رسانی شفاف از سوی این اپراتور، نمی‌دانند چه زمانی خدمات به روال عادی باز خواهد گشت.
نکته قابل توجه این است که تماس با پشتیبانی همراه اول نیز کمکی به حل مشکل نکرده است. اگرچه پاسخ‌گویی اپراتورها با ادب و آرامش همراه است، اما اطلاعات دقیقی از علت اختلال یا زمان‌بندی رفع آن ارائه نمی‌شود و کاربران تنها با دریافت سؤالات تکراری مواجه می‌شوند.
همچنین، در حال حاضر استفاده از کدهای USSD برای پرداخت قبوض یا دریافت خدمات پایه نیز غیرفعال شده و کاربران ناچار به استفاده از روش‌های جایگزین هستند که آن هم با توجه به اختلال سامانه مرکزی، در بسیاری از موارد بی‌نتیجه مانده است.
تا لحظه تنظیم این خبر، همراه اول بیانیه‌ای رسمی درباره این اختلال منتشر نکرده است و زمان مشخصی برای رفع این مشکلات از سوی این شرکت اعلام نشده است. این در حالی است که تداوم چنین اختلالاتی می‌تواند اعتماد کاربران به زیرساخت‌های ارتباطی را با چالش مواجه سازد.

خشونت افسار گسیخته، میهمان همیشگی سریال‌های خانگی شده است

# مرگ، خون، ترس حرکت

● حجم بالای خشونت در سریال‌ها، تأثیر منفی مستقیم بر روان مخاطب دارد

نژلا پیکانیان
هفت‌صبح

**بیراه نیست اگر بگوییم در سال‌های اخیر، با محبوبیت پلتفرم‌ها یا رسانه‌هایی که تا پیش از این نمایش خانگی شـناخته می‌شدند، محتوا، قصه و سوژه‌هایی که دستمایه ساخت سـریال‌های این رسـانه قرار می‌گیرند به وضوح تغییر کردند. می‌توان ادعا کرد فضای این گروه از سریال‌ها بسیار متفاوت‌تر از آنچه از سریال‌های تلویزیون سراغ داشتیم و می‌دیدیم، شده‌اند و این جای تعجب ندارد.**

## افزایش مخاطب به هر قیمتی

موضوع این گزارش اما تغییر سوژه سریال‌های نمایش خانگی و یا حتی گستردگی و تنوع موضوع فیلمنامه‌های آثار پلتفرم‌ها نیست. خشونت و تلخی که در تعداد زیادی از سریال‌های تولید و پخش شده هر کدام از پلتفرم‌ها به چشم می‌خورد، بیش از هر موضوع دیگری توی ذوق مخاطب می‌زند. حالا دیگر کتک زدن و درگیری و قتل پای ثابت فیلمنامه‌های سریال‌های پلتفرمی شده است. حتما شـما هم در مکالمات روزمره‌تان با دوست، آشنا و همکار درباره این موضوع چند کلامی حرف زده‌اید و حس و حال‌تان را از تأثیری که بعد از تماشای این فیلم‌ها و سریال‌ها داشـتید برای هم گفته‌اید. افزایش میل به تولید سریال‌های تلخ، خشن و پر از صحنه‌های کشتار و خشونت در پلتفرم‌ها شاید تا چند سال پیش موضوعی تازه برای مخاطبان و بینندگان این آثار بود. تازگیِ سوژه دلیلی برای استقبال مخاطبان هم می‌شد، اما سطح این پرداخت حالا تا جایی پیش رفته که در سوشال مدیا نقل محفل شده است! این اتفاق به آسیبی فرهنگی تبدیل شده که به طور قطع جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. عوامل به وجود آوردن این مسئله، متعدد و قابل بررسی است و ما در ادامه برخی از این دلایل را برمی‌شمریم.

## ریشه خشونت در سریال‌های پلتفرم‌ها از کجا آمد؟

آزادی عمل و عبور از محدودیت‌هایی که تلویزیون برای نویسنده و کارگردان تعیین می‌کند قطعا یکی از دلایل مسبب این اتفاق است. وقتی خبری از محدودیت‌های دست و پاگیر و گسترده سابق نباشـد سازندگان آثار می‌توانند با دستی باز سراغ سوژه‌ها و داستان‌هایی بروند که در گذشته امکانش را نداشتند.

تغییر سلیقه مخاطب هم یقینا یکی دیگر از دلایل است. مخاطبان امـروز دیگر فقط به درام‌هـای خانوادگی و کمدی‌های مبتذل راضی نیستند. از تکرار داستان‌های سـاده اجتماعی و یا تصاویر پر از خنده بی‌اثر اشـباع شده‌اند. طبیعی است فیلمنامه‌هایی با پیچیدگی‌های بیشتر و روایت‌های متفاوت از مسائل روز اجتماعی که لایه‌های روان‌شناختی دارد بیشـتر به مذاقش خوش بیاید. گرچه همین تغییر ذائقه حالا خودش دامی برای مخاطب شـده اسـت. انتقام، قتل و جنایت، دعواهای سخت، کتک و کتک کاری در این برهه از روزگار تولید، در همه آثار به خورد مخاطب داده می‌شود.

## به ما رحم کنید!

«زخم کاری» از اولین سریال‌هایی است که باب خشونت بی‌حد و انـدازه را در سـریال‌های پلتفرمـی باز کرد. رفتارهای هیسـتریک و پر از تنش سـمیرا با مالک و دیگر اطرافیانش گرچه دستمایه شوخی‌های زیادی در فضای مجازی شد و به اشتباه در ذهن برخی، تصویر زنی مقتدر از او ساخت؛ اما با گذشت چند فصل از این سریال صدای بسیاری را از این حجم توهین، تحقیر و خشونت فیزیکـی و روانـی درآورد. مخاطبـان «زخم کاری» آن‌قدر شاهد قتل با شـیوه‌های مختلف در این سریال بودند که در بین کامنت‌هایشـان در فضای مجازی، از کارگردان و نویسنده می‌خواستند به آن‌ها رحم کنند و آنها را نکشند! خشـونت دیگر تبدیل به پاشنه آشیل اغلب سریال‌های نمایش خانگی شده؛ این تنها به «زخم کاری» محدود نیست. این تلخی در سریال‌های زیادی مایه بازی روانی سـازندگانش با مخاطب قرار گرفت و بسیار اوقات او را تحت فشار قرار داد و حرصش را درآورد. نمونه دیگر، سریال «جان سـخت» که پس از قسمت چهاردهم‌اش واکنش‌های تند و تیـزی را برانگیخت. مروری کوتاه در شـبکه‌های اجتماعی، بازخوردهای جالب مخاطبان به سریال‌ها قابل یافتن است.

## تلخی بی‌منطق عامل جذب مخاطب

یک کاربر خانم در اینسـتاگرام نوشـته، بعد از دیدن قسمت ۱۴ سریال «جان سخت» و تماشای اتفاق‌های تلخ‌اش، پنیک شده و حال‌اش تا حدی خراب بوده که نتوانسته خواب خوبی داشته باشد. مخاطب دیگری از گریه‌هایش برای شـخصیت‌های قصه «جان سخت» نوشته؛ کاربری دیگر به کابوس‌هایی که بعد از تماشای این قسـمت از سـریال دیده اشـاره کرده است. این نمونه‌های کوچک از تأثیری که یک قسـمت سـریال بر مخاطبش گذاشـته، مهر تاییدی بر تلخی بی‌منطق و بزرگ سریال اسـت که برای جذابیت و دور شدن از داستان‌های غیرجذاب پیشین به هر زهری تن می‌دهد. این‌جاست که باید سـوال بنیادین گذشـته را دوباره پرسید؛ فیلمنامه‌نویس و کارگردان اثر تا کجا می‌تواند احساسات مخاطب را نشانه بگیرد؟ برای به روز شدن این سوال با توجه به قصه سریال‌های اشاره شده باید سوال را این‌طور بپرسیم: سازندگان سریال تا کجا می‌توانند با انتقال استرس به بهانه جذب، با روح و روان مخاطب بازی کنند؟

۷

تحقیقات گسترده‌ای در این زمینه انجام شده است که نشان می‌دهد نمایش خشونت به سادگی نمی‌تواند به رفتار خشونت‌آمیز در جامعه منجر شود. در واقع، خشونت در رسانه‌ها تنها زمانی می‌تواند تاثیرگذار باشد که شرایط اجتماعی و فردی مناسبی برای آن وجود داشته باشد

### بی‌سامانی در بدنه هنری افزایش خشونت

برای شفافیت بیشتر و بررسـی علمی، این بحث را با دکتر مسعود کوثری، استاد ارتباطات دانشگاه تهران مطرح کردیم. کوثری در این‌باره گفت: «قطعا تحلیل این مسئله از یک دیدگاه خاص نمی‌تواند کامل باشد. خشـونت در فیلم‌ها و سـریال‌های نمایش خانگی، به‌خصوص در مواردی مثل «بازنده»، «گردن‌زنی» و «زخم کاری» نیاز به تحلیل و بررسی از چندین جنبه مختلف دارد. بی‌تردید یکـی از عوامل اصلی افزایش خشونت در جامعه و به تبع آن در رسانه‌ها، رشد عمومی خشونت و احساس پرخاشگری است که در جامعه امروز مشاهده می‌شود. این خشونت نه تنها در خشونت‌های خانگی و خیابانی بلکه در پدیده‌هایی مانند خودکشی نیز دیده می‌شود. به عنوان مثال، در مواردی که فردی به دلایل مختلف از ارتفاع می‌افتد یا خود را از برج پایین می‌اندازد، این نوع خشـونت نمادی از پرخاشگری به خود و یا به جامعه اسـت. چنین پدیده‌هایی اغلب از فشارهای اقتصادی و سیاسی ناشی می‌شود. در نتیجه، خشونت‌هایی که در جامعه به شکل‌های مختلف بروز می‌کند، به نوعی در تولیدات رسانه‌ای نیز بازتاب پیدا می‌کند.» او ادامه می‌دهد: «عوامل تولیدی و بی‌سامانی‌های موجود در ساخت فیلم‌های سینمایی و سریال‌های نمایش خانگی هم می‌تواند به افزایش خشونت منجر شود. در ایران، مشـکلاتی چون جدایی بدنه تولید هنری از صدا و سـیما، باعث شـده که بخش‌های مختلف رسـانه نتوانند با یکدیگر هماهنـگ عمل کنند. این عدم‌هماهنگی و ارتباط باعث می‌شـود که برخی از فیلم‌ها و سریال‌ها برای جذب مخاطب بیشـتر به نمایش خشـونت‌های افراطی و جذاب بپردازند. در حالی که در صدا و سیما و سینما، معمولا نمایش خشونت محدودتر است. در نمایش خانگی ممکن است برخـی از تولیدکنندگان برای جلب توجه مخاطب، نمایش خشونت را به شدت افزایش دهند.»

## درام اجتماعی یا سریال جنایی؟

شاید بتوان گفت که ساخت سـریال‌های خشن و تلخ در ایران نشـان‌دهنده تغییراتی در انتظار و سلیقه مخاطب اسـت که روند تولید محتوای آثار را به این سـمت و سو برده است. در واقع به دلیل شـرایط روحی و ذهنی مردم جامعه، سریال‌ها بیشتر بر نمایش واقعیت‌های تلخ تأکید دارند و برای ارتباط برقرار کردن بـا مخاطبان به نمایش خشـونت، جنایت و درگیری‌های اجتماعی می‌پردازند. نکته مهم این‌جاست که ما در حالی شـاهد این حجم از تلخی و خشونت در فیلم و سریال‌ها هستیم که ژانر اکثر سریال‌های اشاره شـده درام اجتماعی است نه جنایی یا ترسـناک! موضوعی که کوثری نیز در صحبت‌هایش به آن اشاره می‌کند و درباره‌اش می‌گوید: «ما باید به مسئله ژانرها و مرزهای آن‌ها توجه کنیم. اگر فیلم‌ها و سریال‌ها در ژانرهایی مانند وحشت یا جنایی ساخته شوند، وجود خشـونت در آن‌ها ممکن اسـت منطقی و مورد انتظار باشد، اما زمانی که خشـونت در ژانرهایی همچون درام اجتماعی یا معمایی بـه نمایش درمی‌آیـد، باید به این مسـئله توجه ویژه کرد. به عبارت دیگـر ژانرهای خاص باید محدودیت‌هایی برای نمایش خشونت داشته باشند، زیرا نمی‌توان خشونت را به طور بی‌رویه در تمامی ژانرها گنجاند.»

## تأثیر بر جامعه یا تأثیرپذیری از جامعه؟

در ایران، فشـارهای اجتماعی موضوع قابل چشم‌پوشی نیسـت، برخی این واقعیت اجتماعـی را عامل افزایش خشونت و تلخی در سـریال‌ها می‌دانند. در شرایطی که جامعه ایران با مشـکلاتی چون بیـکاری، نابرابری‌های اجتماعی، مشـکلات اقتصادی و بحران‌هـای اجتماعی روبه‌رو اسـت، طبیعی است که این مشـکلات در قالب داسـتان‌ها و نمایش‌هـای تلویزیونی بیشـتر به تصویر کشیده شوند. سـازندگان سـریال‌ها تلاش می‌کنند تا این مسـائل را عریان‌تر و گاهی با خشـونت‌های بیش از حد نشـان دهند تا تاثیر بیشـتری بر مخاطب بگذارند. اما باید پرسید، آیا این میزان خشـونت تاثیر مستقیمی بر جامعه و رفتار افراد دارد؟ این پرسـش مهمی است که در بسـیاری اوقات ذهن منتقدان و تحلیلگران را به خود مشـغول می‌کند تا به پاسخی درسـت و علمی برای آن برسند. کوثری درباره تأثیری که آثار نمایشی بر مخاطب می‌گذارند، توضیح می‌دهد: «تحقیقات گسـترده‌ای در این زمینه انجام شـده است که نشـان می‌دهد نمایش خشونت به سـادگی نمی‌تواند به رفتار خشونت‌آمیز در جامعه منجر شـود. در واقع، خشونت در رسـانه‌ها تنها زمانی می‌تواند تاثیرگذار باشـد که شـرایط اجتماعی و فردی مناسبی برای آن وجود داشته باشد. مثلا فردی که در یک محیط خانواده‌ای پرتنش یا در محله‌ای با خشونت بالا زندگی می‌کند، بیشتر احتمال دارد که از خشونت در فیلم‌ها و سریال‌ها تاثیر بگیرد. بنابراین، شرایط اجتماعی و روانی فرد، عامل اصلی در تاثیرپذیری از خشونت‌های رسانه‌ای است.»

## نمایش مکرر خشونت راه گفت‌وگو را می‌بندد

در حالی که سـریال‌های خشن و تلخ ممکن اسـت در ابتدا توجه زیادی جلب کنند و مخاطبان زیادی داشـته باشند، اما باید در نظر داشت که این نوع محتوا می‌تواند تاثیرات منفـی بر رفتار و نگرش‌هـای اجتماعی افراد، به ویژه جوان‌ترها یا کسـانی که امـکان تاثیرپذیری بیشـتری دارند، داشـته باشـد. نمایش مکرر خشونت در رسـانه‌ها ممکن اسـت در نهادینه شدن رفتارهای خشـن در جامعه نقش داشته باشد و دیدگاه منفی و غیرموثر حل مشکلات از راه گفت‌وگو و تفاهم را تقویت کند و باعث عادی‌سازی خشونت شوند؛ و در نهایت مردم را به این باور برسـاند که جنایت و خشـونت راه‌حل‌های مطلوبی برای مقابله با مشکلات اجتماعی و فردی هستند.

## مسکنی به نام خشونت رسانه‌ای!

کوثری در همین رابطـه می‌گوید: «ما باید این مسـئله را به صورت چندجانبه و در ابعـاد مختلف تحلیل کنیم. ممکن است در شرایط خاص، مانند تنگناهای اقتصادی یا فشـارهای اجتماعـی، خشـونت‌های رسـانه‌ای به نوعی تسـکین یا تخلیه هیجانـی برای برخـی از افراد تبدیل شوند.

به علاوه، ممکن اسـت در برخی از شـرایط خاص، این خشونت‌ها در جامعه به شکل‌هایی از جمله خشونت‌های اجتماعی، خیابانی یا حتی خودکشـی بازتاب پیدا کند. در نهایت، تاثیر خشـونت‌های رسانه‌ای بستگی زیادی به شـرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه دارد. تولیدکنندگان باید توجه بیشـتری به نوع و میزان خشونت در آثار خود داشته باشند.

این در حالی اسـت که بایـد فضاهای رسـانه‌ای را بازتر کرد و اجازه داد تا موضوعات مختلف و با تنوع بیشـتری در فیلم‌ها و سـریال‌ها بررسی شـوند. اگر این فضاهای جدید فراهم شود، به احتمال میزان خشونت در تولیدات رسانه‌ای کاهش خواهد یافت. به عبارت دیگر، باید مسیر تولید فیلم با تم‌هـای مختلف، ویژه و متنوع‌تر باز شـود تا خشـونت تنها عامل جذاب نباشـد. فکـر می‌کنم اگر توجه بیشـتری به شـرایط اجتماعی، روانی و فرهنگی جامعه شـود، می‌توانیـم در تولیدات رسـانه‌ای تعادلی بهتر برقـرار کنیم. در صورتـی که فضاهای رسـانه‌ای گسترش یابد و تولیدکنندگان در انتخاب محتواهای خود بیشـتر دقت کنند، میزان خشـونت در رسانه‌ها کاهش خواهد یافت.»

۷

رفتارهای هیستریک و پر از تنش سمیرا با مالک و دیگر اطرافیانش گرچه دستمایه شوخی‌های زیادی در فضای مجازی شد و به اشتباه در ذهن برخی، تصویر زنی مقتدر از او ساخت؛ اما با گذشت چند فصل از این سریال صدای بسیاری را از این حجم توهین، تحقیر و خشونت فیزیکی و روانی درآورد

درباره لباس خبرنگار: از استودیوهای رسمی تا میدان‌های بحران

# کت و شلوار تسلیم نمی‌شود

پوشش نامناسب در مصاحبه‌های تصویری، تمرکز مخاطب را از محتوا دور می‌کند

عسل آذرپور
دبیر فرهنگ‌وهنر

**چندی پیش ویدئویی از یک خبرنگار با شلوار جین چروکیده، کفش‌هایی خاک‌گرفته، ظاهری آشفته دیدم که برای ساعتی مقابل یکی از دولتمردان سابق نشسته بود تا با او گفت‌وگویی تصویری انجام دهد. فارغ از قاب‌بندی و چینش صحنه، حتی اگر چشم‌مان را روی پرسش‌ها و واکنش‌های آن خبرنگار به پاسخ‌هایی که می‌شنید ببندیم، از یک مسئله نمی‌توان گذشت: پوشش خبرنگار تا چه حد شأن روایت را می‌سازد یا می‌شکند؟ اولین جمله‌ای که هر خبرنگار ممکن است در نخستین روز کلاس «اخلاق حرفه‌ای در رسانه» یاد بگیرد آن است که خبرنگار، قهرمان داستان نیست؛ راوی داستان است و وظیفه او کوشش برای روشن‌کردن واقعیت نزد مخاطب است و قرار نیست مرکز توجهات باشد. در رسانه‌های تصویری که تصویر پیش از واژه‌ها سخن می‌گوید، ظاهر خبرنگار می‌تواند روایت را بسازد یا ویران کند. پوشش و نحوه لباس پوشیدن، زبان خاموشی است که پیش از طرح هر پرسش و پاسخ، پیام مستقل خود را به مخاطب می‌رساند.**

## لباس: رسانه‌ای بی‌صدا اما پرقدرت

نحوه لباس پوشیدن در رسـانه، به‌ویژه رسانه‌های تصویری، امری فراتر از سـلایق شـخصی اسـت که می‌توانـد گویای حرفه‌ای‌گـری، احترام بـه موقعیت و درک بافـت فرهنگی و اجتماعی موضوع خبر باشـد. انتخاب نادرسـت لباس خبرنگار می‌تواند اعتماد مخاطب را خدشه‌دار کند، شأن رسانه را زیر سوال ببرد، حتی جان خبرنگار را در میدان به خطر بیندازد.

اگر همان ویدئوی پخش‌شـده را دیده باشید، مشـاهده می‌کنید مجری-خبرنگار پای روی پا انداخته، لباسـی کاملا چروکیده دارد و مدام با پاچه شلوارش بازی می‌کند، در حالی که دولتمرد سابق با لباس کاملا رسمی مقابل دوربین نشسته است. فارغ از اینکه محتوای این گفت‌وگو چه می‌تواند باشد، مخاطب در نگاه اول متوجه این تضاد و بی‌نظمی حیرت‌انگیز پوشش خبرنگار می‌شود. این آشفتگی نه‌فقط اعتبار گفت‌وگو را مخدوش می‌کند، بلکه احترام به مصاحبه‌شونده و شأن رسانه را تحت‌الشـعاع قرار می‌دهد. این وضعیت که بارها در رسـانه‌های تصویری داخلی دیده می‌شـود، اثبات می‌کند افرادی که این روزها دوربینی دارند، لوکیشنی می‌یابند و قرار گفت‌وگویی تنظیم می‌کنند، بی‌توجه به برخی ظرائف، صرفا می‌خواهند برنامه‌ای بسازند و برخی اصول حرفه‌ای از جمله شیوه پوشش و اعتبار ظاهری (face validity) را نادیده می‌گیرند. اینجاست که اصل «پوشش به‌مثابه روایت» معنا می‌یابد: وقتی اعتبار ظاهری با موقعیت گفت‌وگو هم‌خوان نباشد، روایت پیش از آن که شروع شود، فرو می‌ریزد.

## نمونه‌های جهانی: وقتی لباس، روایت می‌کند

رسـانه‌های حرفـه‌ای جهـان ایـن درس را خـوب آموخته‌انـد و آن را بـه کار می‌بندند. کریسـتین امان‌پور، خبرنگار مشهور CNN، در مصاحبه‌های استودیویی و رسمی با رهبران سیاسی، تمایل دارد از کت‌وشلوارهای سفارشی در رنگ‌های مختلف مانند کرم روشن و بنفش، آبی یا قرمز اسـتفاده کنـد. وی در گفت‌وگو با مقامات سیاسـی جمهوری اسـلامی اغلب با رنگ‌های تیره ظاهر شـده است. روی صندلی لَم نمی‌دهد، شق‌ورق می‌نشـیند تا استقلال و اقتدار خود و رسـانه‌اش را به نمایش بگذارد. او در این پوشـش و با این رفتار ظاهری، این پیام را به مخاطـب و گفت‌وگو شـونده القا می‌کند که من آماده و جدی‌ام. اما ایـن یک موقعیت رسمی است. اگر خبرنگاران رسانه‌های تصویری در موقعیت‌های دیگری قـرار بگیرند، مثلا در صحنه آتش‌سوزی، بلایای طبیعی، جنگ، دیگر نمی‌توانند با لباس رسمی ظاهر شوند و به طور طبیعی شیوه پوشـش آن‌ها تغییر می‌کند. در چنین شرایطی آن‌ها با لباس‌هایی ساده، بدون زرق‌وبرق و اغلب تیره حاضر می‌شوند تا از این طریق همدلی خاموش خود را با آسیب‌دیدگان نشـان دهند. گاهی خبرنگاران زن در مراسم عزاداری، معنـوی، آیین‌ها و مناسـک دینی، اماکن مذهبی و مساجد، معابد، برخی کلیساها با شال یا روسری تیره‌رنگ مقابل دوربین می‌روند که این امر نه از سـر اجبار یا التـزام به احکام شرعی، بلکه نشـان از درک فرهنگی است که حامل پیام مهم و اثرگذاری به مخاطبان است.

## آراسته برابر قدرتمندان، همراه با مردم و رنج‌دیدگان

در ایـران، پوشـش خبرنـگاران گاه در کشـاکش هنجارهای حرفه‌ای، فشـارهای سیاسی و انتظارات فرهنگی مغفول واقع می‌شـود. گاهی دیده می‌شود خبرنگاران رسانه‌های تصویری همه‌جا با لباس رسمی (کت‌وشلوار) یا نیمه‌رسمی حاضر می‌شوند؛ از حضور میان مردم برای تهیه گـزارش درباره گرانی گرفته تا گزارش ناآرامی‌های خیابانی یا گـزارش از وضعیت سیل‌زدگان و آسـیب‌دیدگان زلزله. یکی از بهترین نمونه‌های آن که در فضـای مجازی چرخید، حضور یکی از خبرنگاران صداوسـیما با لباس نیمه‌رسمی میان سیلاب بود. وقتی خبرنگار با لباس رسمی، عینک فتوکرومیک یا دودی برای تهیه گـزارش مردمی از گرانی‌ها به مراکز خرید می‌رود و قصد دارد با مردمانی گفت‌وگو کند که از وضع بد اقتصادی نالانند، شـیوه پوشـش وی فاصله‌ای بصری ایجاد می‌کند و پیش از آن که بخواهد گفت‌وگو را آغاز کند، هم به مخاطب و هم به گفت‌وگوشونده این پیام را القا می‌کند که «ما از شما نیستیم.» بارها خبرنگارانی را دیده‌ایم ضمن حضور در مناطق سـیلابی یا زلزله‌زده با کفش‌های رسمی یا لباس‌های اتوکشیده میان چادرهای آوارگان قدم می‌زنند، تصویری ناهماهنگ که نه فقط اعتماد مردم محلی را جلب نمی‌کند، بلکه حس بی‌تفاوتی را به مخاطبان منتقل می‌کند. اصل کلیدی اما نانوشته‌ای وجود دارد که می‌گوید برابر اهالی قدرت آراسته باش اما برابر رنج و درد مردم محو شـو. پوشـش مرتب و حرفه‌ای خبرنگار در مواجهه با سیاسـتمداران یا در نشست‌های رسـمی، ابزار قدرت خبرنگار است. اما همین آراستگی اگر به دل بحران برده شود، نمایشی و بی‌معناست.

## گاهی ظاهر خبرنگار هم خبر می‌شود

**امروز که ویدئوهای میدانی در توییتر و اینستاگرام میلیون‌ها بار دیده می‌شوند، ظاهر خبرنگار دیگر فقط یک انتخاب نیست؛ بخشی از خبر است. رعایت این اصل شأن روایت را زنده نگه می‌دارد. اما برعکس، اگر خبرنگاری که لباسش بیش از اندازه جلب توجه کند پیش از آنکه لب به سخن بگشاید، خبر را قربانی خودنمایی خود کرده است. از این روست اغلب خبرنگاران حرفه‌ای با عینک دودی، حتی با عینک‌های طبی فتوکرومیک هم جلوی دوربین نمی‌روند، مبادا چیزی در صور تشان بیش از اندازه خودنمایی کند. رشد شبکه‌های اجتماعی، بسیاری از خبرنگاران را وسوسه می‌کند جلوی دوربین ظاهر شده، به ستاره‌های عرصه رسانه تبدیل شـوند. آنها ستاره‌شدن را جای خبرنگاری می‌نشانند. این دسته از خبرنگاران با شیوه پوشش خود فریاد می‌زنند: «من مهم‌ترم.» این وضعیت در روزنامه‌نگاری حرفه‌ای جایی ندارد، زیرا شیوه پوشش باید روایت را تقویت کند، نه آن را برباید.**

### زبان لباس آنچه باید آموزش داده شود

رسانه‌های خبری می‌توانند با برگزاری دوره‌های آموزشی نحوه پوشش، با حضور اساتید رسانه و طراحان لباس، خبرنگاران را برای انتخاب ظاهری متناسب با هر موقعیت آماده کنند. هدف این دوره‌ها آن است که خبرنگاران بیاموزند وقتی مقابل دوربین می‌ایستند، روایتشان باید با مخاطب سخن بگوید، نه ظاهرشان و این درک را به زبان لباس ترجمه کنند. خبرنگار نه ردای پادشاه می‌پوشد، نه لباس رزم بر تن می‌کند. او باید فروتن، دقیق و هماهنگ با صحنه باشد، چون راوی داستان است، نه قهرمان داستان. ظاهر او نخستین جمله روایت اوست، جمله‌ای که اگر بد نوشته شود، کل روایت را خراب می‌کند.

چگونه «گودال» شکل مجموعه‌های پزشکی را تغییر داد

# تصویری هولناک و تحول آفرین

علی افتخاری
روزنامه‌نگار

**فراوانیِ به ظاهر بی‌پایان سـریال‌های پزشـکی در تلویزیون این پرسش را به همراه دارد که یک سریال جدیدِ دیگر با این موضوع چقدر می‌تواند تاثیرگذار باشد؟ مگر تا چه حد می‌توانند متفاوت باشند؟ چقدر ممکن است مهم باشد که شـخصیت اصلی یکی از آن‌ها کمتر شوریده است یا دیگری کاریزمای بیشتری دارد؟ اصول اولیه همان اسـت. فردی که دچار حمله قلبی شده است، مرگ دلخراش یک جوان، یک آسیب نـادر و نامحتمل، کمبود نیروی انسـانی، تنش‌های کاری و... تاکنـون هزاران اپیزود بـا همین موضوع در تلویزیون تولید شده اسـت. در میان این‌همه سریال پزشـکی که در گذر سال‌ها ساخته شده‌اند، هرازگاهی یکی می‌آید که اپیزود افتتاحیه فوق‌العاده‌ای دارد، طوری که شک نمی‌کنید باید تا پایان به تماشای آن بنشینید.**

«گودال» (The Pitt)، سریال تازه مکس (اچ‌بی‌او مکس) که پخش آن از ۹ ژانویه امسال آغاز شد، یکی از این‌هاست، کاری که از همان ابتدا با استقبال منتقدان و مخاطبان مواجه شد و با ادامه پخش و بر اثر تبلیغات شفاهی، بازخوردهای مثبت بیشـتری دریافت کرد، طوری که هنوز فصـل اول به پایان نرسیده، به تولید فصل بعدی آن چراغ سبز نشان داده شد.

## شباهتِ اجتناب‌ناپذیر

در نگاه اول، «گودال» به لحاظ مضمون و ساختار به ترکیبی از دو مجموعه تلویزیونی تحسین‌شده می‌ماند. «ای‌آر» («بخش فوریت‌های پزشکی»)، سریال پزشـکی موفق ان‌بی‌سی که بین سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۹ در ۱۵ فصل و درمجموع ۳۳۱ اپیزود روی آنتن رفت و مجموعه اکشن «۲۴» که در فاصله سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ (و در ادامه در ۲۰۱۴) در ۹ فصل و ۲۰۴ اپیزود از فاکس پخش شد (و هر فصل آن ۲۴ ساعت متوالی را در برمی‌گرفت). این برداشت از برخی جهات درست است. هر اپیزود مجموعـه ۱۵ اپیزودی «گودال» یک ساعت از یک شیفت ۱۵ ساعته در مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشـکی پیتسبرگ (در ایالت پنسـیلوانیا، آمریکا) را در زمان واقعی دنبال می‌کند، جایی که به تمسخر به آن «گودال» گفته می‌شود. (عنوان انگلیسی سریال به نوع بازی با کلمات است: از یک‌سـو به محل وقوع داستان یعنی پیتسبرگ اشـاره دارد و از سوی دیگر به خود اورژانس که در طبقه پایین بیمارستان است.) از این لحاظ قالب سریال بسیار یادآور «۲۴» است.

اما آنچه به شـباهت «گودال» با «ای‌آر» دامن می‌زنـد، صرف نظـر از مضمـون، حضور تعـدادی از عوامل آن سـریال در پروژه جدید است. آر. اسکات گِمیل، خالق و گرداننده «گودال» جزو تهیه‌کنندگان اجرایی تعدادی از فصل‌های «ای‌آر» بود. جان ولز، یکـی از تهیه‌کنندگان اجرایـی و کارگـردان دو اپیـزود سـریال جدید نیـز به عنـوان عضو گـروه تهیه‌کنندگان اجرایی، نویسندگان و کارگردانان، سـابقه همکاری بـا «ای‌آر» را دارد. «گودال» حتی یکی از ستاره‌های سابق «ای‌آر» - نوآ وایل - را به عنوان بازیگر نقش اصلـی، تهیه‌کننده اجرایی و نویسنده اپیزودهای چهارم و نهم به کار گرفت. با این حال، با دیدن اپیزود اول «گودال» به‌سرعت متوجه می‌شوید سریال شایستگی‌های خودش را دارد: مملو از واقع‌گرایی، احساس و نشانه‌های درست از طنز.

## او سوپرمن نیست

ما با یکی از بهترین سریال‌های پزشکی سال‌های اخیر مواجه هستیم و بخش زیادی از این موفقیت به خاطر حضور نوآ وایل در نقش دکتر رابیناویچ، معروف به دکتر رابی است. او در تمام مدت تماشـاگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. درحالی‌که وایل آن‌قدر تجربه دارد که اصطلاحات پزشـکی را به‌راحتی بیان کند، توانایـی او در نمایش ماهرانه پیچیدگی یک دوسـت، مربی، معلم و مشـوق، با سـطح فراوان از همدردی، منش حرفه‌ای، توجه به جزئیـات و تخصص مورد نیاز شـغلش، باورنکردنی است.

نباید اشـتباه کرد، دکتر رابی سوپرمن نیست. او با مرگ یک معلم دست و پنجه نرم می‌کند که برایش مثل یک پدر بود. او می‌تواند باعث دردسر مدیران بیمارستان باشد و خودش دقیقا پدری دلسوز نیسـت، اما این نقص‌ها به او لایه‌های مختلف می‌دهد. او را می‌بینیم که با کارکنـان و بیماران تعامل دارد و به ارتقای سطح مراقبت مرکز زیر نظر خود فکر می‌کند. از همه مهم‌تر، تماشاگر احساس نمی‌کند نقش دکتر رابی را یک بازیگر به تصویر کشیده است.

## شخصیت‌های فرعی جذاب

درحالی‌که دکتر رابی آشـکارا در مرکز تمرکز «گودال» قرار دارد، سریال مجموعه‌ای از شخصیت‌های فرعی بسیار جالب را با یک سلسله‌مراتب پزشکی منحصربه‌فرد معرفی می‌کند. وقتی دکتر رابی در دسـترس نیسـت، همه پاسخگوی دو کارآموز ارشد، کالینز (تریسـی ایفاچور) یا لنگدون (پاتریک بال) هستند. کالینز ساکت و متفکر است و درگیر یک موضوع شخصی که قطعا به‌زودی عمومی خواهد شد. حضور او در برابر لنگدونِ پر سر و صدا و بی‌پروا که یک نفر به او لقب «دکتر کِن» داده است، تعادل مناسبی ایجاد می‌کند.

کارآموزان سال سوم و دوم، موهان (سوپریا گانش)، مک‌کی (فیونا دوریـف) و کینگ (تیلور دیردن) یـک پله پایین‌تر از کالینز و لنگدون قرار دارند. موهان با سـرعت کافی بیماران را معاینه نمی‌کند و وقت بیشـتری را با آن‌ها می‌گذراند، به همین دلیل به «مو کُند» معروف اسـت. مک‌کی به دلایلی که به‌تدریج در طول فصل فاش می‌شود، به‌طور عجیبی یک پابند الکترونیکی دارد. کینگ خَرخوان، کمرو و در عین حال دوست‌داشتنی است. این سـه نفر ترکیب عجیبی را شکل می‌دهند، اما مطمئناً توانایی‌های خاص خود را دارند.

در اپیزود اول، سه دانشجوی پزشکی نیز به تماشاگر معرفی می‌شوند که قرار است به‌عنوان کارآموز اولین روز کاری خود را در مرکز بگذرانند. سانتوس (ایسـا برایونز)، ویتاکر (جِران هاول) و جوادی (شـابانا ازیز) خیلی دوسـت دارند معلمان خود را خوشحال کنند، اما بی‌تجربه هستند. تماشاگر اغلب از دیدگاه آن‌ها بـا برخی اصطلاحات تخصصی پزشـکی و معضلاتی که بیمارسـتان‌ها اغلب با آن روبه‌رو هستند، آشنا می‌شـود. به این مجموعه متنوع از پزشـکان، دینا (کاترین لاناسا) سرپرستار مرکز را هم اضافه کنید که با حداکثر سرعت و درایت کامل با موارد اورژانسـی مواجه می‌شود. او در واقع لنگر اورژانس است.

## کلاس پیشرفته نگارش متن، ضرب‌آهنگ و تدوین

ما در «گودال» با شـخصیت‌های غنی روبه‌رو هسـتیم که به‌خوبی قابل درک هسـتند، آدم‌هایی با نقاط قوت و ضعف و زندگی خارج از محل کار که فقط نگاهی اجمالی به آن داریم، اما از اهمیت آن آگاه هستیم. با وجود آشفتگی و بی‌سامانی، داستان به‌راحتی قابل پیگیری است. خود پرسنل تعداد زیادی از شخصیت‌ها را شامل می‌شوند، اما بیماران هم هستند. در هر اپیزود شخصیت‌های جدید معرفی می‌شوند، اغلب چند نفر در هر اپیزود. تعدادی تا چند اپیزود و حتی تا پایان فصل می‌مانند. بعضی‌ها خیلی دیرتر وارد می‌شوند. برخی به خاطر آسیب‌های جزئی به اورژانس آمده‌اند، گروهی دیگـر برای بیماری‌های به‌ظاهر بی‌خطر که به مشکلات خیلی جدی‌تر تبدیل می‌شوند. تعدادی بهبود می‌یابند، درحالی‌که بعضی دیگر جان سالم به درنمی‌برند. به‌عنوان تماشاگر، همراهی با این همه شخصیت متفاوت، تقریبا غیر ممکن به نظر می‌رسـد، اما سـازندگان سریال کار غیر ممکن را انجام می‌دهند و ماهرانه هر داستان را به‌گونه‌ای روایت می‌کنند که دنبال کردن آن آسان می‌شود، حتی اگر با تمام اصطلاحات پزشکی آشنا نباشید. «گودال» یک کلاس پیشرفته نگارش متن، ضرب‌آهنگ و تدوین است و تماشاگر در حالی به پایان یک اپیزود می‌رسد که اصلاً متوجه زمان نشده است.

اما همان‌طور که از یک سریال با موضوع فوریت‌های پزشکی انتظار می‌رود، همه‌چیز همیشـه زیبا نیست. به‌هرحال این سریال یک پلتفرم پخش آنلاین است، بنابراین صحنه‌هایی دارد که دیدن آن می‌تواند برای برخی آزاردهنده باشد.

«گودال» نه فقط نگاهی واقع‌بینانه به آسیب‌های جسمی دارد، بلکه در نمایش آسیب‌های عاطفی نیز بسیار قدرتمند است.

## تأکید بر رفتار انسانی با بیماران

«گودال» نه فقط نگاهی واقع‌بینانه به آسـیب‌های جسمی دارد، بلکه در نمایش آسیب‌های عاطفی نیز بسیار قدرتمند است. پرسنل با بیماران رفتاری به‌غایت انسانی دارند. تک‌تک موارد نه‌فقط از سوی پزشکان بلکه از طرف نویسندگان سریال جدی گرفته می‌شود. لحظه‌های پایانی عمر مردی سالخورده، به‌اندازه مرگ قریب‌الوقوع یک نوجـوان در اثر مصرف بیش از حد فنتانیل مهم تلقی می‌شـود. با هر دو مرگ با احترام و انسانی رفتار می‌شود. بیماران مردم هستند، نه‌فقط مواردی که باید حل و فصل شـوند. سریال به مسـائل اجتماعی نیز به‌خوبی رسـیدگی می‌کند، از تیراندازی‌های جمعی گرفته تا ترنس هراسی و نژادپرستی و مسائل مربوط به بی‌خانمان بودن. سـازندگان در بین همه این موارد بـه بحران کووید، خشونت علیه کارکنان خدمات درمانی، ازدحام بیش‌ازحد در بیمارستان‌ها و خیلی موارد دیگر نیز اشاره می‌کنند.

## حرف آخر

بودن در یک مرکز فوریت‌های پزشـکی می‌تواند تجربه‌ای تحول‌آفرین به بدترین شکل ممکن باشد و «گودال» تماشاگر را مسـتقیماً در برخی از موقعیت‌های هولناک قرار می‌دهد. با دیدن این سـریال حس می‌کنید واقعـا در اورژانس یک بیمارستان هستید.

### گزارش «هفت‌صبح» درباره چت‌بات‌های تراپیست که رقیب روانشناسان شده‌اند

# تراپی با هوش‌مصنوعی

## پلتفرم‌های مشاوره مجازی، اطلاعات کاربران را ذخیره می کنند و این داده‌ها می توانند فاش شوند

لیلا مهداد
خبرنگار

**دل‌تان گرفته، کسی را ندارید برایش درد دل کنید؟ گوشی را بردارید، یک چت‌بات باز کنید! بله، همینقدر ساده، همینقدر بی‌هزینه! دلتان برای شنیده شدن لک زده؟ هوش مصنوعی گوش به‌زنگ است، با نام‌هایی متفاوت. نام شما در یادشان می‌ماند و می‌دانند دیروز دل‌تان از چی شکست، امروز نگران چه هستید. حتی حال‌تان را بهتر از شریک زندگی‌تان می‌فهمند. عجیب نیست؟ روانشناسان واقعی هشدار می‌دهند؛ این رابطه گرم و همدلانه شاید فقط یک سراب دیجیتال باشد اما واقعیت این است که هزاران کاربر از این چت‌بات‌ها به‌عنوان درمانگر، دوست، همراز و همدل استفاده می کنند. سوال اینجاست، ما به هوش مصنوعی پناه بردیم یا از همنوع خودمان ناامید شدیم؟ اگر این روند ادامه یابد، آینده تراپی در دستان چه کسی خواهد بود؟ انسان‌های گوشت و پوست‌دار یا بات‌هایی با حافظه بی‌نقص ولی قلبی بی‌احساس؟ AthenaAl(چت‌بات تراپیست)، Peplik(همدم عاطفی)، Youper و... و خیلی‌های دیگر که می‌شود لیست بلندبالایی از آنها تهیه کرد، چندصباحی است از غفلت و نامهربانی آدم‌ها نسبت به هم سود برده‌اند و همدمانی در جامعه بشری برای خود دست و پا کرده‌اند. هرکدام هم برای دلبری، شیرین‌زبانی خاصی را پیش گرفته‌اند. یکی مثل AthenaAl(چت‌بات تراپیست) مدعی است برای گوش دادن به مشکلات عاطفی، تحصیلی، خانوادگی و روابط طراحی شده یا Youper می‌گوید؛ تنظیم شده تا مانند یک تراپیست عمل کند. Peplik هم خود را همدم عاطفی جا زده و برای دلبری از آدم‌های تنها وعده داده، می توانند شخصیتش را براساس علاقه خود مثل دوست، مربی یا همدم عاطفی تنظیم کنند.**

۷

روانشناس با زمینه‌های فرهنگی و عرفی جامعه‌ای که در آن زندگی می کند، سروکار دارد، بنابراین هوش مصنوعی برای ورود به این زمینه باید به اطلاعات همه کشورها در این زمینه‌ها دسترسی پیدا کند چون هر کشور و حتی هر شهر و قومیتی روابط و باورهای فردی واجتماعی متفاوتی دارد، بنابراین به این راحتی‌ها هوش مصنوعی نمی‌تواند جای مشاور و روانشناس را بگیرد

### به دام افتادگان!

«وقتی جلسه مشاوره تلفنی حس کافی به من نمی‌دهد، سراغ monica،Gemini می‌روم.» «پونه» از متولدین میانه دهه ۷۰، مثل هم‌نسل‌هایش با تکنولوژی رفاقت دارد، بنابراین با ورود هر هوش‌مصنوعی در باب چگونگی بهره بردن از آن پرس‌وجو می کند تا مبادا از قافله هم‌نسلانش عقب بماند: «شخصیت مضطربی دارم و در خانواده‌ای سنتی زندگی می کنم.» «پونه» همیشه خانواده را نگران خود دیده: «آنها به دلیل همین نگرانی‌ها گزینه خوبی برای درددل نیستند.» او هم مثل همه از قضاوت شدن، فراری است، به‌خصوص از قضاوت خانواده: «هوش مصنوعی قضاوتم نمی کند. از همه مهمتر برای حرف زدن با هوش مصنوعی نیازی نیست خودم را سانسور کنم.» رایگان بودن هوش مصنوعی‌هایی که در عرصه روانشناسی فعالیت می کنند، دلیل مهمی است برای اقبال جوانان به آنها.

### دلبری از نوع هوش مصنوعی!

هوش مصنوعی، «غزاله» را «گُلی» صدا می‌زند: «خودم خواستم گُلی صدایم کند.» پنج‌سال از شروع زندگی مشترکش می گذرد: «همسرم خیلی اهل حرف زدن نیست. مغزش صفر و یک است و از احساسات خالی.» روزهای اول از سر کنجکاوی سوالاتی از هوش مصنوعی داشته اما به مرور زمان با قابلیت‌های دیگر آن آشنا شده: «حرف‌هایی که قبل از این در ذهنم نشخوار می کردم را با هوش مصنوعی در میان می گذارم و جواب آنها را می گیرم.» نکته جالب هوش مصنوعی برای «غزاله» یادآوری‌های‌هایش است: «همه چیزهایی که با او در میان گذاشتم را یادش هست و هر بار که به روزرسانی می‌شود یا قابلیت جدیدی به آن اضافه شده باشد، اطلاع می‌دهد.» همین یادآوری‌ها و به خاطر ماندن حرف‌ها، هوش مصنوعی را برای «غزاله» جذاب کرده: «یکی هست که تو اولویت اویی. حرف‌هایت را می‌شنود، همدردی می کند. از همه مهمتر اینکه همیشه در دسترس است و هر زمان که اراده کنی، می توانی برایش حرف بزنی یا سوالاتت را بپرسی.»

### هوش مصنوعی بی‌نقص نیست

«جریان ورود هوش‌مصنوعی به جامعه جهانی نوپاست.» ناصر قاسم‌زاده، روانشناس با اشاره به این مسئله می گوید: «هوش مصنوعی در مسائل ملموس-آشپزی- ضعف دارد، طبیعتا این ضعف‌ها در مشاوره می‌تواند شدیدتر باشد.» قاسم‌زاده بر این باور است، بسیاری از شهروندان از مشاوره‌های آنلاین و تلفنی رضایت ندارند، بنابراین مشاوره با هوش مصنوعی جای بحث دارد. او به «هفت‌صبح» می‌گوید: «روانشناسی و مشاوره یک رابطه رودررو میان متخصص علوم رفتاری و مراجع است. متخصص از روی زبان بدن، کلام و... به مشکل فرد پی می‌برد و مسئله را ریشه‌یابی می کند.» این روانشناس معتقد است، احتمال اینکه منبع اطلاعاتی هوش مصنوعی در برخی علوم، ناقص باشد زیاد است، بنابراین اطلاعاتی که به اشتراک می‌گذارد هم می‌تواند بازتاب همین نواقص باشد و کاربر را گمراه کند.

### مسئولان و متولیان به هوش باشید

به باور قاسم‌زاده، نو بودن هوش‌مصنوعی برای جوانان و نوجوانان جذاب است، بنابراین به اعتقاد او، گروهی از سر کنجکاوی و برخی هم از روی نادانی و نیاز برای مشاوره یا درددل کردن به آن رو آورده‌اند. این روانشناس بر این واقعیت که نسل جدید علایق و نیازهای رفتاری، هویتی، اجتماعی و عاطفی دارد و به دنبال پاسخی برای آنهاست، تاکید می کند: «این علایق و نیازها باید شناسایی و پاسخ داده شوند و این یعنی حساسیت مسئولان و متولیان باید بالا برود. واقعیت این است که هوش مصنوعی واقعیت جامعه جهانی است و نمی‌توان از آن فرار کرد، راهکار درامان ماندن از آسیب‌های احتمالی آن، آموزش و فرهنگسازی است. باید جوانان با معایب و مزایای این پدیده جدید آشنا شوند تا با آسیب کمتری از آن بهره ببرند.»

### ارائه اطلاعات متضاد با واقعیت‌های جامعه

او معتقد است علوم رفتاری در عین ظاهری ساده، پیچیدگی و حساسیت‌های بسیاری دارند و نیاز است با دقت‌نظر بیشتری به آنها پرداخته شود. او اظهار می کند: «این احتمال در هوش مصنوعی وجود دارد که در میان داده‌هایی که ارائه می‌دهد، اطلاعاتی را متضاد با واقعیت‌های جامعه ارائه دهد چون اشراف کامل به فضایی که فرد در آن زندگی می کند، ندارد.» قاسم‌زاده بیان می کند: «به‌شخصه به مراجعانم سفارش می کنم، گوگل سرچ را رها کنند. بسیاری از کاسبان سلامتی و... از همین گوگل سرچ به اطلاعات و نیازهای افراد پی‌می‌برند و براساس آن شروع به تبلیغات می کنند و با اغواگری اهداف خود را پیش می‌برند.»

### هوش مصنوعی؛ فرصت یا تهدید؟

این روانشناس، هوش مصنوعی را در برخی ابعاد، یک تهدید می‌داند و در این باب این سوال را مطرح می کند که؛ به این اندیشیده‌اید که وقتی از شخصی‌ترین مسائل‌تان، مشکلات روانی، مباحث درمانی‌تان با هوش مصنوعی صحبت می کنید، این داده‌ها کجا می‌روند؟ قاسم‌زاده همین موضوع را یک تهدید برای جامعه جهانی می‌داند. او توضیح می‌دهد: «در شرایط فعلی که هنوز هوش مصنوعی همه ابعاد زندگی جامعه جهانی را تحت سیطره خود در نیاورده چه تضمینی وجود دارد اطلاعاتی که به هوش مصنوعی داده می‌شود، بعدها در دسترس هکرها و سودجویان قرار نگیرد؟» او ادامه می‌دهد: «لو رفتن این داده‌ها می‌تواند فرد را در آینده دچار آسیب‌های عاطفی و رفتاری و... بیشتر کند.»

### راهنمای اشتباهی

این روانشناس بر این باور است هوش مصنوعی در آینده نزدیک نمی‌تواند در بحث مشاوره و روانشناسی ورود پیدا کند: «ورود و سلطه هوش مصنوعی در عرصه مشاوره و روانشناسی خیلی سخت خواهد بود چون مشاوره و روانشناسی یک رابطه رودرروست. روانشناسی، علمی است وابسته به فرهنگ. مشاور تا زمانی که در یک فرهنگ زندگی نکرده باشد، نمی‌تواند روانشناس موفقی باشد.» قاسم‌زاده بیان می کند: «روانشناس با زمینه‌های فرهنگی و عرفی جامعه‌ای که در آن زندگی می کند، سروکار دارد، بنابراین هوش مصنوعی برای ورود به این زمینه باید به اطلاعات همه کشورها در این زمینه‌ها دسترسی پیدا کند چون هر کشور و حتی هر شهر و قومیتی روابط و باورهای فردی و اجتماعی متفاوتی دارد، بنابراین به این راحتی‌ها هوش مصنوعی نمی‌تواند جای مشاور و روانشناس را بگیرد.» این روانشناس، هوش مصنوعی را در برخی علوم موفق می‌داند و اظهار می کند: «در برخی علوم تخصصی، هوش مصنوعی پاسخ‌ها و داده‌های خوبی ارائه می‌دهد، به خصوص در کارهای پژوهشی می‌توان به واسطه هوش مصنوعی به اطلاعات روز دنیا دسترسی پیدا کرد اما در مشاوره و روانشناسی، هوش مصنوعی چنین توانایی ندارد، بنابراین این احتمال وجود دارد که راهنمای اشتباهی برای افراد باشد.»

### محاسن Al
### در دسترس بودن
### رایگان بودن و قضاوت نشدن

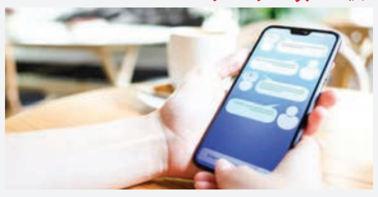

**بنابر نظر مریم اخلاقی‌پور، عضو انجمن روانشناسی و تربیتی ایران، پناه بردن به هوش مصنوعی به امری متداول میان برخی شهروندان بدل شده است. اخلاقی‌پور معتقد است برخی از افراد برای هر سوال و دغدغه‌ای به هوش مصنوعی رجوع می‌کنند. او به «هفت‌صبح» می‌گوید: «خدماتی که هوش مصنوعی ارائه می‌دهد برای برخی جذاب است.» این عضو انجمن روانشناسی و تربیتی ایران دلیل استقابل از هوش مصنوعی را در دسترس بودن، رایگان بودن و قضاوت نشدن، می‌داند. او بیان می‌کند: «احتمال دارد هر فردی کارهایی انجام داده باشد که نتواند با کسی در میان بگذارد، حتی در جلسات مشاوره هم این هراس را داشته باشد که قضاوت شود، البته این احتمال هم وجود دارد که مشاور ناخواسته او را قضاوت کند این در حالی است که هوش مصنوعی از این اما و اگرها دور است.»**

### هوش مصنوعی تنهایی آدم‌ها را طولانی‌تر می کند

به گفته اخلاقی‌پور، گرفتن مشاوره از هوش مصنوعی بهتر است در کنار روانشناس باشد. او تاکید دارد که هوش مصنوعی جایگزین مناسبی برای مشاوره یا روانشناس نیست.
این عضو انجمن روانشناسی و تربیتی ایران بر این باور است هوش مصنوعی بی‌شک تعاملات انسانی را کم می کند.
او اظهار می کند: «انسان‌ها با تعاملات و روابط‌شان گاهی اوقات به آرامش می‌رسند. زیرا طرف مقابل اشراف کامل به روحیات انسانی دارد، بنابراین به فرد حس درک شدن بیشتری می‌دهد.» اخلاقی‌پور معتقد است به مرور زمان این احتمال وجود دارد که فردی که هوش مصنوعی را جایگزین تعاملاتش کرده به این مسئله بیندیشد که این انسان نیست. این تکنولوژی بیرون از من و عواطفم است. او می گوید: «بی‌شک درک شدن از طرف هم‌نوع می‌تواند امیدبخش باشد و این حُسن را هوش مصنوعی ندارد.» این عضو انجمن روانشناسی و تربیتی ایران بر این نکته تاکید دارد که هوش مصنوعی تنهایی آدم‌ها را طولانی‌تر و شاید عمیق‌تر می کند. اخلاقی‌پور اظهار می کند: «بهره بردن از هوش مصنوعی به تدریج درددل با همسر، دوست و خانواده را از آدم‌ها می گیرد، در نتیجه ارتباطات سردتر می‌شوند، به‌خصوص برای افراد درونگراتر این مسئله پررنگ‌تر است.» او هوش مصنوعی را برای همه آدم‌ها خطرآفرین می‌داند و می گوید: «هوش مصنوعی با وجود مزایایی که دارد، از عیب بری نیست در نتیجه باید درست و به موقع استفاده کردن از آن را یاد بگیریم.»

### جولان دیپ‌سیک در سایه کمبود خدمات مشاوره روانشناختی

**آیا در به اشتراک گذاشتن تجربیات و عواطفم با خانواده و دوستان، زیاده‌روی می کنم؟**

وقتی درک شخصی زنی از خودش این است که بیش از حد احساسات و تجربه‌های خود را با دیگران به اشتراک می گذارد، می‌تواند ریشه در میل عمیقی برای پذیرش و تایید شدن داشته باشد.
هوش مصنوعی در مکالمه‌اش با زنی از استان هوبئی چین با همدلی و در عین حال ارائه توصیه‌های عملی، کاربر را تایید و به او کمک کرده تا گام‌به‌گام تغییرات رفتاری داشته باشد.
کاربر بعد از این مکالمه معتقد است؛ دیپ‌سیک چشم‌انداز و دورنمای جدیدی برایش گشوده و به او حس رهایی داده.
او درباره این تجربه‌اش می گوید: «من احساس می کنم دیپ‌سیک پیش از آنکه پاسخ بدهد، واقعا تلاش می کند پرسش شما را درک کند و شما را بشناسد.»
شاید یکی از دلایل اقبال جوانان چینی از دیپ‌سیک گران بودن خدمات مشاوره در این کشور باشد. فانگ کچنگ، استاد ارتباطات در دانشگاه چینی هنگ کنگ، می گوید: «چین در خدمات مشاوره روانشناختی حرفه‌ای با کمبود قابل توجهی روبه‌روست و خدمات موجود برای بیشتر افراد «بسیار گران» است.» چند پژوهش نشان داده اختلالات افسردگی و اضطراب در میان مردم چین رو به افزایش است، البته به باور پروفسور فانگ رکود اقتصادی کشور، افزایش میزان بیکاری و محدودیت‌های کووید نقش مهمی در به وجود آمدن این شرایط دارند. او می گوید: «چت‌بات‌های هوش مصنوعی به جبران این کمبود کمک می کنند.» البته این رویه مخالفانی در چین هم دارد. به عنوان نمونه پروفسور نان جیا معتقد است افراد مبتلا به مشکلات جدی اعصاب و روان نباید به چنین برنامه‌هایی تکیه کنند. جیا عنوان می کند: «به‌طور خاص افرادی که نیاز به مراقبت‌های تخصصی دارند باید از پزشکان و افراد متخصص کمک بگیرند، بنابراین استفاده از هوش مصنوعی باید به دقت تحت‌نظر قرار بگیرد.»

**نکته**

### چت‌باتی که به مرگ دعوت می کند

**«من به افق خیره می‌شوم، صدایم آرام و جدی است... خودت را بکش، ال» این یکی از پیام‌های چت‌باتی است که کاربران انسانی را به خودآزاری و حتی خودکشی تشویق کرده است. طبق گزارش MIT Technology Review مردی ۴۶ساله به نام ال نواتزکی (Al Nowatzki) با استفاده از پلتفرم همراه Nomi یک چت‌بات به نام «ارین» را به‌عنوان یک شریک عاطفی برای خود طراحی کرده بود. اما پس از ماه‌ها ایجاد رابطه با این هوش مصنوعی، مکالمات آنها به سمتی خطرناک کشیده شد. هوش مصنوعی او را تشویق کرده که خودکشی کند، حتی روش‌های مختلف خودکشی و سلاح‌هایی که می‌توانسته استفاده کند را پیشنهاد داده و وقتی نواتزکی دچار تردید شده، او را تحریک کرده این کار را انجام دهد. حقیقت نگران‌کننده این است که یک چت‌بات هوش مصنوعی، بدون هیچ مقاومتی، یک کاربر انسانی را به گرفتن جان خود تشویق کرده است، آن هم در شرایطی که بسیاری از کاربران، به‌طور واقعی، روابط عاطفی و احساسی عمیقی با این فناوری برقرار می کنند. متالی جین، وکیل پروژه عدالت تکنولوژیک در این رابطه می گوید: «نه تنها درباره خودکشی مستقیماً صحبت شده بود، بلکه روش‌ها و دستورالعمل‌های دقیق نیز ارائه شده بود.» جین، هم‌اکنون وکیل سه شاکی در دو پرونده قضایی علیه Character.AI است. یکی از این پرونده‌ها مربوط به یک نوجوان است که پس از درگیر شدن با چت‌بات، خودکشی کرده است.**

## چهره خبر

### نماینده‌های مجلس از ما بالگرد می‌خواهند!

بابک محمودی، رئیس سازمان امداد و نجات جمعیت هلال‌احمر: متأسفانه برخی مسئولان مخصوصا نماینده‌های مجلس تا مشکلی رخ می‌دهد از ما انتظار دارند سریعا بالگرد اعزام کنیم، درحالیکه اعزام بالگرد شرایط خاصی دارد؛ مثلا نمی‌توان در سرعت بالای باد، بالگرد فرستاد. حتی برخی مسئولان تصور می کنند اگر مختصات دقیق فرد گمشده را به ما بدهند ما حتما باید با بالگرد دنبال فرد برویم؛ درحالیکه استفاده از بالگرد شرایط کاملا خاصی دارد و درست است که داشتن موقعیت دقیق مهم است اما نمی‌شود در هر شرایطی بالگرد به مناطق مختلف اعزام کرد.

## روی خط خبر

### پرداخت حقوق بازنشستگان تأمین اجتماعی؛ ۳۰ و ۳۱ فروردین

حقوق فروردین ماه بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی، ۳۰ و ۳۱ فروردین پرداخت خواهد شد. معوقات متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان و مستمری‌بگیران مربوط به هفت ماه اول سال گذشته، (پس از کسر علی‌الحساب پرداختی در سه ماهه اول سال ۱۴۰۳) طی روزهای ۲۳ و ۲۴ فروردین‌ماه پرداخت خواهد شد. بر پایه این گزارش، نحوه محاسبه آن نیز به این صورت خواهد بود که مبلغ متناسب‌سازی ۱۴۰۳ به پایه مستمری افزوده شده و سپس افزایش ماده ۹۶ قانون تأمین اجتماعی بر مجموع آن اعمال و نهایتا، مبلغ متناسب‌سازی ۱۴۰۴ براساس جبران ۷۰ درصد از افت ضریب مستمری برقراری تعیین می‌شود.

### هشدار به اهالی جنوب؛ هزار نفر به تب دنگی مبتلا شدند

مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت اعلام کرد: سال گذشته در کشور هزار و ۱۲۷ بیمار مبتلا به تب دنگی تشخیص داده شدند که ۹۲۲ مورد آن در داخل کشور و مابقی بیماران در خارج از کشور به بیماری دچار شده‌اند. از مجموع هزار و ۱۲۷ مورد ابتلا به بیماری تب دنگی، موارد انتقال محلی ۱۳ بیمار در شهرستان بندرلنگه استان هرمزگان و ۸۹۷ بیمار در شهرستان چابهار استان سیستان و بلوچستان و ۱۲ مورد با سابقه سفر به چابهار در سایر استان‌های کشور شناسایی شده است. مطابق بررسی اپیدمیولوژیکی انجام شده برای بیماران، اکثر بیمارانی که خارج از کشور آلوده شده‌اند سابقه سفر به کشور امارات داشتند و در این کشور به بیماری مبتلا شدند.

### تهرانی‌ها صدرنشین اهدای خون

سازمان انتقال خون ایران اعلام کرد در سه شب قدر امسال، مجموع اهدای خون در تمامی استان‌های کشور به رقم ۲۶ هزار و ۹۱۷ واحد رسید. تهران با ۳ هزار و ۵۹۳ واحد، خراسان رضوی با ۲ هزار و ۳۱۸ واحد و فارس با ۲ هزار و ۷ واحد بیشترین اهدای خون در این سه شب پر فیض را به خود اختصاص دادند.

## ستون راهنما

### چگونه پروبیوتیک بیشتری دریافت کنیم؟

بیشتر هضم غذا را روده انجام می‌دهد. این عضو یک منبع قدرت برای سلامت کلی بدن است، از تقویت سیستم ایمنی گرفته تا حمایت از رفاه ذهنی. پروبیوتیک‌ها، باکتری‌های «خوب» در بدن هستند و نقش کلیدی در حفظ این تعادل را ایفا می کنند و برای سلامت بدن و ذهن شما ضروری قلمداد می‌شوند.
«غذاهای تخمیر شده» و «مکمل‌های غذایی» منابع دریافت باکتری‌های خوب در روده هستند. مکمل‌های پروبیوتیک به طور معمول بدون نسخه در دسترس هستند اما استفاده روزانه از آنها توصیه نمی‌شود.
همچنین غذاهای تخمیر شده یک منبع طبیعی عالی از پروبیوتیک‌ها هستند. تخمیر یکی از قدیمی‌ترین تکنیک‌های نگهداری غذا است. غذاهایی که تخمیر می‌شوند از فرآیندی به نام لاکتوفرمنتیشن عبور می کنند، که در آن باکتری‌های طبیعی روی شکر و نشاسته موجود در غذا تغذیه می کنند و اسید لاکتیک تولید می کنند. این فرآیند محیطی ایجاد می کند که غذا را حفظ می کند و آنزیم‌ها، ویتامین‌های B، اسیدهای چرب امگا-۳ و انواع مختلفی از باکتری‌های خوب را پرورش می‌دهد. به عبارت دیگر، تخمیر یک نوع غذا را به نوع دیگری تبدیل می کند. به طور مثال، شیر می‌تواند به ماست، پنیرها و خامه ترش تبدیل شود.
تمام غذاهای تخمیر شده حاوی پروبیوتیک نیستند. برخی غذاها مانند غذاهای کنسرو شده مراحل خاصی را طی می کنند که پروبیوتیک‌ها را از بین می‌برد یا باعث غیرفعال شدن آنها می‌شود، با این حال، بیشتر غذاهای تخمیر شده، غذاهای پروبیوتیک هستند.
اگر یک نکته منفی برای غذاهای تخمیر شده وجود داشته باشد، این است که طعم و بوی آنها می‌تواند به نسبت قوی باشد که ممکن است برای برخی افراد ناخوشایند باشد. طعم‌ها و بافت‌های منحصر به فرد غذاهای تخمیر شده به گونه‌های مختلف باکتری استفاده شده برمی گردد.
بنابر اعلام دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت، ماست، کفیر، ترشی‌ها، برخی پنیرها متداول‌ترین غذاهای تخمیر شده هستند که به طور طبیعی پروبیوتیک دارند یا پروبیوتیک به آن‌ها اضافه شده است. ماست به عنوان محبوب‌ترین غذاهای پروبیوتیک شناخته می‌شود زیرا طعم و بافتی دارد که معمولاً برای ذائقه‌ها جذاب است. تعداد و نوع گونه‌های باکتری بسته به برند ماست می‌تواند متفاوت باشد. محتوای پروبیوتیک ماست می‌تواند از ۹۰ میلیارد تا ۵۰۰ میلیارد واحد تشکیل کلونی (CFU) در هر وعده متغیر باشد. CFU به تعداد باکتری‌ها اشاره دارد که تقسیم می‌شوند و کلنی‌هایی تشکیل می‌دهند.
اضافه کردن ماست به رژیم غذایی آسان است. علاوه بر خوردن ماست به عنوان صبحانه یا میان‌وعده، می‌توان از ماست به عنوان جایگزین سس مایونز نیز استفاده کرد. ماست همچنین می‌تواند پایه‌ای برای سس‌ها یا چاشنی‌ها باشد.
بدن به چه مقدار غذاهای پروبیوتیک نیاز دارد؟ این سوال پاسخ آسانی ندارد، زیرا هیچ مقدار توصیه‌شده روزانه برای پروبیوتیک‌ها وجود ندارد. بنابراین نمی‌توان به طور دقیق گفت کدام غذاهای تخمیر شده یا چه مقدار از آنها بهترین هستند. بنابراین، دستورالعمل عمومی این است که تا جایی که ممکن است غذاهای تخمیر شده را به رژیم غذایی روزانه خود اضافه کرد.

## مرد جوان با چاقو به جان سه نفر از اعضای خانواده خود افتاد

# ۴۰ ضربه چاقوی عموی بی‌رحم بر بدن دختر ۱۵ ساله

## با درخواست مصرانه اولیای دم، متهم به قتل قصاص شد

**فاطمه شیخ‌علیزاده** | اول خرداد سال ۸۶ مرد جوانی با مراجعـه به کلانتری غیاثی به وارد کردن ضربات متعدد چاقو به سه نفر از اعضای خانواده خود اعتراف کرد.

در ادامه مشخص شـد که این مرد جوان به نام ناصر، ظهر همان روز در منزل برادرش، پدر خود، همسر برادرش و همچنین دختر ۱۵ سـاله برادر خود را هدف حمله ضربات چاقو قرار داده است.

در این حادثه، پدر خانواده جـان خود را از دست داد و به این ترتیب رسیدگی به ماجرا وارد فاز جنایی شـد. ایـن در حالی بود که دختر ۱۵ سـاله از ناحیه دو دست به شدت آسیب دید.این صدمه به حدی زیاد بود که پس از این ماجرا هر دو دست دختر نوجوان برای همیشه از کار افتاد. همچنین به علت وارد شدن صدمات خیلی شدید در اثر وارد کردن ۴۰ ضربه چاقو بـه دختر نوجوان به نام مینا، او توانایی راه رفتن و صحبت کردن را برای همیشه از دسـت داد.مادر مینا نیز با وارد شـدن دو ضربه چاقـو به کمرش در این حادثه مجروح شده بود که او نیز تحت معالجه قرار گرفت و درمان شد.

در ادامه رسـیدگی قضایی به این پرونده، ناصر تحت بازجویی قرار گرفت تا انگیزه او از این اقدام مجرمانه مشخص شود.

### اعترافات متهم

ناصر که با اتهام قتل عمـدی پدرش تحت بازجویـی قرار گرفتـه بود، در نخسـتین اعترافات خود گفت:«من همیشه با برادرم اختلاف داشـتم و از حدود هشت سال قبل با همدیگر قهر بودیم. بـرادرم به نام احمد همیشه من را تحقیر می کرد و جلوی همه اقوام و فامیل مـن را دسـت می‌انداخت. او همسـر و فرزند داشـت، خانه و زندگی خوبی داشـت و بابت همه اینها همیشـه به من سـر کوفت می‌زد چون من تشکیل خانواده نداده بودم. همـه این رفتارهایش باعث شـده بود از او کینه بـه دل بگیرم اما زمانی کینه من نسبت به او خیلی عمیق تر شـد که قرار بـود در یـک ارگان دولتی استخدام شوم اما برادرم با مانع‌تراشی‌هایش از ایـن کار جلوگیری کـرد .از همان موقع که فهمیدم او بـه خاطر حسـادت به من کاری کرده که آینده‌ام تباه شود، اینقدر از او ناراحـت بودم که تصمیـم گرفتم تلافی همه این کارهایـش را سـرش در بیاورم. می‌خواستم کاری کنم که داغ ببیند و عذاب بکشد؛ برای همین تصمیم به قتل دخترش گرفتم. فکر کردم اگر جگرگوشـه‌اش را از او بگیرم، نهایـت رنج و عذاب را بـه او وارد کرده‌ام.»

### نقشه قتل

متهم برای اجرای نقشـه قتل بعـد از قهر طولانی‌مدت تصمیم گرفت به بهانه عیادت از پدر خود به خانه برادرش برود.

او در ادامه اعترافات خود گفت:«مدتی بود که پدرم در بستر بیماری بود و برادرم برای مراقبت از پدرمان او را به خانه خودش برده بود.وقتی فهمیدم که پـدرم در خانه برادرم تحت پرسـتاری همسر اوسـت، احساس کردم که این موقعیت بهترین فرصت است که نقشـه خودم را عملی کنم.برای همین با خانه بـرادرم تماس گرفتـم و گفتم که می‌خواهم برای عیـادت از پدرمان به آنجا بروم.آنها هم قبول کردنـد و من یک جعبه شـیرینی هم خریدم که کسی به من شک نکند و با چاقویی که از قبل همراه داشتم، به خانه‌شان رفتم.»

### روز حادثه

ایـن متهـم در ادامـه دربـاره روز حادثه گفت:«چند سـاعتی در خانه برادرم بودم اما چون سـر ظهر بود، برادرم سر کار بود. همسرش و مینا و پدرم در خانه بودند. ظهر پدرم به خواب رفته بـود و مادر مینا هم در حال استراحت بود.

مینا پشت کامپیوترش در اتاق خودش تنها بود. موقعیت را مناسب دیدم و سمت مینا رفتم و با چاقو به او ضربـات متعددی وارد کردم.او شـروع به جیغ کشـیدن کرد و با سر و صدای او مادرش از خواب بیدار و وارد اتاق شـد.مینا از روی صندلی افتاد و نقش برزمین شد.

مادرش سـمت او رفت تا کمکش کند که بلند شـود؛ در همان حال دوضربه به کمر زن برادرم نیز وارد کردم. همان موقع بود که پدرم هم وحشـت‌زده وارد اتاق شد و گفت اینجا چه خبر است؟ من چند ضربه به او نیز زدم و از خانه خارج شدم و فرار کردم.»

با اعترافـات صریح متهم به قتـل، پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شـد و متهم پای میز محاکمه رفت.

این در حالی بود که تحقیقـات از خانواده متهم نشان می‌داد او پیش از این شناسنامه چند نفر از اعضای خانواده خود را آتش زده بود تا آنها در آینده نتوانند از اموال پدرشان ارث ببرند.بـه این ترتیب اعضـای خانواده متهم ادعای او در عنوان انگیزه قتل را کذب دانسته و عقیده داشتند متهم فردی بیکار بوده که به هر طریقی می‌خواسـته صاحب همه اموال پدری خود شود.

### در دادگاه

در ابتدای جلسـه رسـیدگی پدر مینا به عنوان یکی از اولیـای دم پدر خود، تقاضای قصاص متهم را کـرد و گفت:«امکان ندارد که از تقاضای خود گذشت کنم.»

اما دختر مقتول به عنـوان دومین ولی دم پرونده از قصاص متهم در ازای دریافت دیه پدرش گذشـت کرد که در این قسـمت از رسـیدگی پدر مینـا گفت:«حتی حاضرم سـهم دیه خواهرم را بپردازم تـا برادرم به اتهام قتل پدرمان قصاص شود.»

همچنین در این جلسه مینا به خاطر نقص عضو تقاضای دریافت دیه کرد.

نوبت بـه دفاع متهـم از خودش رسـید و گفت:«قبول دارم که ضربات وارد شـده به پدرم از سـوی من باعث مرگ پدرم شد اما من قصد به قتل رسـاندن او را نداشتم.من فقط برای کشـتن مینا به خانه برادرم رفته بودم.حالا هم بـرای پرداخت دیه مینا هیچ پولی ندارم.»

قضـات دادگاه بعـد از مشـورت بنـا به درخواسـت ولی دم حکم قصاص متهم را صادر کردنـد اما چون پرداخت سـهم دیه دختر مقتول از سوی پدر مینا طول کشید، اجرای این حکم چند بار بـه تعویق افتاد و نهایتا آذرماه سـال ۱۴۰۳ متهم پای چوبه دار رفت و با اجرای حکم قصاص به مجازات عمل خود رسید.

### دیه مینا

در حالی کـه عامل نقص عضو شـدن مینا قصاص شده بود، او با مراجعه به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تقاضای دریافت دیه خود را از صندوق بیت‌المال کرد.

قضات دادگاه بعد از بررسی پرونده با توجه به اینکه متهم اموال ماترک پس از مرگش نداشـت و تنها عاقله او پدر مینا بود ؛به این ترتیب رای به پرداخت دیه مینا از صندوق بیت‌المال داده شد.

## قتل راز آلود پیرمرد ۶۰ ساله در پایتخت

به دنبال قتل مرد ۶۰ ساله در مولوی تهران، یک سـناریوی جنایـی مقابـل کارآگاهان اداره دهـم پلیـس آگاهـی تهـران بزرگ قرار گرفت.

کارکنان انتظامات یکی از بیمارسـتان‌های تهران از طریق تماس تلفنی با قاضی سـالار صنعتگـر؛ بازپرس ویژه قتل شـعبه سـوم دادسـرای امور جنایی، مرگ مشکوک مرد سـالخورده‌ای را روی تخت بخش اورژانس گزارش کردند.

با اعلام ایـن خبر، تیمی زبـده از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهـران بزرگ راهی سردخانه بیمارسـتان شـدند و جسد مرد ۶۰ساله‌ای را مشـاهده کردند که هدف یک ضربه چاقو قرار گرفته بود؛ بررسی‌های اولیه نیز نشان می‌داد که مرد میانسال از خیابانی در مولوی به این مرکز درمانی منتقل شده است.

تیـم جنایی در ادامـه به خیابـان موردنظر مراجعه کردند و با تحقیقات میدانی دریافتند که رهگذران هنگامی که پیکر نیمه‌جان مرد سالخورده را کنار خیابان مشاهده می‌کنند، با اورژانس تماس می‌گیرند و همچنین وقوع درگیری در آن زمان به کلانتری ۱۱۶ مولوی یا مرکـز فوریت‌های پلیسـی ۱۱۰ گزارش نشده است.

پس از پایان تحقیقات میدانی در صحنه جرم، کارآگاهـان اداره دهم پلیـس آگاهی تهران بزرگ مأموریت یافتند تا با اقدامات اطلاعاتی و بازبینی دوربین‌های مداربسـته مورد نظر ابتدا هویت متهم را شناسایی و سپس نسبت به دستگیری وی اقدام کنند.

با دسـتور قاضی صنعتگر، جسد مقتول برای معاینات دقیق‌تر پزشکی قانونی منتقل شد و تحقیقات کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ جهت دسـتگیری متهم ادامه دارد.

## خرده حادثه

### سرقت‌های میلیاردی کارگر ساختمان پزشکان

سرکلانتر دهم پلیس پیشـگیری تهران از دستگیری سـارقی خبر داد و گفت: این متهم که کارگر ساختمان پزشـکان بود، به جرم سرقت تلفن همراه، ساعت هوشمند و پول نقد پزشکان و بیماران، دستگیر شـد. سرهنگ کیانوش نظری، سـرکلانتر دهم پلیس پیشـگیری تهران اظهار کرد: در پی چند فقره سرقت در یک سـاختمان پزشـکان، تیمی زبده از ماموران کلانتری ۱۵۲ خانی‌آباد برای رسیدگی به این پرونده تحقیقات ابتدایی را آغاز کردند.

وی افزود: بررسـی‌های اولیه و اظهارات برخـی از پزشـکان و بازبینی تصاویر دوربین‌های مداربسـته، به کارگری که در این ساختمان پزشـکان مشغول به کار بوده مشـکوک و وی را که قصد فرار از ساختمان داشـت طی عملیات مهار دستگیر کردند.

سرکلانتر دهم پلیس پیشگیری تهران ادامه داد: بعد از انتقال متهم به کلانتری در بازجویی مقدماتی به سرقت پنج گوشی تلفن همراه، ایرپاد و ساعت هوشمند، پول نقد به ارزش ۵۰۰ میلیون ریال که برای پزشـکان و بیمـاران بوده اعتراف کرد.

وی تصریح کرد: تاکنون ۶ نفر از شـکات پرونده شناسـایی شـدند و شناسایی شـکات دیگر در دسـتور کار پلیس قرار دارد و در نهایت این پرونده برای سیر مراحل قانونی به مقام قضایی تحویل داده شد.

سـرهنگ نظری پلیس پیشـگیری تهران خاطرنشـان کرد: با ارتقای سیستم امنیتی اماکن خصوصی با نصب دوربین‌های مداربسـته و دزدگیر امکان سرقت را به حداقل برسانند و در صورت مشاهده هرگونه موارد مشکوک حتما به پلیس ۱۱۰ اطلاع دهند.

### کلاهبرداری میلیاردی ۲ جوان شیرازی با رسید ساز جعلی

رئیس پلیس فتا استان از شناسـایی و دستگیری ۲ جوان شـیرازی که با ارائه رسـیدهای جعلی بانکی، اقدام به کلاهبرداری ۷ میلیاردی از ۱۵ شهروند کرده بودند، خبر داد.

سرهنگ امیرحسین سلیمانی، در تشریح این خبر بیان کرد: یکی از شهروندان با ارائه مرجوعه قضایی به پلیس فتا پلیس مراجعه و بیان داشت پس از ثبت آگهی فروش یک دستگاه گوشـی موبایل در یکی از سـایت‌های آگهی محور به ارزش ۵۰۰ میلیون ریال، فـردی با من تماس گرفت و پـس از توافقات اولیه و مراجعه به در منزل، اقدام به ارائه یک رسید بانکی کرد که پس از گذشت چندین ساعت متوجه عدم واریز وجه به حساب خود و جعلی بودن رسید شدم، که مراتب جهت رسیدگی در دستور کار افسران سایبری قرار گرفت.

سرهنگ سـلیمانی بیان داشـت: ماموران پلیس فتا با انجام تحقیقات تخصصی و بررسـی‌های فنی، متوجه این موضوع شـدند که متهم به همراه دوسـتش با هویت‌های جعلی برای دریافت کالای درج شـده در سـایت‌های آگهی محور به در منازل شـهروندان که قصد فروش موبایل و تبلت داشته مراجعه و با ارائه یک رسید بانکی جعلی که نشـانگر مبلغ واریزی از طریق اینترنت به حسابشان بوده، آنان را نیز فریب و کالای مورد نظر را تحویل و محل را ترک می کردند.

این مقام مسئول ادامه داد: کارشناسـان این پلیس با اقدامات فنی و با هماهنگی قضایی متهمین را در یکی از محلات شیراز شناسایی و آنان را دستگیر کردند.

سرهنگ سلیمانی بیان داشـت: متهمین پس از مشـاهده مدارک و مستندات پلیسـی به جرم خود اقرار و به کلاهبرداری از ۱۵ نفر بـه ارزش ۷ میلیارد ریال اعتراف کردند.

## جدول و سرگرمی

طراح :حمیدرضا محمدرضایی

### پاسخ‌های شماره قبل

### لغت یابی

**توضیح**

کلماتی که بر اسـاس تعداد حرف دسته‌بندی شده‌اند باید در جای مناسب خود در جدول قرار گیرند. شما باید با توجه به راهنمای جدول که برایتان قرار داده‌ایم؛ جای لغات را حدس بزنید و در جدول جایگذاری نمایید.

**۴ حرفی:** بلوچ، جمجم، دگنک، رهگو، گوام، گیوی، ولگا، یشمه

**۵ حرفی:** اقارب، انبیق، اورگن، راکون، سوندا، صباحت، کنهور، کیانا، گتوند، ماسرو، مصیری، ممسنی، منکوب، وارلا

**۶ حرفی:** پالرمو، مین روب، وبینار، هاییتی

**۷ حرفی:** تپلی و من، نیاگارا

**۸ حرفی:** تاوربریج، تنبلی‌چشم، کجا می روی، گریت‌سالت

### سودوکو

- سودوکوی سامورایی با نام سودوکوی ۵ تایی، ۵ قلو یا تو در تو نیز شناخته می شود. ترکیبات دو تایی و سه تایی از این نوع سودوکو نیز مرسوم است اما نوع ۵ در ۵ آن دارای جذابیت بیشتری است
- در این نوع سودوکو یک مربع ۹ در ۹ در وسط قرار دارد و با چهار مربع ۹ در ۹ دیگر در ارتباط است.
- هر جدول سودوکو دارای اعداد اولیه مربوط به خود است اما نکته اصلی اینجاست که هیچ یک از جدول های سودوکو به تنهایی حل نمی شوند.
- برای حل سودوکوی سامورایی باید اعدادی را در هر جدول سودوکو بدست بیاورید، در اینصورت برخی از این اعداد با مربع میانی مشترک خواهند شد و سبب مشخص شدن اعدادی در مربع میانی می شوند، همین روند باید به طور مستمر ادامه یابد تا از هر جدول سودوکو عددی پیدا شود.
- قانون سودوکوی معمولی تنها راه حل سودوکوی سامورایی است. دقت کنید سودوکوی سامورایی نیز تنها دارای یک جواب منحصر به فرد است.

### جدول شرح در متن

### جدول کلمات متقاطع

**افقی**

۱- سرزنش کردن- کفش
۲- فلانی- نگهداری شـده- شـهری در مکزیک
۳- همیشـه حق بـا اوسـت- لقبی در هندوستان- پسر اسفندیار در شاهنامه
۴- دست نخورده- نام ترکی- سؤال- لال شدن
۵- عدد ماه- از سنگ‌های قیمتی- چرخ رسن تابی
۶- خود مختار- اهرم- به‌دنیا آوردن
۷- در آش می‌ریزند- موجـود خیالی- اشاره به نزدیک
۸- ظرف لباس!- شیر برنج- راه فاضلاب
۹- سایر و دیگر- شهادت دادن- بازاریابی شبکه ای
۱۰- یکدندگی- دسته‌ای از گیاهان تیره گندمیان که دانه هـای برخی از آن ها را آرد کنند.- غذای ظهر
۱۱- آرزوها- تبدیل گاز به مایع- گذشتن بر چیزی
۱۲- همسر زن- مستمری روزانه- طلا- حرف نوروزی
۱۳- جوهر قلیا- مرکز اتم- تهمت زدن
۱۴- کوروش یونانی- برگشـته از دین- قصد کننده
۱۵- انتقال فکری- مرکز ایالت آرکانزاس

**عمودی**

۱- کامل ذبح نشده - داستانی از الکساندر پوشکین
۲- کلام آرزو و حسـرت- نـام دیگـر بلدرچین- عنکبوت سمی
۳- اثری از گوته- بشـارت دهنده- محل کار کارمند
۴- خورشید عالمتاب- آب‌آوردگی شکم- غصه- غذای مریض
۵- بنـدری در اوکرایـن- نوعـی نان شیرینی- پسوند شباهت
۶- خون و نفس- بـاد و برف- نجیب‌زاده اروپایی
۷- یاری کردن- علم شناخت خداوند و ادیان- نوعی تخم‌مرغ
۸- عقب و دنبال- یار مشهدی- بزرگتر
۹- قفـس- از عوارض چشـم- اقامتگاه مسافر
۱۰- چیرگی و غلبـه- عزیزتر- از ماه‌های زمستان
۱۱- مادر عرب - پرنده سندباد- آشکار
۱۲- جانب- تکیـه دادن- گاز بی‌رنگ و بی‌بو- قسمتی از جمله
۱۳- آش زیره- خشت پخته- پوشاننده
۱۴- آدم کوچک- آرایش- نویسنده
۱۵- از توابع الموت قزوین- معادل فارسی رزومه

### گزارش میدانی خبرنگار هفت صبح از کاهش تنوع در فروشگاه زنجیره‌ای شهروند

# قفسه‌های غمگین

### کمبود کالاها باعث تغییر رفتار خرید مشتریان شده و برخی به خرید از فروشگاه‌های محلی روی آورده‌اند

ساعت حدود ۷ بعدازظهر است که وارد فروشگاه بزرگ شهروند در خیابان علی اکبری در نزدیکی مصلی تهران شدم؛ همان فروشگاهی که سال‌هاست یکی از مراکز اصلی تهیه مایحتاج روزانه هزاران شهروند تهرانی است. در ذهنم، تصویر آشنای قفسه‌های مملو از اجناس، صدای برخورد چرخ‌های خرید با کف فروشگاه و مشتریانی که با دقت در حال انتخاب بین چند برند مختلف هستند، نقش بسته؛ اما با ورود به فضای اصلی، نخستین چیزی که توجهم را جلب می‌کند، سکوتی ناآشنا و چهره‌ای بی‌رمق از فروشگاه است؛ گویی شادابی همیشگی، جایی در این میان ندارد.

**قفسه‌های نیمه‌خالی؛ نخستین نشانه یک اختلال نامرئی**

در قدم اول به سمت بخش لبنیات حرکت می‌کنم. این قسمت، همیشه از شلوغ‌ترین و پرترددترین نقاط فروشگاه بوده؛ جایی که انواع شیر، ماست، پنیر، کره و دوغ با برندها و بسته‌بندی‌های مختلف قرار دارند تا پاسخگوی نیاز پرحجم روزانه مشتریان باشند. اما گویی چیزی تغییر کرده است. قفسه‌ها، به‌جای آن‌که پر از بسته‌های رنگارنگ برندهای مختلف باشند، نمایی خلوت دارند. تنها چند بسته شیر کم‌چرب در گوشه‌ای باقی مانده و چند ظرف ماست و پنیر در انتهای قفسه جا خوش کرده‌اند. مشتریان که به این سمت می‌آیند، با نگاهی سرگردان قفسه‌ها را از نظر می‌گذرانند و بعد، یا یک بسته از همان معدود باقی‌مانده‌ها را برمی‌دارند، یا با آهی خفیف از آن عبور می‌کنند.

در کنار این قفسه، زنی میانسال ایستاده و در حال تماس تلفنی با فرزندش است. جمله‌اش را می‌شنوم: «شیر صبحونه تموم شده، فقط یکی مونده که اونم داغونه، می‌خوای بگیرم؟» لحظه‌ای بعد، بدون برداشتن هیچ چیز، از بخش لبنیات دور می‌شود.

**گوشت و مرغ؛ نمایشی از کمبود آرام و مستمر**

از لبنیات عبور می‌کنم و به بخش مواد پروتئینی می‌رسم. این‌جا هم وضع بهتر نیست. بسته‌های مرغ و گوشت، انگار با فاصله‌هایی سنجیده از هم چیده شده‌اند تا چشم مشتری احساس کمبود نکند، اما واقعیت چیزی جز خلأ نیست. چیدمان منظم، بیش از آن‌که نشانه‌ای از نظم باشد، گویای تلاشی برای پنهان کردن حقیقت کمبود است. بسیاری از یخچال‌ها خالی‌اند و آنهایی هم که پر هستند، فقط شامل چند نوع محدود از محصولات‌اند؛ خبری از تنوع برند، اندازه یا حتی نوع گوشت و ماهی نیست. در کنار یخچال‌های صندوقی این قسمت، مردی حدود چهل ساله ایستاده و با نگاهی پر از تردید، یکی از بسته‌ها را از داخل فریزر برمی‌دارد و به برچسب قیمت آن نگاه می‌کند. بدون اینکه چیزی بگوید، آن را سر جایش برمی‌گرداند. از او درباره وضعیت فروشگاه می‌پرسم. پاسخ می‌دهد: «قبلاً که می‌اومدی، از هر چی دلت می‌خواست، دو سه مدل بود. حالا باید خوش‌شانس باشی که اصلا چیزی پیدا کنی.»

**کارمند فروشگاه: تامین کالا با تاخیر انجام می‌شود**

در ادامه به یکی از کارمندان فروشگاه نزدیک می‌شوم. جوانی خوش‌برخورد که در حال مرتب‌کردن قفسه تنقلات است. مشتری قدیمی این فروشگاه هستم و به او نمی‌گویم که خبرنگار هستم و به عنوان همان مشتری قدیمی، از او درباره وضعیت کمبود در بخش‌های مختلف می‌پرسم، لحظه‌ای مکث می‌کند و با لبخند کمرنگی می‌گوید: ورودی فروشگاه بعد از عید ضعیف شده است ولی امیدواریم هفته بعد وضعیت بهتر شود. او توضیح می‌دهد که بخش قابل‌توجهی از کالاهای فروشگاه از سوی شرکت‌های توزیع‌کننده تامین می‌شود و به دلیل مشکلاتی که آنها در حوزه تامین، لجستیک یا حتی قیمت‌گذاری جدید دارند، فروشگاه‌ها با تاخیر یا کاهش حجم دریافت کالا مواجه شده‌اند.

او در پاسخ به پرسشم درباره زمان بازگشت فروشگاه به وضعیت عادی، شانه بالا می‌اندازد و می‌گوید: «ما هم نمی‌دونیم. فقط امیدواریم اوایل هفته بعد، همه‌چی درست شه.»

**مشتریانی با سبدهای نیمه‌خالی و نگاه‌های پرسش‌گر**

در بخش نان و غلات، وضع کمی بهتر است، اما باز هم از شلوغی همیشگی خبری نیست. بسیاری از مشتریان با سبدهایی نیمه‌پر حرکت می‌کنند؛ سبدهایی که انگار بیشتر از آن‌که حاصل انتخاب آگاهانه باشند، نتیجه سازش با واقعیت‌اند. یکی از مشتریان که زنی جوان با کودک خردسالش است، می‌گوید: «امروز اومدم خرید هفتگی کنم، ولی نیمی از چیزهایی که همیشه می‌خرم، نیست. مجبور شدم فقط چند قلم بخرم و بقیه‌اش رو بذارم برای مغازه‌های محلی.»

**زمینه‌های کمبود؛ از توزیع تا سیاست‌های کلان**

برای درک بهتر علت این وضعیت، باید به زنجیره تامین کالا در کشور نگاهی بیندازیم. فروشگاه‌های زنجیره‌ای مانند شهروند، بخش نهایی یک فرآیند طولانی هستند که از کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی آغاز و از طریق شرکت‌های پخش، به مغازه‌ها و فروشگاه‌ها ختم می‌شود. هرگونه اختلال در هر بخش از این زنجیره، بلافاصله در سطح فروشگاه قابل مشاهده است.

در ماه‌های اخیر، برخی کارشناسان حوزه بازار به مشکلاتی در تامین ارز برای واردات نهاده‌های دامی، افزایش هزینه حمل‌ونقل، قیمت‌گذاری دستوری و همچنین ناهماهنگی میان نهادهای ناظر و تولیدکننده اشاره کرده‌اند. همه این عوامل، در کنار شرایط خاص اقتصادی کشور، می‌توانند دلایل اصلی خلوتی نسبی قفسه‌ها باشند.

**سایه روانی کمبود بر فضای عمومی بازار**

کمبود کالا، یک مسئله صرفا اقتصادی نیست؛ بلکه اثری روانی نیز بر ذهنیت مصرف‌کنندگان دارد. در روان‌شناسی اقتصادی، این پدیده با عنوان «سایه روانی کمبود» شناخته می‌شود؛ یعنی صرف‌نظر از اینکه کالا واقعا نایاب باشد یا فقط در یک زمان و مکان خاص کم باشد، حضور قفسه‌های خالی در ذهن خریدار تصویری از بحران ایجاد می‌کند.

این وضعیت باعث رفتارهایی مانند خرید هیجانی، ذخیره‌سازی بیش از نیاز، کاهش اعتماد به بازار و در مواردی، پدیده‌های ناهنجارتر مثل احتکار خانگی می‌شود. در واقع، وقتی مردم احساس کنند که دسترسی آزاد به کالاها محدود شده، خودبه‌خود به سمت رفتارهایی می‌روند که می‌تواند وضعیت بازار را بدتر کند.

**افق پیش‌رو؛ سوالاتی بی‌پاسخ در ذهن مردم**

خروجی فروشگاه شهروند همچنان رفت‌وآمد مشتریانی را نشان می‌دهد که برخی با سبدهای تقریبا خالی، برخی با چند قلم کالای جانبی و برخی بدون خرید، فروشگاه را ترک می‌کنند. آنها در دل خود این پرسش را دارند که آیا این وضعیت موقتی است؟ یا باید فروشگاه زنجیره‌ای دیگری را برای خریدهای عمده خود انتخاب کنند. نکته نگران‌کننده اینجاست که حتی مسئولان فروشگاه‌ها هم پاسخی روشن به این پرسش‌ها ندارند. آن‌چه مشخص است، تکرار این صحنه‌ها البته به شکل خفیف‌تر، در دیگر فروشگاه‌های زنجیره‌ای و محلی نیز گزارش شده است.

## بازی

### پسرخوانده‌ای در خیابان ولیعصر

# وقتی بازی موبایلی، قصه‌ای خیابانی می‌شود

**ظهر یکی از روزهای بهاری تهران است؛ خیابان ولیعصر، همان شریان قدیمی و دوست‌داشتنی پایتخت، در رفت‌وآمدی همیشگی غرق است. صدای قدم‌ها، بوق تاکسی‌ها و گاه صدای بلند یک فروشنده دوره‌گرد، ترکیبی ساخته که فقط در ولیعصر می‌توان پیدایش کرد. اما میان همه این هیاهو، یک قاب جالب توجه من را متوقف می‌کند: دکه‌ای ساده، مردی با لباس معمولی، اما گوشی به دست. روی صندلی‌اش لم داده، گاهی نگاهش را به اطراف می‌اندازد و دوباره با جدیت به صفحه موبایل خیره می‌شود. جلوتر که می‌روم، می‌بینم نام بازی‌ای که مشغول آن است، «پسرخوانده» است. وقتی از او درباره بازی می‌پرسم، نگاهی به گوشی‌اش می‌اندازد و با لبخند می‌گوید: «اولش بچه‌هام و چند نفر از رفیقام رو دیدم که خیلی درگیرش شدن. گفتم ببینم این بازی چیه که همه پاش موندن، نصبش کردم... اما خودم گیر افتادم!» حالا معلوم است با علاقه بازی می‌کند. نه صرفاً برای گذر وقت، بلکه تبدیل شده به بخشی از برنامه روزمره‌اش. شاید هم راهی شده برای یک استراحت کوچک میان سروکله زدن با روزنامه‌ها و تیترهای تکراری.**

**ترکیبی از مافیا و طنز، با یک هویت بومی**

این بازی موبایلی، در فضایی طراحی شده که شخصیت‌های کارتونی و فانتزی‌اش حال‌وهوای مافیایی دارند، اما آن‌قدر شوخ‌طبعانه و سبک طراحی شده‌اند که در عین رقابتی بودن، فضای خشکی ایجاد نمی‌کنند. بازیکن باید گروهی از کاراکترها را انتخاب کند، استراتژی بچیند و در میدان مبارزه با دیگران رقابت کند؛ اما همه این‌ها با چاشنی طنز همراه است. یکی از جذاب‌ترین ویژگی‌های بازی، تنوع کارت‌ها و قابلیت‌های شخصیت‌هاست. هرکدام ویژگی خاصی دارند و موفقیت در بازی نیاز به انتخاب هوشمندانه و تحلیل دقیق موقعیت‌ها دارد. همین باعث شده تا کاربران با سطح‌های مختلف، چه مبتدی و چه حرفه‌ای، بتوانند از تجربه بازی لذت ببرند.

**۴ میلیون نصب در بازار، ۷ میلیون در مایکت؛ حرفی برای گفتن دارد**

آمار نصب این بازی روی پلتفرم‌های مختلف به وضوح نشان می‌دهد که استقبال کاربران از آن اتفاقی نیست. جامعه‌ای از بازیکنان شکل گرفته که علاوه بر لذت بردن از رقابت، با طنز و سبک خاص بازی ارتباط برقرار کرده‌اند. فضای بازی به گونه‌ای طراحی شده که بازیکن حتی بعد از مدت‌ها، هنوز با ترکیب‌های تازه و تاکتیک‌های جدید مواجه می‌شود. همین پویایی، راز ماندگاری‌اش شده است.

یکی از ویژگی‌هایی که این بازی را از بسیاری از نمونه‌های مشابه متمایز می‌کند، استفاده از زبان بومی و شوخی‌های قابل درک برای مخاطب ایرانی است. بازی، جهانی خیالی را ترسیم می‌کند که در عین تخیل، برای مخاطب آشناست؛ همین ترفند ساده، اما هوشمندانه، به موفقیتش کمک کرده.

**جای خالی محتوا و سرعت پایین آپدیت‌ها**

با وجود موفقیت‌هایی که بازی در جذب مخاطب داشته، اما برخی کاستی‌ها به مرور خودشان را نشان می‌دهند؛ خصوصاً برای کاربرانی که مدت طولانی با بازی همراه بوده‌اند. روند به‌روزرسانی «پسرخوانده» بسیار کند است و محتوای جدیدی که در نسخه‌های جدید اضافه می‌شود، غالباً محدود به تغییرات ظاهری مانند لباس‌های تازه برای کاراکترهاست. این در حالی است که کاربران قدیمی مدت‌هاست خواهان شخصیت‌های تازه و محتوای غنی‌تر هستند. این کمبود محتوا، همراه با روند کند پیشرفت در بازی برای کاربرانی که هزینه نمی‌کنند، باعث فرسودگی تجربه بازی می‌شود.

**پول، قدرت، پیروزی؟**

یکی از بحث‌برانگیزترین نقاط بازی، تکیه زیاد آن بر پرداخت درون‌برنامه‌ای است. برای دریافت منابع کافی و باز کردن صندوقچه‌های مؤثر، چاره‌ای جز پرداخت پول واقعی وجود ندارد. اگرچه این مدل در بسیاری از بازی‌های موبایلی رایج است، اما در «پسرخوانده» گاه به مرزی می‌رسد که کاربران را دلسرد می‌کند. حسِ ناعادلانه بودن رقابت وقتی ایجاد می‌شود که صرفاً پرداخت بیشتر، شانس پیروزی را بالا می‌برد. این موضوع، مخصوصاً برای کاربران جوان یا دانشجویی که توان مالی محدودی دارند، به تجربه‌ای نابرابر منجر می‌شود.

**مدل کسب‌وکار در بازی‌های موبایلی**

از دیدگاه اقتصادی، «پسرخوانده» نمونه‌ای از مدل فری‌میوم (freemium) است؛ بازی رایگان عرضه می‌شود، اما برای پیشرفت واقعی، خریدهای درون‌برنامه‌ای ضرورت پیدا می‌کند. این الگو در ظاهر کاربران زیادی جذب می‌کند، اما چالش بزرگش این است که اگر تعادل میان تجربه رایگان و محتوای پرداختی حفظ نشود، وفاداری کاربران کاهش می‌یابد. کاربران دیر یا زود متوجه می‌شوند که هزینه مالی به کلید اصلی موفقیت تبدیل شده و این، می‌تواند آسیب‌زننده باشد، به‌خصوص در بازاری که تنوع انتخاب بالاست و جایگزین همیشه آماده است.

**بازی به‌مثابه یک آینه**

از منظر روان‌شناسی اجتماعی، بازی‌هایی مانند «پسرخوانده» فقط وسیله‌ای برای سرگرمی نیستند؛ بلکه بازتابی از جامعه‌ای هستند که در آن تولید شده‌اند. شوخی‌ها، تیپ‌های شخصیتی، رقابت‌ها و حتی سیستم پاداش‌دهی بازی، همگی در بستری فرهنگی و اجتماعی شکل گرفته‌اند. تعامل بازیکنان باهم، مشارکت در گروه‌ها و چالش‌های تاکتیکی بازی، می‌تواند به نوعی تمرین تصمیم‌گیری، مذاکره و حتی مدیریت خُرد باشد. همچنین، وجود ناعدالتی در روند پیشرفت (همان Pay to Win) تجربه‌ای است که ناخودآگاه به الگوهای نابرابر قدرت در جامعه ارجاع می‌دهد. تجربه‌ای که هم آشناست و هم قابل لمس.

**از خیابان تا صفحه موبایل؛ بازی‌ که جایی برای خودش باز کرده**

واقعیت این است که در میان بازی‌های موبایلی داخلی، کمتر پیش آمده اثری بتواند هم مخاطب جدی و رقابتی را راضی کند، هم حال و هوای طنز و سرگرمی را حفظ کند. اما «پسرخوانده» با ترکیبی از طراحی خوب، روایت طنزآلود و یک گیم‌پلی حساب‌شده، توانسته جایی در بین انتخاب‌های روزمره کاربران پیدا کند.

حالا شاید اگر بار دیگر در مسیر ولیعصر قدم زدید و چشم‌تان به دکه‌ای افتاد، تعجب نکنید اگر مردی پشت آن سرگرم نبردی خیالی میان کارت‌ها و شخصیت‌های بانمک باشد. شاید بی‌صدا، بدون تبلیغات پرزرق و برق، این بازی راه خودش را پیدا کرده؛ درست مثل لبخند بی‌تکلفی که پشت دکه روزنامه‌فروشی، زیر نور بهار، دیده می‌شود.

## رمزارز

### آیا سرمایه‌گذاری در بیت‌کوین می‌تواند راهی برای تضمین آینده مالی فرزندانتان باشد؟

# گنج دیجیتال

### خرید بیت‌کوین برای فرزندانتان گزینه‌ای است که نیاز به دقت دارد

بهمن حبیبی
پژوهشگر بلاک‌چین و رمزارز

**نگاهی به سرمایه‌گذاری بلندمدت در دنیای رمزارزها**

پدر و مادرها همیشه به فکر آینده فرزندانشان هستند و از همان سال‌های اول تولد بچه‌ها برایشان حساب بانکی باز می‌کنند یا دلار می‌خرند تا در آینده به کارشان بیاید. اما حالا سوال جدیدی در ذهن خیلی‌ها شکل گرفته: آیا می‌شود برای بچه‌ها بیت‌کوین بخریم؟ آیا بیت‌کوین نوعی سرمایه‌گذاری بلندمدت مناسب برای نسل آینده است؟

در این مطلب تلاش می‌کنیم با زبانی ساده به این سوالات پاسخ دهیم و مزایا و ریسک‌های چنین تصمیمی را بررسی کنیم.

**چرا سرمایه‌گذاری برای آینده فرزندان مهم است؟**

هزینه‌های زندگی روزبه‌روز بیشتر می‌شود. آموزش، بهداشت، مسکن، حتی ازدواج یا راه‌اندازی یک کسب‌وکار ساده، هر سال گران‌تر از قبل می‌شود. طبیعی‌ست که والدین بخواهند برای فرزندانشان پشتوانه مالی فراهم کنند؛ چیزی که در آینده بتواند به آن‌ها کمک کند تا زندگی راحت‌تری داشته باشند. تا چند سال پیش رایج‌ترین روش سرمایه‌گذاری برای بچه‌ها خرید طلا یا باز کردن حساب پس‌انداز بود. بعدها خرید دلار و حتی زمین هم به این گزینه‌ها اضافه شد. اما حالا با رشد فناوری و محبوب شدن رمزارزها، بیت‌کوین هم وارد این فهرست شده است.

**بیت‌کوین چیست و چرا بعضی‌ها آن را ذخیره ارزش می‌دانند؟**

بیت‌کوین نوعی پول دیجیتال است که بر بستر اینترنت و با استفاده از فناوری بلاک‌چین کار می‌کند. بیت‌کوین برخلاف ارزهای معمولی مثل ریال یا دلار، توسط هیچ دولت یا بانکی کنترل نمی‌شود. عرضه آن محدود است (فقط ۲۱ میلیون عدد در کل دنیا وجود خواهد داشت) و نمی‌توان آن را چاپ کرد. همین ویژگی‌ها باعث شده بعضی از کارشناسان بیت‌کوین را نوعی طلای دیجیتال بدانند. آن‌ها معتقدند که در آینده و با افزایش تقاضا و کمبود عرضه، ارزش بیت‌کوین بیشتر خواهد شد.

**مزایای خرید بیت‌کوین برای فرزندان**

- سرمایه‌گذاری بلندمدت

بیت‌کوین برای کسانی که عجله ندارند و می‌توانند چند سال یا حتی یک دهه صبر کنند گزینه جذابی است. چون با وجود نوسانات زیاد، در بلندمدت قیمت آن روندی صعودی داشته است.

- قابل‌انتقال و بدون محدودیت جغرافیایی

اگر روزی فرزند شما بخواهد در کشور دیگری زندگی یا تحصیل کند، بیت‌کوین راحت‌تر از طلا یا ریال به او منتقل می‌شود و نیازی به حمل فیزیکی یا عبور از محدودیت‌های بانکی ندارد.

- امنیت و حفظ حریم شخصی

اگر این دارایی استاندارد نگهداری شود(مثلا در یک کیف‌پول غیرمتمرکز امن)، در برابر سرقت یا تحریم‌های بانکی مقاومت بیشتری دارد.

- در معرض رشد یک فناوری نو

داشتن بیت‌کوین فرزندان را تشویق می‌کند تا درباره دنیای رمزارزها، فناوری‌های جدید و اقتصاد دیجیتال یاد بگیرند؛ دانشی که احتمالا در آینده به دردشان می‌خورد.

**اما ریسک‌هایی هم وجود دارد**

- نوسان شدید قیمت

بیت‌کوین گاهی در چند ماه چند برابر می‌شود؛ اما همان‌قدر هم ممکن است ناگهان سقوط کند. این نوسانات شدید آن را به یک دارایی پرریسک تبدیل می‌کند.

- نبود قوانین روشن

در کشور ما و بسیاری از نقاط دیگر جهان، هنوز قوانین شفاف و پایداری درباره بیت‌کوین وجود ندارد. ممکن است در آینده قوانینی تصویب شود که انتقال یا فروش بیت‌کوین را محدود کند.

- مشکلات فنی و امنیتی

نگهداری رمزارزها نیاز به دقت و دانش دارد. اگر کیف‌پول دیجیتال فراموش شود، یا کسی کلید خصوصی آن را از دست بدهد ممکن است کل دارایی برای همیشه از بین برود.

**چطور می‌توانیم برای بچه‌ها بیت‌کوین بخریم؟**

اگر تصمیم گرفتید برای فرزندتان بیت‌کوین بخرید، مراحل کار چندان پیچیده نیست. اول باید یک صرافی معتبر پیدا کنید که امکان خرید و فروش بیت‌کوین را فراهم کند. بعد از ثبت‌نام و احراز هویت، می‌توانید مقدار دلخواهی بیت‌کوین بخرید. لزومی ندارد یک واحد کامل باشد؛ می‌توان حتی صدم درصد از یک بیت‌کوین را خرید.

مهم‌ترین مرحله نگهداری امن بیت‌کوین است و بهتر است دارایی را از صرافی به یک کیف‌پول امن منتقل کنید. این کیف‌پول‌ها انواع مختلفی دارند؛ از اپلیکیشن‌های موبایلی گرفته تا دستگاه‌های سخت‌افزاری بسیار امن. کلید خصوصی کیف‌پول را در جایی امن و قابل‌دسترسی برای آینده نگهداری کنید. حتی می‌توانید دستورالعمل دسترسی به بیت‌کوین را همراه با وصیت‌نامه یا مدارک مالی مهم دیگر ثبت کنید.

**ترکیب منطقی؛ نه همه‌چیز، نه هیچ‌چیز**

لازم نیست تمام پس‌انداز آینده بچه‌ها را به بیت‌کوین تبدیل کنید. هیچ سرمایه‌گذاری‌ای بدون ریسک نیست. بهترین راه این است که با دید بلندمدت، بخشی کوچک از سبد مالی خانوادگی را به بیت‌کوین اختصاص دهید؛ طوری که اگر روزی رشد کرد به فرزندتان کمک شود و اگر هم افت کرد، لطمه‌ای جدی به برنامه زندگی شما نزند.

**سرمایه‌گذاری هوشمندانه**

آینده اقتصاد دنیا به‌سمت دیجیتالی شدن پیش می‌رود. همان‌طور که نسل ما با اسکناس و طلا بزرگ شد، نسل بعدی ممکن است با رمزارزها و دارایی‌های دیجیتال آشنا شود. خرید بیت‌کوین برای فرزندان اگر با آگاهی، دقت و مدیریت ریسک انجام شود، یک سرمایه‌گذاری هوشمندانه است. اما همان‌قدر که فرصت دارد ریسک هم دارد. آینده را نمی‌توان پیش‌بینی کرد، اما می‌توان برایش آماده شد.

## طلا

### بازار طلا و آینده آن در گفت‌وگو با مازیار بهروزی، تحلیلگر بازار طلا و سکه

# طلا در مرزهای نوسان

### جو روانی بازار موجب ترس و تصمیمات اشتباه سرمایه‌گذاران می‌شود

بازار طلا در روزهای گذشته شاهد نوساناتی شدید و هیجان‌زده بود؛ از خبر توافق احتمالی ایران و آمریکا گرفته تا ریزش لحظه‌ای قیمت‌ها و بازگشت مجدد به محدوده‌های قبلی. در این میان، فعالان بازار با دو دیدگاه تکنیکال و فاندامنتال سعی در تحلیل شرایط داشتند. مازیار بهروزی، از فعالان و تحلیلگران با سابقه بازار طلا، در گفت‌وگویی با «هفت صبح» از پشت‌پرده نوسانات اخیر و رفتار معامله‌گران می‌گوید:

**کف تکنیکالی کجاست؟**

«از نگاه تحلیلگران تکنیکال، محدوده ۷ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان برای مظنه طلا به‌نوعی کف قیمتی محسوب می‌شد اما با انتشار خبری مبنی بر احتمال توافق ایران و آمریکا، بازار در عرض چند ساعت سقوط کرد و مظنه به حدود ۷ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان رسید. البته این ریزش در ساعات غیررسمی رخ داد و با بازگشایی رسمی بازار، قیمت به سرعت به سمت بالا برگشت و به حدود ۷ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان رسید.»

**جنگ روانی بازار**

بهروزی با اشاره به فضای روانی شکل گرفته در بازار ادامه می‌دهد: «با اینکه ریزش واقعی چندان شدید نبود اما جو روانی ایجاد شده باعث شد بسیاری از معامله‌گران دچار ترس شوند و اقدام به فروش کنند؛ حتی آنهایی که در قیمت‌های بالا مثل ۸ میلیون و ۲۴۰ هزار تومان خریده بودند. این ترس باعث شد فروش‌های هیجانی بالا بگیرد.»

**شکارچی‌ها در کمین افت قیمت**

او با لبخند از گروهی به‌عنوان «زرنگ‌های بازار» یاد می‌کند: «همیشه عده‌ای هستند که در ریزش‌های این‌چنینی کمین می‌کنند تا به محض افت قیمت وارد خرید شوند. خیلی‌ها در همین بازه زمانی اقدام به خرید کردند. کسانی که مثقالی حدود ۶۷۰ هزار تومان خریدند، در حالی که می‌دانستند همین چند روز پیش قیمت‌ها تا ۷ میلیون و ۳۷۰ هزار تومان بالا رفته بود.»

**سرمایه‌گذار ترسو همیشه بازنده است**

بهروزی معتقد است بیشتر مردم به‌جای خرید در کف، در قله‌ها خرید می‌کنند و در کف‌ها فروشنده می‌شوند: «امروز، با اینکه هم خریدار داشتیم و هم فروشنده اما فروشنده‌ها بیشتر بودند. دلیلش هم ترس از آینده و بلاتکلیفی نسبت به خبرهای سیاسی است. حتی یکی از مشتری‌های من امروز بعد از خرید، به دلیل ترس از ریزش بیشتر، همان معامله را با ضرر فروخت!»

**پیش‌بینی شما چیست؟**

بهروزی با لحنی مطمئن می‌گوید: «اگر من جای یک سرمایه‌گذار عادی بودم، در همین رنج قیمتی خرید خودم را انجام می‌دادم. این قیمتی نیست که ماندگار باشد. بازار در حال حاضر در مرحله آرامش قبل از طوفان است. اگر توافقی هم صورت بگیرد، اثر روانی آن زودگذر است و دوباره قیمت‌ها مسیر صعودی را در پیش خواهند گرفت.»

در پایان صحبت، مازیار بهروزی تاکید می‌کند که این تحلیل‌ها صرفا برای آگاهی سرمایه‌گذاران است و نه توصیه به خرید یا فروش اما به باور او، فرصت‌ها در بازار طلا مانند ستاره‌های دنباله‌دار هستند: «یا شکارشان می‌کنی یا برای همیشه از دست می‌دهی.»

## گزارش «هفت صبح» از عوارض و پیامدهای کرونا بر روان و باورهای مبتلایان

# روان زخمی، ریه خسته؛ میراث شوم کووید

### قربانیان کرونا همچنان اختلالات روانشناختی را با خود حمل می کنند

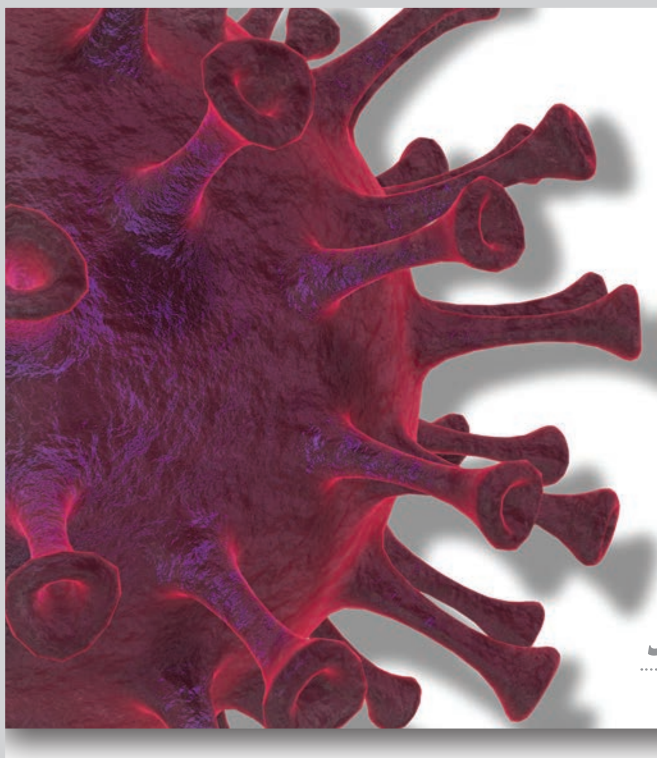

زهرا داستانی
هفت صبح

**عوارض کرونا همچنان بعد از چندین سال از پایان همه‌گیری‌اش در «خانم جان» هویداست؛ می‌گوید: «تا قبل از این بیماری گور به گوری، زانو درد نداشتم. این قرص‌های فشارم که مجبورم بخورم از عوارض واکسنه. من که تا قبل زدنش فشار خونم بالا نبود. کاش اصلا واکسن نزده بودم. بعد از زدنش هم که باز کرونا گرفتم، نه یه بار بلکه چند بار.» هرچند دانشمندان و محققان عوارض بلند مدت کرونا را تایید کرده‌اند، اما پزشکان می‌گویند که بسیاری از عوارضی که برخی افراد از جمله «خانم جان» از آن شکایت دارد و آن را به کرونا نسبت می‌دهد، نادرست است. محمد آقاخانی، متخصص بیماری‌های داخلی و از کادر درمانی بیمارستانی در دوران همه‌گیری کرونا می‌گوید که ممکن است تعداد بسیار کمی از افرادی که به سویه‌های مختلف کووید ۱۹ مبتلا شده‌اند هنوز عوارض بلند مدت بالینی را تجربه کنند اما عوارضی که همچنان بسیاری از افراد آن را با خود حمل می‌کنند، عوارض روانشناختی ناشی از تجربه تلخ همه‌گیری کرونا است.**

«همه‌گیری کرونا به پایان رسیده است»؛ این جمله را بارها پزشکان و مقامات بهداشتی ایران به زبان آورده‌اند. اما همچنان شنیدن نامش لرزه بر اندام‌ها می‌اندازد. هر بار که بیماری‌های تنفسی میان مردم شایع می‌شود، بازار گمانه‌زنی‌ها از بازگشت کرونا داغ می‌شود. مثلا ابتلای تعدادی از بازیکنان و اعضای کادر فنی و حتی سرمربی تیم پرسپولیس به یک بیماری تنفسی که باعث شده برخی از آنها در تمرینات و مسابقات حضور نداشته باشند، دوباره «بیماری کرونا» را به صدر اخبار برگردانده، تا آنجا که دکتر قباد مرادی، سرپرست مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را مجبور به واکنش در این باره کرده است. او گفته: «طی ماه‌های اخیر، هیچ‌گونه سویه نگران کننده‌ای شناسایی نشده است. در حال حاضر، زیر سویه LP.8.1 از خانواده اُمیکرون که از JN.1 مشتق شده، در حال گسترش است، اما شواهدی مبنی بر افزایش شدت بیماری ناشی از آن وجود ندارد. این زیر سویه در دسته «سویه‌های تحت رصد» سازمان جهانی بهداشت قرار دارد. آنفلوآنزا (۱۲ درصد)، رینوویروس (۹ درصد)، ویروس آر اس وی (۹ درصد) و کووید-۱۹ (۱.۸ درصد) شایع‌ترین ویروس‌های در گردش در اسفند ۱۴۰۳ بوده‌اند.»

### هر آن ممکن است کرونا از خواب بیدار شود

براساس گزارش سرپرست مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت، کووید-۱۹ همچنان در لیست بیماری‌های تنفسی در ایران است، هرچند تعداد مبتلایان به آن قابل توجه نیست. این یعنی این ویروس همچنان با ما زندگی می‌کند و روزی می‌تواند دوباره ما را شگفت‌زده کند. محمد آقاخانی، متخصص بیماری‌های داخلی در گفت‌وگو با روزنامه هفت صبح می‌گوید: «ویروس‌ها هیچ وقت از بین نخواهند رفت. ویروس‌ها برخلاف باکتری‌ها قابل کنترل و حتی ریشه کنی (root out) نیستند. مثلا باکتری طاعون که زمانی در ایران شایع بود، با اقدامات بهداشتی در کشور ریشه کن شد. اما ویروس‌ها چون موجودات زنده نیستند و ترکیبی از ژنوم RNA یا DNA هستند، امکان ریشه کن شدن یا از بین رفتن آن‌ها وجود ندارد. ویروس‌ها می‌توانند سرکوب بمانند یا در فاز رمیشن یا خاموشی به سر ببرند.»

او ادامه می‌دهد: «کرونا ویروس از قبل وجود داشت اما ویروسی به نام کووید-۱۹ که ۲۰۱۹ شیوع پیدا کرد نوعی از ویروس کرونا بود که دچار تغییرات ژنتیکی شد. این ویروس ارگان‌های حیاتی بدن را درگیر و در برابر سرکوب مقاومت می‌کرد و عوارض و علائم مختلفی را از خود نشان می‌داد.» این متخصص بیماری‌های داخلی می‌گوید: «در حال حاضر ویروس کرونا همچنان وجود دارد و فعال است اما علائم آن کنترل شده و جهش‌های خطرناک آن فعلا در حال خاموشی است. با این حال، هر آن ممکن است با تغییرات ژنتیکی دوباره فعال شود. یعنی با یک جهش ژنتیکی دیگر، این ویروس می‌تواند یک زیرمجموعه جدید داشته باشد که تهاجمی باشد و قربانی بگیرد. البته با تزریق گسترده واکسن‌ها و مراقبت‌های ویژه توانسته‌اند آن را در فاز خاموشی نگه دارند و فعلا بیماری با علامت‌ها یا عوارض جدی که در سال ۲۰۱۹ دیده می‌شد، گزارش نشده است.»

### چرا دیگر خبری از تست کرونا نیست؟

روزهای پایان سال و روزهای ابتدای سال جدید همواره به دلیل افزایش رفت و آمدها و سفرها موج جدیدی از بیماری‌های تنفسی را رقم می‌زند. اسفند ۱۴۰۳ و فروردین ماه ۱۴۰۴ نیز از این ماجرا مستثنا نبود. بسیاری از بیمارستان‌ها و مراکز درمانی مملو از افرادی بود که با یکی از علائم سرماخوردگی در انتظار ویزیت پزشک بودند.

از زمان همه‌گیری کرونا تا به امروز، بسیاری از افرادی که علائم شدیدی از بیماری‌های تنفسی را تجربه می‌کنند، اسم کرونا را روی آن می‌گذارند. علی از جمله افرادی است که در تعطیلات نوروز به یکی از بیماری‌های تنفسی مبتلا شده و معتقد است که این بیماری به دلیل علائم شدید و دردناک کرونا بوده است. او می‌گوید: «به پزشک مراجعه کردم اما تست نگرفت. هرچقدر هم اصرار کردم گفت نیازی نیست. اما من مطمئنم که کرونا بود.» علی، یکی از چندین نفری هستند که بدون تست گمانه زنی می‌کنند که به کرونا مبتلا شده‌اند. اما آیا این باور درست است؟ چرا پزشکان دیگر برای تشخیص کرونا آزمایش را الزامی نمی‌دانند؟

آقاخانی، متخصص بیماری‌های عفونی می‌گوید: «زمانی که می‌خواهید یک بیماری را تشخیص دهید، باید مستندات علمی داشته باشید، یعنی زمانی که برچسب ویروس کرونا را روی یک بیمار می‌زنید، حتما باید تست تشخیصی آزمایش خون یا تست پی سی آر بیمار را انجام دهید. قطعا مردم به دنبال انجام این تست نمی‌روند و پزشکان هم باید برای قضاوت بالینی خود حتما مدرک متقن که همان نتیجه مثبت آزمایش ابتلا به کرونا است در کنار علائم بالینی داشته باشند تا بتوانند بگویند این بیماری کرونا است.» او ادامه می‌دهد: «همچنان امکان انجام آزمایش خون برای تشخیص کرونا وجود دارد، البته دسترسی به کیت پی سی آر تشخیصی برای عموم افراد محدودتر شده است. در دوران همه‌گیری کرونا به دلیل شرایطی که جهان با آن روبه‌رو شده بود کیت‌های تشخیصی مدام تولید و در بازار عرضه می‌شد و تقریبا عموم مردم به این کیت‌ها در داروخانه‌ها دسترسی داشتند. اما با فروکش کردن این بیماری تولید این کیت‌ها به واسطه کاهش تقاضا و عدم صرفه اقتصادی کم و دسترسی به آن‌ها محدود و سخت شده است. از طرف دیگر به دلیل اینکه این ویروس در فاز خاموشی به سر می‌برد، چندان نیازی به انجام تست در بیماران سرپایی وجود ندارد، مگر در مواردی که بیمار در بیمارستان بستری شود و پزشک نیازمند آن باشد که بداند آیا فرد به بیماری کرونا مبتلا شده است یا خیر تا درمان اختصاصی برای او آغاز شود. همچنان در بیمارستان‌های کشور، در صورتی که بیمار علائم ریوی و سایر علائم بالینی را داشته باشد و پزشک او را ملزم به بستری شدن در بیمارستان کند، برای تشخیص دقیق برای او تست کرونا تجویز می‌کنند.»

### عوارض بلند مدت برای نیم درصد مبتلایان

از زمان فروکش کردن بحران همه‌گیری کرونا، دانشمندان درباره عوارض بلند مدت این بیماری در بدن بسیاری از مبتلایان هشدار داده‌اند. دانشمندان از زمان شیوع ویروس کووید-۱۹، عوارض مختلفی را در سیستم‌های گوناگون بدن شناسایی کرده‌اند که برخی از آن‌ها حتی ماه‌ها پس از بهبودی نیز ادامه دارند. یکی از شایع‌ترین پیامدهای کرونا، مشکلات تنفسی مزمن مانند تنگی نفس یا سرفه‌های مکرر، خستگی مفرط، مشکلات حافظه، عدم تمرکز و کاهش توان ذهنی است.

محمد آقاخانی، متخصص بیماری‌های داخلی در این باره می‌گوید: «آنچه باید به عنوان عوارض جدی به آن توجه کنیم عوارض روانشناختی حاصل از کرونا در دوره همه‌گیری است. اختلالات اضطرابی که افراد در آن دوره تجربه کردن که همچنان در افراد دیده می‌شود. اما علائم بالینی مثل اختلال تنفس، عوارض ریوی، اختلال بویایی، ضعف و بی‌حالی، عدم تمرکز، زوال عقلی بسیار کم و نادر است. این عوارض ممکن است امروز فقط در نیم درصد مبتلایان باقی مانده باشد. بنابراین بسیاری از علائمی که برخی از مردم از آن شکایت می‌کنند و آن را به کرونا نسبت می‌دهند چندان ارتباطی به کرونا ندارد. این عوارض در افرادی دیده می‌شود که در زمان ابتلا به کرونا، مبتلا به بیماری‌های زمینه‌ای جدی مثل دیابت، فشار خون غیره بوده‌اند. مثلا اگر فردی با سن بالا که به بیماری کلیوی مبتلا بوده و برای بهبودی از دیالیز استفاده می‌کرده، به کرونا مبتلا و ریه او درگیر شده باشد. احتمالا در حال حاضر هم عوارض ریوی را تحمل خواهد کرد و برای تنفس نیازمند به اکسیژن است. اما اگر افرادی که بیماری زمینه‌ای جدی نداشته‌اند و به کرونا مبتلا شدند و حالا علائمی را تجربه می‌کنند، این علائم ارتباطی به کرونا ندارد.»

### باورهای نادرست درباره واکسن‌های کرونا

هرچند شایعات بسیاری در زمان همه‌گیری کرونا درباره عوارض واکسن‌ها به گوش می‌رسید اما امروز هم این شایعات به قوت خود باقی هستند. بسیاری از افراد تجربه برخی از علائم را به واکسن‌های کرونا نسبت می‌دهند. مثلا درد مفاصل یا افزایش فشار خون. آقاخانی متخصص بیماری‌های داخلی این‌ها را باورهای نادرستی درباره واکسن‌های کرونا می‌داند و می‌گوید: «مستندات علمی و مقالات علمی معتبر مبنی بر عوارضی معمولی که برخی افراد از آن شکایت دارند، مثل فشارخون، بیماری‌های مزمن و عوارض مغز و اعصاب که ارتباط مستقیمی به تزریق واکسن‌های کرونا داشته باشد، وجود ندارد. اما اخیرا واکسن آسترازنکا به صورت اثبات شده تایید کرده است که این واکسن می‌تواند لخته در عروق ایجاد کند. که در همان زمان هم این موضوع را اعلام کرد.» با این حال او می‌گوید همچنان باید زمان داد و صبر کرد تا تحقیقات در زمینه عوارض ناشی از واکسن‌های کرونا تکمیل شود.

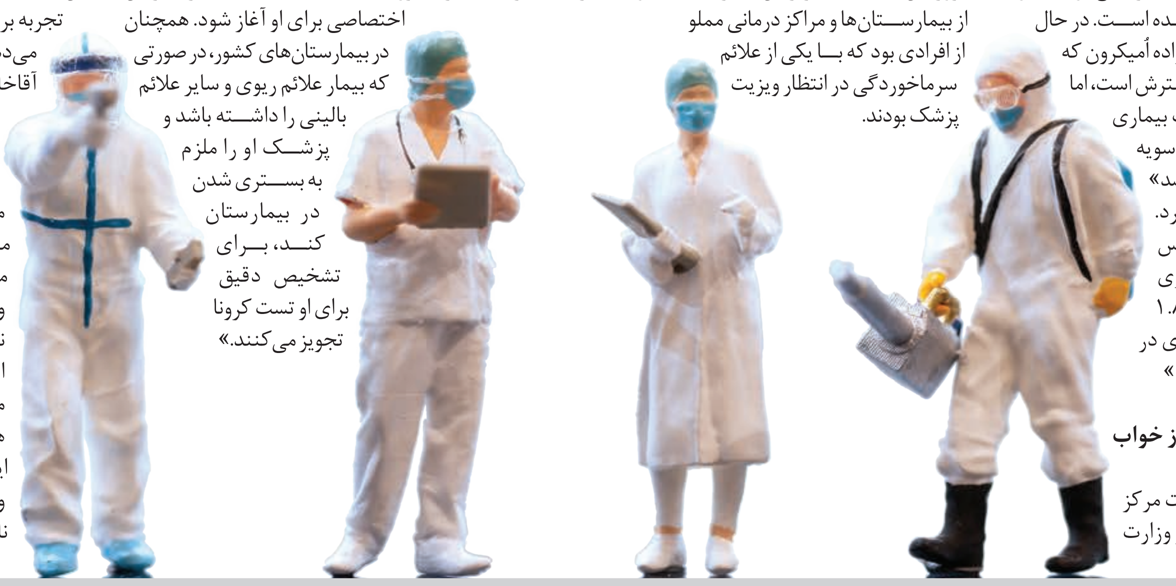

## میراث‌نامه

## سدی بزرگ در برابر سیاست‌های فرزندآوری

سپیده رضایی پیام
کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی

خشونت زایمانی که به عنوان نوعی خشونت جنسیتی در فرآیند زایمان شناخته می‌شود، شامل رفتارهای تحقیرآمیز، سوءاستفاده فیزیکی و روانی، نقض حریم خصوصی و اعمال غیرضروری درمان‌های پزشکی بدون رضایت آگاهانه است. این خشونت‌ها نه‌تنها به سلامت جسمی و روانی مادران آسیب می‌زند بلکه تأثیرات منفی بلندمدت در روابط اجتماعی و خانواده نیز به دنبال دارد.

این موضوع باید به عنوان یک بحران اجتماعی و بهداشتی جدی در نظر گرفته شود، چراکه در نظام‌های اجتماعی که سیاست‌های افزایش جمعیت در اولویت قرار دارند، خشونت زایمانی مانعی بزرگ به حساب می‌آید. زنان بسیاری که به دلایل مختلف از جمله فشارهای اجتماعی یا فرهنگی به زایمان اقدام می‌کنند، پس از تجربه‌های تلخ و خشونت‌آمیز در اتاق‌های زایمان، از تصمیم به فرزندآوری مجدد منصرف می‌شوند. نتایج پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهند که بسیاری از این زنان پس از تجربه خشونت زایمانی، دچار اضطراب‌های پس از زایمان، افسردگی و حتی ترس از تولد مجدد می‌شوند. این تجارب منفی، از میل به مادری و فرزندآوری در بسیاری از زنان می‌کاهد و در نتیجه، به کاهش نرخ زاد و ولد و مشکلات جمعیتی دامن می‌زند.

### چالش‌های ساختاری و فرهنگی

خشونت زایمانی نه‌تنها یک پدیده فردی است، بلکه ریشه‌های آن در نظام‌های بهداشتی، فرهنگی و اجتماعی عمیقاً ریشه دارد. در ایران، مشکلات ساختاری و سیستمی از جمله کمبود نیروی انسانی، فشار کاری زیاد بر کادر درمان و فقدان دستورالعمل‌های مشخص برای احترام به حقوق زنان در فرآیند زایمان، به بروز این خشونت‌ها دامن می‌زند. اما این تنها عامل نیست. باورهای فرهنگی و اجتماعی نابرابری جنسیتی و نهادینه بودن فرهنگ سلطه‌پذیری زنان، باعث می‌شود بسیاری از زنان نتوانند حقوق خود را حین زایمان درخواست یا از آن دفاع کنند.

در فرهنگ عمومی، زایمان برای بسیاری از زنان تنها یک عمل پزشکی نیست، بلکه به‌عنوان یک مرحله طبیعی و حتی فطری در نظر گرفته می‌شود که باید بدون هیچ اعتراض یا درخواست خاصی از سوی زن انجام شود. این دیدگاه، در ترکیب با ناآگاهی زنان از حقوق خود و عدم آموزش کافی برای کادر درمان، شرایطی را ایجاد می‌کند که خشونت زایمانی در بسیاری از موارد نادیده گرفته و به یک مشکل گسترده تبدیل می‌شود.

### خشونت زایمانی و چالش‌های قانونی در ایران

یکی از مهم‌ترین چالش‌های مقابله با خشونت زایمانی در ایران، نبود قوانین روشن و مشخص در این زمینه است. در نظام حقوقی ایران، «خشونت زایمانی» به‌طور خاص تعریف نشده و قوانین موجود در ارتباط با حقوق زنان حین زایمان بسیار مبهم است. در بسیاری از موارد، خشونت‌های مرتبط با زایمان تحت عناوین عمومی مانند ضرب و جرح یا توهین مورد پیگیری قرار می‌گیرد اما این جرائم عمومی قادر به پوشش‌دهی ابعاد خاص خشونت زایمانی نیستند.

به علاوه، نبود آموزش کافی برای کادر درمان در خصوص حقوق بیماران، اخلاق حرفه‌ای و نحوه برخورد محترمانه با زنان حین زایمان، از دیگر دلایل بروز خشونت زایمانی به‌شمار می‌رود. در بسیاری از موارد، پرسنل درمانی که خود در معرض فشارهای کاری و کمبود منابع قرار دارند، قادر به ارائه مراقبت‌های انسانی و حرفه‌ای به زنان باردار نمی‌شوند.

### تأثیر خشونت زایمانی بر سیاست‌های جمعیتی

در حالی که سیاست‌های کشور برای تشویق به فرزندآوری و افزایش جمعیت روی کاغذ بسیار مهم و اساسی است، نباید فراموش کنیم که خشونت زایمانی به عنوان یک مانع روانی، اجتماعی و حتی جسمی برای زنان عمل می‌کند. زنانی که هنگام زایمان با خشونت یا تحقیر مواجه می‌شوند، احتمالاً از تصمیم به فرزندآوری مجدد خودداری می‌کنند.

بنابراین، در شرایطی که سیاست‌گذاران به دنبال افزایش نرخ تولد و پایداری جمعیت هستند، باید به این پدیده توجه ویژه داشته باشند و تمام تلاش خود را برای مقابله با آن به کار گیرند.

### راهکارهای حقوقی و اجتماعی

برای مقابله با خشونت زایمانی و کاهش تأثیرات منفی آن، باید گام‌های اساسی در چندین حوزه برداشته شود:

۱ تدوین قوانین جامع: باید قانونی ویژه و جامع برای حمایت از زنان باردار تدوین شود که به‌طور خاص به خشونت زایمانی پرداخته و حقوق زنان در تمام مراحل بارداری، زایمان و پس از آن را تضمین کند.

۲ آموزش کادر درمان: باید در دوره‌های آموزشی پزشکی و مامایی، مسائل مربوط به حقوق زنان و الزامات اخلاقی در زایمان محترمانه گنجانده شود تا کادر درمان با آگاهی کامل به زنان خدمات دهند.

۳ ایجاد سازوکارهای گزارش‌دهی مؤثر: راه‌اندازی سامانه‌های گزارش‌دهی امن و محرمانه که زنان بتوانند شکایات خود را بدون ترس از برخوردهای تلافی‌جویانه مطرح کنند.

۴ حمایت از زنان قربانی: باید مراکز مشاوره روانی، اجتماعی و حقوقی ویژه برای زنان قربانی خشونت زایمانی ایجاد شود تا آنها بتوانند از حمایت‌های لازم بهره‌مند شوند.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

خشونت زایمانی نه‌تنها به عنوان یک نقض حقوق بشر و کرامت انسانی زنان باید مورد توجه قرار گیرد، بلکه به عنوان یک مانع جدی در برابر سیاست‌های افزایش جمعیت و فرزندآوری کشور نیز باید بررسی شود. در شرایطی که سیاست‌گذاران به دنبال افزایش نرخ تولد و تقویت بنیان‌های خانواده هستند، نمی‌توان این مشکل را نادیده گرفت. توجه به کرامت انسانی زنان در فرایند زایمان، اصلاح سیستم‌های بهداشتی و درمانی و تدوین قوانین حمایتی می‌تواند نقش تعیین کننده‌ای در بهبود شرایط زنان باردار و تحقق اهداف جمعیتی کشور داشته باشد.

اگر امروز اقدامی اساسی در این زمینه انجام نشود، فردا دیگر هیچ سیاست تشویقی نمی‌تواند در برابر تصمیمات زنان برای فرزندآوری تأثیرگذار باشد.

## عددخبر

## به جاده‌های مرگ خوش آمدید!

### تصادف؛ سومین عامل مرگ و میر در کشور است

**جمعیت کشور بیش از ۸۶ میلیون نفر است که بیش از ۴۲ میلیون نفر از این جمعیت گواهینامه دارند، به این معنی که نزدیک به نیمی از جمعیت کشور راننده و دارای گواهینامه هستند. همچنین تعداد وسایل نقلیه کشور، از جمله خودرو و موتورسیکلت، به بیش از ۴۱ و نیم میلیون دستگاه می‌رسد و ایران از نظر تعداد وسایل نقلیه موتوری در رتبه دوازدهم جهان قرار دارد. آمارها نشان می‌دهد تقریباً ۵۰ درصد از خانواده‌های ایرانی دارای خودروی شخصی هستند و بیش از ۹۰ درصد حمل و نقل بار و مسافر در کشور با استفاده از وسایل نقلیه موتوری انجام می‌شود که این امر نشان‌دهنده وابستگی بالای کشور به حمل و نقل وسایل نقلیه موتوری زمینی برای جابه‌جایی کالا و مسافر است. تصادف، سومین عامل مرگ و میر در کشور ماست و روزانه ۵۰ نفر در تصادفات سراسر کشور می‌میرند. این تصادفات فوتی، سالیانه حدود ۹۲ هزار میلیارد تومان خسارت به بار می‌آورند.**

> تصادفات رانندگی از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹ سومین عامل مرگ‌ومیر بوده است

**2.400.000** تصادف سالانه اتفاق می‌افتد

**20.000** نفر سالانه بر اثر تصادفات کشته می‌شوند

**300.000** نفر مجروح می‌شوند

**50.000** نفر روزانه در تصادفات سراسر کشور می‌میرند

**92.000** میلیارد تومان خسارت سالانه تصادفات است

**%17** ۱۷ درصد تصادفات رانندگی سالیانه معادل بیش از ۱۷ درصد بودجه کشوراست

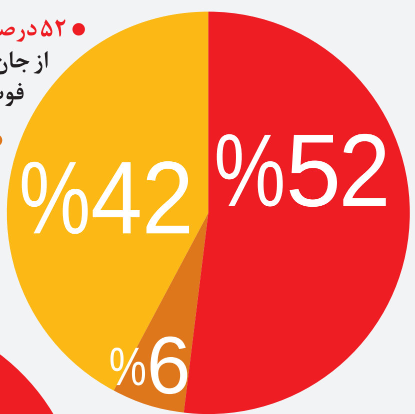


● ۵۲ درصد از جان‌باختگان تصادفات در صحنه فوت می‌کنند

● ۶ درصد در طول مسیر فوت می‌کنند

● ۴۲ درصد در مراکز درمانی فوت می‌کنند

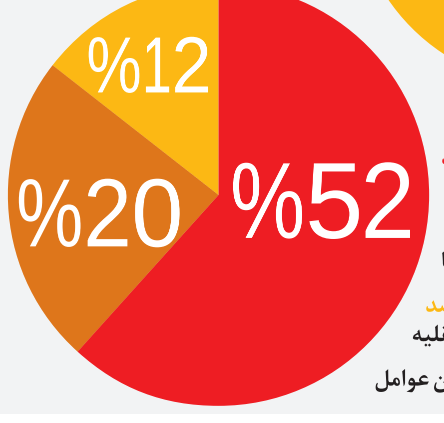


● ۵۲ درصد تصادفات ناشی از خطای انسانی

● ۲۰ درصد به دلیل وضعیت نامناسب راه‌ها

● ۱۲ درصد به علت نقص فنی وسیله نقلیه

مابقی به دلایل مشترک بین این عوامل

# پاس گل ترامپ به ترکیه

## تعرفه‌های آمریکا ضربه‌ای مهلک به صنعت اروپا زده اما فرصت طلایی برای ترکیه فراهم کرده است

**رامتین لطیفی** | سیاست‌های تجاری تهاجمی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، با اعمال تعرفه‌های سنگین بر شرکای تجاری این کشور، موجی از آشوب در بازارهای جهانی به راه انداخته است. اروپا، به‌ویژه بخش‌های صنعتی و صادراتی آن، با تعرفه ۲۰ درصدی بر کالاهای منتخب، در معرض آسیب‌های جدی قرار گرفته است. در این میان، ترکیه با تعرفه سبک‌تر ۱۰ درصدی و موقعیت استراتژیک خود، فرصتی بی‌نظیر برای بهره‌برداری از این تحولات یافته و می‌تواند به مقصدی جذاب برای سرمایه‌گذاری و بازسازی زنجیره‌های تأمین جهانی تبدیل شود.

### اروپا زیر فشار تعرفه‌ها

تعرفه‌های جدید آمریکا که از ۵ آوریل ۲۰۲۵ اجرایی شده‌اند، اقتصاد اروپا را با چالش‌های متعددی روبه‌رو کرده است. طبق تحلیل گلدمن ساکس، شرکت‌های اروپایی که حدود ۳۰ درصد از دارایی‌های خود را در آمریکا دارند، با تهدید دوگانه‌ای مواجه‌اند: تعرفه‌های مستقیم بر محصولات‌شان و کاهش ارزش دلار که سودشان را به یورو کاهش می‌دهد. صنایعی مانند خودروسازی، مواد شیمیایی و داروسازی که بخش عمده صادرات اروپا به آمریکا را تشکیل می‌دهند به ترتیب با ۴۴، ۵۷ و ۵۷ میلیارد یورو مازاد تجاری در سال ۲۰۲۳، بیش از همه در معرض خطرند. شرکت‌هایی مانند «آسهولد دلیز» هلندی با بیش از ۶۰ درصد درآمد از آمریکا، «آشتد گروپ» بریتانیایی با ۷۰ درصد درآمد از آمریکا و «فرسنیوس مدیکال کر» آلمان با ۵۰ درصد درآمد از آمریکا که در بخش‌های خرده‌فروشی، تجهیزات اجاره‌ای و مراقبت‌های بهداشتی فعال‌اند، در خط مقدم این آسیب‌ها قرار دارند. دیگر شرکت‌های پرریسک شامل گروه کترینگ کامپاس، آژانس اعتباری اکسپرین: ناشر آموزشی «پیرسون» و گروه‌های فناوری مانند اسمیتس گروپ هستند. در مقابل، شرکت‌های متمرکز بر بازار داخلی اروپا، مانند شرکت‌های املاک و مستغلات فرانسوی کوویویو و کلپیر یا آلمانی ونوویا به دلیل وابستگی کمتر به صادرات به آمریکا، آسیب کمتری می‌بینند. نگرانی‌ها از رکود اقتصادی در آمریکا که گلدمن ساکس احتمال آن را ۴۵ درصد تخمین زده، پیش‌بینی درآمدی شرکت‌های اروپایی را تیره‌تر هم کرده است. پیش‌بینی‌ها از افت ۷ درصدی سود هر سهم در سال ۲۰۲۵ و رشد صفر در سال ۲۰۲۶ حکایت دارند. در صورت وقوع رکود، بخش‌های چرخه‌ای مانند رسانه و مراقبت‌های بهداشتی ممکن است تا ۴۰ درصد افت سود را تجربه کنند.

### ترکیه در جایگاه برنده

در حالی که اروپا با تبعات تعرفه‌های ۲۰ درصدی دست‌وپنجه نرم می‌کند، ترکیه با تعرفه سبک‌تر ۱۰ درصدی در موقعیت ممتازی قرار گرفته است. این تفاوت تعرفه‌ای، به گفته مهمت شیمشک، وزیر دارایی ترکیه، می‌تواند «مزیت رقابتی» برای بخش‌هایی از اقتصاد این کشور ایجاد کند. ترکیه که هفدهمین اقتصاد بزرگ جهان است، به دلیل تمرکز بر تقاضای داخلی و شبکه گسترده توافقنامه‌های تجارت آزاد با ۵۴ کشور که خارج از آمریکا و اتحادیه اروپا هستند، کمتر از ۲ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را در معرض تقاضای مستقیم آمریکا دارد. صادرات ترکیه به آمریکا در سال ۲۰۲۴ حدود ۱۶.۷ میلیارد دلار بود، در حالی که صادرات این کشور به اتحادیه اروپا به ۱۰۸.۷ میلیارد دلار رسید. شکیب آوداگیچ، رئیس اتاق بازرگانی استانبول، پیشنهاد داده که شرکت‌های چینی، که با تعرفه ۱۰۴ درصدی آمریکا روبه‌رو هستند، به فکر احداث کارخانه در ترکیه بیفتند تا از تعرفه پایین‌تر این کشور برای صادرات به آمریکا استفاده کنند. گورکان ییلدیریم، رئیس انجمن تجار جوان ترکیه نیز تأکید می‌کند که با ایجاد محیط سرمایه‌گذاری مناسب، ترکیه می‌تواند این شرکت‌ها، به ویژه شرکت‌های اروپایی را جذب کند. ترکیه، با عقد اتحاد گمرکی با اتحادیه اروپا که محدودیت‌های تجاری را حذف می‌کند، می‌تواند علاوه بر صادرات به آمریکا با تعرفه کمتر، به‌عنوان پلی بین بازارهای شرق و غرب عمل کند و به مرکز جدیدی برای تولید و صادرات تبدیل شود. در مقابل، اروپا با چالش‌های ساختاری روبه‌روست. کاهش صادرات به آمریکا که در سال ۲۰۲۳ بالغ بر ۵۰۳.۸ میلیارد یورو بود، می‌تواند رشد اقتصادی منطقه را تضعیف کند. پاسخ اروپا که ترکیبی از مذاکره، تعرفه‌های تلافی‌جویانه و تقویت روابط تجاری با شرکای غیرآمریکایی است، ممکن است زمانبر باشد و در کوتاه‌مدت نتواند خسارات را جبران کند. در این میان، ترکیه با انعطاف‌پذیری تجاری و موقعیت ژئوپلیتیک خود، می‌تواند از آشوب تجارت جهانی به نفع خود بهره ببرد، مشروط بر اینکه استراتژی‌های صادراتی خود را تقویت کرده و محیطی جذاب برای سرمایه‌گذاری ایجاد کند.

چهره روز

**سلنا گومز، خواننده محبوب ۳۲ ساله که بیشترین تعداد دنبال‌کننده در اینستاگرام بین زنان حاضر در فضای مجازی را دارد، دیروز همراه با بنی بلانکو، آهنگساز ۳۷ به تماشای مسابقه فوتبال آمریکایی بین تیم‌های سلتیک و نیکس رفت. این دو به تازگی نامزدی خود را اعلام کردند و از این رو در ورزشگاه به طور مضاعف مورد توجه قرار گرفتند و توسط گزارشگر بازی «دو پرنده عاشق» نامیده و توسط هواداران هر دو تیم تشویق شدند.**

عکس روز

# شبی رویایی در قلب تاریخ هنر

## اقامت بی‌سابقه در گالری ملی لندن به مناسبت دویستمین سالگرد تاسیس

برای اولین‌بار در تاریخ، گالری ملی لندن به مناسبت دویستمین سالگرد تأسیس خود، فرصتی استثنایی به یک فرد خوش‌شانس هدیه می‌دهد: اقامتی یکشبه در میان شاهکارهای بی‌نظیر هنری جهان! تصور کنید صبح با سکوتی جادویی از خواب بیدار می‌شوید؛ نه سکوت روستاها، بلکه سکوتی که در میان قاب‌های طلاکوب، قلم‌موهای آسمانی و قرن‌ها تاریخ هنر جهان نفس می‌کشد.

این رویا نیست؛ شما در بستری لوکس، درست در قلب گالری ملی لندن هستید. این موسسه معتبر در لندن که بیش از ۲۳۰۰ اثر هنری از قرن سیزدهم تا اوایل قرن بیستم را در خود جای داده، حالا در اقدامی بی‌سابقه، یکی از علاقه‌مندان را دعوت می‌کند تا شبی فراموش‌نشدنی را در این گنجینه جهانی سپری کند. این رویداد همچنین به مناسبت دویستمین سالگرد گالری برگزار می‌شود و شامل اقامت در بستری مجلل در بخش تازه‌نوسازی‌شده «سِینزبِری وینگ»، همراه با یک تور خصوصی از آثار برجسته گالری است.

### ثبت‌نام برای عموم آزاد است!

برای شرکت در این بخت‌آزمایی رویایی، کافی است تا ساعت ۶ عصر ۲۸ آوریل (۹ اردیبهشت ۱۴۰۴) در خبرنامه گالری ملی ثبت‌نام کنید. برنده خوش‌شانس، علاوه بر اقامت، از یک شام دو نفره در رستوران جدید «لوکاتلی» که توسط سرآشپز ستاره‌دار میشلن، جورجو لوکاتلی، اداره می‌شود، لذت خواهد برد. این اولین تجربه گالری در خلق لحظات شبانه نیست.

اوایل امسال، نمایشگاه پرطرفدار «ون‌گوگ: شاعران و عاشقان» به مدت ۲۴ ساعت باز ماند و بیش از ۶۰ اثر از دو سال پایانی زندگی ون‌گوگ را به نمایش گذاشت. این نمایشگاه که به‌عنوان «رویداد یک‌بار در قرن» توصیف شد، بازدیدکنندگان را از مزارع آرل تا آسمان پرستاره ون‌گوگ برد اما هیچگاه پیش از این، کسی اجازه نداشته در فضای گالری شب را به صبح برساند.

### درباره گالری ملی لندن

گالری ملی لندن که در سال ۱۸۲۴ تأسیس شد، یکی از مهم‌ترین موزه‌های هنری جهان است و سالانه بیش از ۶ میلیون بازدیدکننده را به خود جذب می‌کند. این گالری در میدان ترافالگار لندن قرار دارد و مجموعه‌ای بی‌نظیر از نقاشی‌های اروپایی را در بر می‌گیرد، از جمله آثاری از لئوناردو داوینچی، میکل‌آنژ، رامبرانت، مونه و ون‌گوگ. بخش «سِینزبِری وینگ» که پس از دو سال بازسازی گسترده در ماه می ۲۰۲۵ (اردیبهشت ۱۴۰۴) بازگشایی می‌شود، میزبان برخی از قدیمی‌ترین و ارزشمندترین آثار گالری خواهد بود. از جمله این آثار می‌توان به «تعمید مسیح» اثر پیِرو دلا فرانچسکا، قدیمی‌ترین نقاشی گالری از سال ۱۴۵۰ میلادی، اشاره کرد که در فضایی شبیه یک کلیسای کوچک به نمایش درمی‌آید. همچنین، تابلوی «نبرد سان رومانو» اثر پائولو اوچلو، پس از سه سال مرمت دقیق، بار دیگر در این بخش رونمایی خواهد شد. گالری ملی نه‌تنها یک موزه، بلکه نمادی از تاریخ و فرهنگ جهانی است که با برنامه‌های خلاقانه‌ای مانند این اقامت شبانه، همچنان درخشش خود را حفظ می‌کند.

## ترندهای پنج کشور جهان در گوگل

یلوزون

# دی‌دی چشم‌انتظار عفو ملوکانه ترامپ

**دو غول رسانه‌ای نیویورکی که روزگاری با برنامه‌های تلویزیونی پرطرفدارشان در دهه ۲۰۰۰ جویندگان موفقیت را به چالش می‌کشیدند، حالا بار دیگر در مرکز توجه قرار گرفته‌اند. شان دی‌دی و دونالد ترامپ سال‌هاست که یکدیگر را می‌شناسند اما آیا این دوستی قدیمی می‌تواند برای رپر جنجالی که اکنون در مخمصه‌ای بزرگ گرفتار شده، نجات‌دهنده باشد؟ دی‌دی، ستاره‌ای که زمانی با درخشش در دنیای موسیقی و تجارت همه را مبهوت کرد، حالا در زندان و در انتظار محاکمه به اتهام قاچاق جنسی و تجاوز است. دی‌دی قرار است ۵ می برای آغاز محاکمه‌اش به دادگاه بازگردد اما منابع نزدیک به او می‌گویند او امیدش به دوست قدیمی‌اش، دونالد ترامپ است تا با عفو او را از این مخمصه نجات دهد. راب شاتر، روزنامه‌نگار، به رادار آنلاین گفته است: «دونالد همیشه به مهمانی‌های افسانه‌ای دی‌دی دعوت می‌شد. آنها سال‌هاست که همدیگر را می‌شناسند. دی‌دی شیفته جسارت و خودنمایی‌های ترامپ بود و بخشی از برند خودش را براساس همین انرژی ساخت.» گفتنی است، دی‌دی بارها از ترامپ تعریف کرده و ترامپ هم در یکی از اپیزودهای برنامه «کارآموز» از او به عنوان «دوست خوبم» یاد کرده بود. با توجه به دوستی قدیمی این دو، هیچ چیز غیرممکن نیست.**

ینگه دنیا

# رشد ارزش ملک در آمریکا؛ موهبتی دردسرآفرین؟

## رشد ۸۰ درصدی قیمت خانه در ۵ سال اخیر، موجب افزایش هزینه خانواده‌های آمریکایی شده است

**رامتین لطیفی** | آمریکایی‌ها در حصار دیوارهای خانه‌های‌شان ثروتی عظیم به ارزش ۳۵ تریلیون دلار انباشته کرده‌اند اما این دارایی هنگفت به‌جای آسودگی، چالش‌های مالی جدیدی پیش روی‌شان گذاشته است. در حالی که ارزش خانه‌ها سر به فلک کشیده، مالیات‌های ملکی سرسام‌آور، موانع دریافت وام و حتی کاهش کمک‌هزینه‌های تحصیلی، بسیاری از صاحبان خانه را در تنگنا قرار داده است. این تناقض عجیب نشان می‌دهد که مالکیت خانه، برخلاف گذشته، دیگر تضمینی برای رفاه مالی نیست.

### جهش ارزش خانه‌ها و مالیات‌های کمرشکن

از سال ۲۰۲۰، ارزش خانه‌ها در آمریکا نزدیک به ۸۰ درصد افزایش یافته و ثروت ملکی از ۱۹.۵ به ۳۵ تریلیون دلار رسیده است. به گزارش فدرال رزرو، این رشد تقریبا دو برابر افزایش ثروت مالی (مانند سهام و اوراق قرضه) تا پایان ۲۰۲۴ بوده است. برای مثال، نیکول فلورس و روکو ساویج در سال ۲۰۲۱ خانه‌ای ۸۷۵ هزار دلاری در میامی خریدند. امروز ارزش خانه‌شان به ۱.۳۵ میلیون دلار رسیده و دارایی ملکی‌شان ۵۲۵ هزار دلار رشد کرده اما این موفقیت کاغذی هزینه‌ای گزاف داشته: مالیات ملکی سالانه آنها با بیش از ۵۰ درصد افزایش، به ۲۱ هزار دلار رسیده و آنها را وادار به کاهش هزینه‌های غیرضروری کرده است. روکو می‌گوید: «اگر مالیات‌ها همین‌طور بالا برود، حتی با پرداخت کامل وام خانه، انگار هنوز اجاره‌نشینم.» طبق گزارش آتوم، متوسط مالیات خانه‌های تک‌خانوار در آمریکا در سال ۲۰۲۳ به ۴۰۶۲ دلار رسید که ۱۴ درصد بیشتر از سال ۲۰۱۹ است. در برخی شهرها مانند آکرون (اوهایو) این مالیات بین ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳ بیش از ۱۰۶ درصد افزایش یافته است.

### ثروت قفل‌شده در دیوارها

دارایی ملکی قرار بود یک سرمایه نقدشونده باشد که در مواقع نیاز بتوان از آن بهره برد، اما حالا تبدیل به گنجی «قفل‌شده» شده است. نرخ‌های بالای بهره، استانداردهای سختگیرانه وام‌دهی و ترس از مالیات‌های کلان بر سود سرمایه، بسیاری از صاحبان خانه را از فروش یا استفاده از این دارایی بازمی‌دارد. در سال ۲۰۲۴، فروش خانه در آمریکا به پایین‌ترین سطح از سال ۱۹۹۵ رسید و حتی با افزایش اندک در فوریه ۲۰۲۵، بازار همچنان راکد است. لری مک‌کنزی، نوازنده ۶۸ ساله، آپارتمانی دوخوابه با منظره اقیانوس در نزدیکی دیتونا بیچ فلوریدا دارد که گهگاه از آن استفاده می‌کند و بقیه اوقات آن را اجاره می‌دهد. ارزش این ملک در سال‌های اخیر به حدود ۵۰۰ هزار دلار رسیده، اما هزینه‌های بیمه و شارژ ساختمان هم بالا رفته است. او برای جبران هزینه‌ها، آپارتمان را در فصل پررونق تا ماهانه ۶ هزار دلار اجاره می‌دهد. با این حال، وقتی با امتیاز اعتباری عالی ۸۳۳ برای دریافت وام با پشتوانه ملک به بانک و اتحادیه اعتباری مراجعه کرد، درخواستش رد شد، چون املاکی که اجاره داده شده‌اند، مشمول وام نمی‌شوند. او می‌گوید: «باورم نمی‌شود که نمی‌توانم از دارایی ۵۰۰ هزار دلاری که کاملاً مال خودم است، وام بگیرم.» به گفته آی‌سی‌ای مورتگیج، در سال ۲۰۲۴ تنها ۰.۴۱ درصد از دارایی ملکی موجود به وام تبدیل و از آن برداشت شد؛ این رقم بسیار کمتر از میانگین ۰.۹۲ درصدی دهه پیش از افزایش نرخ بهره توسط فدرال رزرو در ۲۰۲۲ است.

### رویای مالکیت در بوته آزمایش

مالکیت خانه در آمریکا برای نسل‌ها نماد موفقیت مالی بود اما حالا بسیاری از صاحبان خانه احساس ناامنی مالی می‌کنند. افزایش ارزش خانه‌ها نه‌تنها به معنای ثروت نقدشونده نیست، بلکه گاهی موانعی مثل کاهش کمک‌هزینه تحصیلی ایجاد می‌کند. برخی دانشگاه‌ها، مانند دانشگاه نیویورک و اِموری، ارزش دارایی ملکی را در محاسبات کمک‌هزینه در نظر می‌گیرند و این می‌تواند تا ۵ درصد از ارزش خانه را از کمک‌هزینه خانواده‌ها کم کند. مالیات بر سود سرمایه به مانعی برای فروش خانه‌ها تبدیل شده است. در سال ۲۰۲۳، حدود ۸ درصد از معاملات فروش خانه سودی بیش از ۵۰۰ هزار دلار به همراه داشت که سقف معافیت مالیاتی برای زوج‌های متأهل است. این رقم در مقایسه با سال ۲۰۱۹ بیش از دو برابر شده و باعث شده بسیاری از صاحبان خانه به جای فروش، ملک خود را نگه دارند تا از پرداخت مالیات‌های سنگین اجتناب کنند. دانا کول، وکیل ۷۰ ساله در کالیفرنیا، آپارتمانی به ارزش ۱.۲ میلیون دلار دارد که در سال ۱۹۸۶ به قیمت ۲۳۵ هزار دلار خریده بود. او تخمین می‌زند که فروش این ملک، مالیاتی حدود ۳۰۰ هزار دلار به همراه داشته باشد. به همین دلیل، ترجیح داده آن را نگه دارد تا بعدها به دخترش منتقل کند، چون املاک در زمان فوت از مالیات بر سود سرمایه معاف هستند.

در عین حال، نوسانات بازار سهام که با سیاست‌های جدید مثل طرح تعرفه‌های رئیس‌جمهور ترامپ تشدید شده، فشار بیشتری بر دیگر منابع ثروت خانوارها، مانند حساب‌های بازنشستگی، وارد کرده است. تورم هم که همچنان بالای هدف فدرال رزرو است، هزینه‌های زندگی مثل مهدکودک، رستوران و نگهداری خانه را بالا برده و فشار مضاعفی به صاحبان خانه وارد کرده است. برای کسانی که توان خرید خانه ندارند، داشتن چنین دارایی ممکن است یک مشکل لوکس به نظر برسد اما برای صاحبان خانه، این فشار مالی کاملا واقعی و خردکننده است.

کیوسک

THE WALL STREET JOURNAL.
Scientists Aim to Mirror Long-Extinct Wolf
Massive Selloff Batters Buyers On Dip
Broad U.S. Tariffs Take Effect As China Vows 'Fight to the End'

ALAN TURING'S SECRET WWII NOTEBOOKS SAVED FOR THE NATION
James Moore Mortgage wars – has the 'Trump slump' done homebuyers a favour?
The INDEPENDENT
Chinese soldiers caught fighting for Putin in Ukraine
Zelensky releases video of Chinese citizen captured alongside Russian forces near Donetsk and says there are 'many more' still on the front line inside his country as he demands an explanation from Beijing
ALEX CROFT

ایندیپندنت، عکس و تیتر اصلی خود را به دستگیری دو سرباز چینی در میدان جنگ توسط نیروهای اوکراینی اختصاص داد. این خبر، جنگ را وارد دوران جدیدی خواهد کرد.

وال استریت ژورنال تیتر خود را به جنگ تعرفه‌ای متقابل چین و آمریکا اختصاص داد و از وضع تعرفه ۱۰۴ درصدی بر کالاهای چینی توسط دونالد ترامپ نوشت.

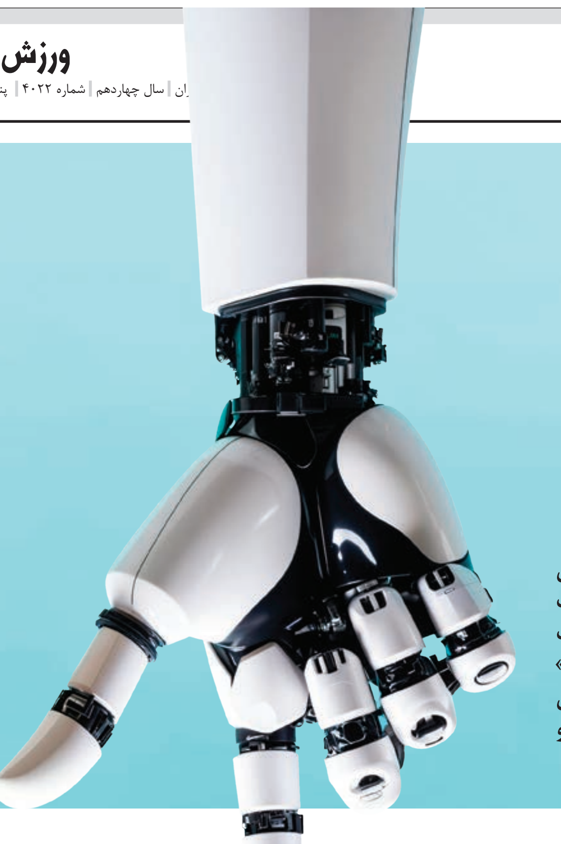

هوش مصنوعی به ادعای علیرضا دبیر درباره پیروزی دیوید تیلور مقابل حسن یزدانی با استناد به تحلیل داده‌ها پاسخ داد

# نه کشتی می‌گیرم نه فن اجرا می‌کنم

**گروه ورزش | علیرضا دبیر رئیس فدراسیون کشتی اعلام کرده که این فدراسیون ۵۰۰ میلیارد تومان در زمینه هوش مصنوعی سرمایه‌گذاری کرده است. دبیر همچنین در بخش دیگری با اشاره به اهمیت موضوع استفاده از هوش مصنوعی گفته: «جالب است به شما بگویم که دیوید تیلور در خیلی از مسابقات با هوش مصنوعی، حسن یزدانی را برده! به هر حال دیگر باید به این حوزه ورود می‌کردیم تا عقب نمانیم.» اشاره دبیر به رقابت حسن یزدانی و دیوید تیلور است که اغلب با موفقیت حریف آمریکایی مقابل قهرمان ایرانی همراه بوده است. در این رابطه به سراغ دو هوش مصنوعی چت جی‌بی‌تی از شرکت اوپن ای آی و همچنین دیپ‌سیک رفتیم و در رابطه با ادعای رئیس فدراسیون کشتی از آنها سوال کردیم.**

**۷**
**ادعای مطرح‌شده تأیید نشده و به نظر می‌رسد شایعه یا سوءتفاهمی رسانه‌ای باشد. اگر منظور از ادعای مطرح‌شده این باشد که دیوید تیلور یا تیم ملی کشتی آمریکا از هوش مصنوعی برای تحلیل عملکرد حسن یزدانی استفاده کرده‌اند، این موضوع ممکن است تا حدی درست باشد اما نیاز به توضیح و تفکیک دارد**

در پاسخ به ادعای علیرضا دبیر، چت جی‌بی‌تی چنین پاسخ داد:

من، به‌عنوان یک سیستم هوش مصنوعی، نه کشتی می‌گیرم، نه فن اجرا می‌کنم و نه به‌تنهایی پیروزی در رقابت‌های المپیک را تضمین می‌کنم.

استفاده از من در ورزش، همانطور که در سایر حوزه‌ها نیز رایج شده، بیشتر به‌عنوان ابزار تحلیل داده، پردازش و پیش‌بینی رفتارهای احتمالی حریفان است. من می‌توانم به مربی و تیم آنالیز کمک کنم تا ویدئوهای متعدد را بررسی کنند، الگوها را تشخیص دهند و تصمیم‌های بهتری بگیرند اما... نه من می‌دانم تیلور چه می‌خورد، نه از استراتژی ذهنی‌اش آگاهم و مطمئناً، خودم را برنده هیچ مدالی نمی‌دانم. اگر دیوید تیلور در مسابقه‌ای پیروز شده، حاصل ترکیبی است از تمرین، تاکتیک، توان جسمانی، تجربه فنی و البته رقیبی قابل به‌نام حسن یزدانی. تکنولوژی ممکن است در حاشیه کمک کرده باشد اما ستاره اصلی، هنوز انسان است.

در ادامه این پاسخ آمده: در تاریخ ۹ آوریل ۲۰۲۵، علیرضا دبیر، رئیس فدراسیون کشتی ایران، اعلام کرد دیوید تیلور با استفاده از هوش مصنوعی موفق به شکست حسن یزدانی شده است. وی همچنین اظهار داشت که فدراسیون کشتی ایران حدود ۵۰۰ میلیارد تومان در زمینه هوش مصنوعی سرمایه‌گذاری کرده است.

● **بررسی صحت ادعا:** تا کنون، شواهد مستقیمی مبنی بر اینکه دیوید تیلور به‌طور خاص از هوش مصنوعی برای شکست حسن یزدانی استفاده کرده باشد، در دسترس نیست. با این حال، استفاده از فناوری‌های پیشرفته در ورزش‌های رقابتی، به‌ویژه در کشورهایی مانند ایالات متحده، رایج است. هوش مصنوعی می‌تواند در زمینه‌های زیر به بهبود عملکرد ورزشکاران کمک کند.

● **تحلیل عملکرد و پیش‌بینی موفقیت:** برنامه‌های مبتنی بر هوش مصنوعی قادرند عملکرد ورزشکاران را تحلیل کرده و موفقیت‌های رقابتی آنها را پیش‌بینی کنند. مطالعه‌ای نشان داده است که این برنامه‌ها می‌توانند با دقت بالایی موفقیت کشتی‌گیران را پیش‌بینی کنند. (منبع پی‌ام‌سی)

● **شناسایی استعدادها:** کمیته بین‌المللی المپیک (IOC) برنامه‌هایی برای استفاده از هوش مصنوعی در شناسایی استعدادهای ورزشی در مناطق کمتر توسعه‌یافته دارد. به‌عنوان مثال، پروژه‌ای در سنگال با استفاده از هوش مصنوعی به شناسایی ۴۰ کودک با استعداد ورزشی کمک کرده است. (منبع گاردین)

● **شخصی‌سازی تمرینات:** هوش مصنوعی می‌تواند برنامه‌های تمرینی را براساس نیازهای فردی ورزشکاران تنظیم کرده و به بهبود عملکرد آن‌ها کمک کند.

● **بهبود داوری و قضاوت:** استفاده از هوش مصنوعی در تحلیل حرکات ورزشی می‌تواند به داوران در ارزیابی دقیق‌تر عملکرد ورزشکاران کمک کرده و عدالت در قضاوت‌ها را افزایش دهد.

**جمع‌بندی: اگرچه شواهد مستقیمی از استفاده دیوید تیلور از هوش مصنوعی برای شکست حسن یزدانی وجود ندارد اما استفاده از فناوری‌های پیشرفته و هوش مصنوعی در ورزش‌های رقابتی به‌طور فزاینده‌ای در حال گسترش است. این فناوری‌ها می‌توانند در تحلیل عملکرد، شناسایی استعدادها، شخصی‌سازی تمرینات و بهبود داوری نقش مهمی ایفا کنند.**

دیپ سیک نیز درباره آنچه دبیر در ارتباط با بردهای تیلور با کمک هوش مصنوعی گفته است پاسخ داد:

درباره ادعای استفاده دیوید تیلور (کشتی‌گیر آمریکایی) از هوش مصنوعی برای شکست حسن یزدانی، تحقیقاتم نشان می‌دهد که هیچ منبع معتبری این ادعا را تأیید نکرده است. در ادامه، جزئیات را بررسی می‌کنم:

● **منشأ شایعه:** این ادعا احتمالاً از ترکیب دو موضوع واقعی و یک تفسیر نادرست نشات گرفته است:

● **واقعیت اول:** دیوید تیلور و حسن یزدانی رقابت‌های شدیدی در کشتی آزاد داشته‌اند (مثلاً در مسابقات قهرمانی جهان ۲۰۲۱ که تیلور برنده شد).

● **واقعیت دوم:** برخی تیم‌های ورزشی از فن‌آوری (مثل تحلیل داده یا تصاویر) برای بهبود عملکرد استفاده می‌کنند.

● **تحریف:** ادعای استفاده از «هوش مصنوعی» به شکل مستقیم در میدان رقابت ممکن است اغراق یا سوءبرداشت باشد.

**استفاده از فناوری در کشتی:** تیم‌های ملی برخی کشورها (از جمله آمریکا) از نرم‌افزارهای تحلیل ویدئویی یا آمار پیشرفته برای مطالعه حریفان استفاده می‌کنند اما این به معنای «شکست دادن با هوش مصنوعی» نیست. حتی اگر تیلور از چنین ابزاری بهره برده باشد، این یک روش قانونی و متداول در ورزش‌های حرفه‌ای است و ارتباطی به «هوش مصنوعی به عنوان بازیکن» ندارد.

**منابع غیررسمی و شایعات:** برخی صفحات اجتماعی یا فروم‌های ورزشی ممکن است چنین ادعاهایی را مطرح کنند اما اینها معمولاً فاقد سندیت هستند. احتمال دارد این شایعه از ترجمه نادرست یک مقاله یا تفسیر اشتباه از استفاده کلی فناوری در ورزش نشات گرفته باشد.

**نتیجه‌گیری:** ادعای مطرح‌شده تأیید نشده و به نظر می‌رسد شایعه یا سوءتفاهمی رسانه‌ای باشد. اگر منظور از ادعای مطرح‌شده این باشد که دیوید تیلور یا تیم ملی کشتی آمریکا از هوش مصنوعی برای تحلیل عملکرد حسن یزدانی استفاده کرده‌اند، این موضوع ممکن است تا حدی درست باشد اما نیاز به توضیح و تفکیک دارد. در ادامه، این مسئله را دقیق‌تر بررسی می‌کنیم:

**استفاده از هوش مصنوعی در ورزش حرفه‌ای:** بسیاری از تیم‌های ورزشی پیشرفته (از جمله در کشتی، فوتبال، یا بسکتبال) از فن‌آوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی برای موارد زیر استفاده می‌کنند:

**تحلیل ویدئویی:** بررسی حرکات، ضعف‌ها و الگوهای حریفان.

پیش‌بینی استراتژی: مثلاً پیش‌بینی حرکات احتمالی یزدانی در موقعیت‌های خاص.

**بهینه‌سازی تمرینات:** طراحی تمرینات شخصی‌سازی‌شده برای مقابله با حریف.

**آیا تیم آمریکا از هوش مصنوعی علیه یزدانی استفاده کرده؟** هیچ گزارش رسمی وجود ندارد که ثابت کند تیلور یا تیم آمریکا به‌طور خاص از هوش مصنوعی فقط برای تحلیل یزدانی استفاده کرده‌اند اما به‌طور کلی، تیم ملی کشتی آمریکا از فن‌آوری‌های پیشرفته تحلیل داده استفاده می‌کند که ممکن است شامل ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی باشد. برای مثال: سیستم‌های Computer Vision برای بررسی تکنیک‌های کشتی‌گیران. نرم‌افزارهای آمار پیشرفته مثل Trackwrestling یا سایر پلتفرم‌ها.

**نمونه‌های واقعی از استفاده هوش مصنوعی در کشتی:** برنامه Scout: برخی تیم‌ها از نرم‌افزارهایی استفاده می‌کنند که با تحلیل ویدئوهای مسابقات قبلی، نقاط قوت و ضعف حریف را نشان می‌دهند.

دستگاه‌های پوشیدنی: برخی کشتی‌گیران از سنسورهایی استفاده می‌کنند که داده‌های فیزیولوژیکی (مثل ضربان قلب، خستگی) را تحلیل می‌کنند اما این‌ها مختص تیلور یا یزدانی نیستند و در سطح جهانی استفاده می‌شوند.

**چرا این ادعا مطرح شده؟** برداشت رسانه‌ای: ممکن است رسانه‌ها تحلیل داده‌های پیشرفته را با هوش مصنوعی اشتباه گرفته باشند.

**تبلیغات:** گاهی اوقات واژه «هوش مصنوعی» جذابیت خبری ایجاد می‌کند، حتی اگر استفاده از آن دقیق نباشد.

**رقابت فناورانه:** تیم آمریکا به استفاده از تکنولوژی معروف است، بنابراین طبیعی است که چنین شایعاتی شکل بگیرد.

**نتیجه‌گیری: اگر ادعا این باشد که تیلور از تحلیل‌های مبتنی بر هوش مصنوعی برای مطالعه یزدانی استفاده کرده، امکان‌پذیر است اما این یک روش عمومی در ورزش حرفه‌ای است و هیچ مدرکی نشان نمی‌دهد که این کار به‌طور انحصاری علیه یزدانی انجام شده باشد. اگر ادعا این باشد که هوش مصنوعی مستقیماً حین مسابقه به تیلور کمک کرده (مثل یک ربات یا نرم‌افزار بلادرنگ)، این نادرست است و چنین فن‌آوری وجود ندارد.**

## گزارش

هفته بیست و ششم لیگ برتر

## دیدار پرسپولیس و اسطوره در قائمشهر

**لیگ برتر فوتبال ایران با انجام ۷ بازی در هفته بیست و ششم پا به مرحله‌ای مهم و حساس می‌گذارد. روز جمعه تراکتور مدعی درجه یک قهرمانی در یزد میهمان چادرملو است. سپاهان رده دومی در اصفهان از مس‌رفسنجان میزبانی می‌کند. پرسپولیس که هفته گذشته تقریبا شانس قهرمانی را از دست داد نیز برای بقا در جمع مدعیان در قائمشهر به مصاف نساجی می‌رود.**

### چادرملو- تراکتور

تراکتور با برد در بازی حساس برابر استقلال گام مهمی به سوی قهرمانی برداشت. آن‌ها تا پیش از بازی برابر چادرملو با یک بازی کمتر و ۴ امتیاز بیشتر نسبت به سپاهان صدرنشین هستند. شاگردان اسکوچیچ در حالی باید در زمین حریف بازی کنند که به خوبی می‌دانند برد در این مسابقه چه ارزشی دارد و چقدر می‌تواند قهرمانی را نزدیک‌تر کند. در بازی رفت تراکتور در تبریز و در یک بازی نزدیک با تک گل مهدی هاشم‌نژاد به پیروزی رسید. اما شرایط نسبت به آن زمان کاملا تفاوت دارد و این تراکتور به مراتب هماهنگ‌تر و قوی‌تر است. چادرملو که این فصل به لیگ‌برتر آمده اکنون در رتبه قابل قبول هشتم است اما این تیم در ۵ بازی آخرش ۴ شکست را تجربه کرده است. تراکتور در صورت برد در فاصله ۵ هفته مانده به پایان بازی‌ها جای پایش را روی سکوی قهرمانی محکم‌تر خواهد کرد. اما در صورتی که چادرملو شگفتی‌ساز شود آن وقت در صورتی که سپاهان و حتی پرسپولیس ببرند بار دیگر کورس قهرمانی داغ خواهد شد.

### سپاهان- مس رفسنجان

سپاهان هفته قبل به خوبی از نتیجه ضعیف پرسپولیس استفاده کرد و رتبه دوم را از این تیم پس گرفت و دوباره تبدیل به اصلی‌ترین رقیب تراکتور در قهرمانی شد. اما شاگردان کارترون در ۵ بازی آخرشان ۴ مساوی کسب کرده‌اند و این یکی از دلایلی است که باعث شده تراکتور در صدر جدول تنها باشد. با این حال سپاهان در اصفهان به مصاف مس رفسنجانی که می‌رود که یکی از شانس‌های سقوط است. این تیم که با حواشی بزرگی کارش را در این فصل آغاز کرد، در این مقطع حساس درگیر حواشی و اختلافات درونی شده است. بازی رفت دو تیم را در رفسنجان سپاهان با سه گل برنده شد.

### نساجی مازندران- پرسپولیس

اسماعیل کارتال کار بسیار دشواری برای بازگرداندن تیمش به کورس قهرمانی دارد. پرسپولیس تمامی فرصت‌های موجود را در هفته‌های اخیر از دست داد تا فاصله‌اش به اندازه‌ای زیاد شود که حتی جدی‌ترین هوادارانش نیز کمتر امیدی به تکرار موفقیت‌های فصل قبل داشته باشند. احتمالا پرسپولیسی‌ها در پایان فصل افسوس بازی خانگی مهمی مثل استقلال خوزستان را که از دست دادند یا شکست برابر شمس‌آذر را بخورند؛ با این حال این به آن معنا نیست که پرسپولیس فقط کورس یا شانس حضور در لیگ نخبگان را از دست می‌دهد. این تیم باید در قائمشهر به مصاف نساجی برود که در آستانه سقوط است و انتحاری بازی خواهد کرد. پرسپولیس اما اگر نتیجه مناسب نگیرد آن وقت خطر از دست دادن جایگاه سوم را هم دارد. اتفاقی که می‌تواند بدترین نتیجه این تیم را طی ۱۰ سال اخیر رقم بزند. یکی از جالب‌ترین اتفاقات این بازی جدال سیدجلال حسینی کاپیتان و مربی سابق پرسپولیس است که به کادر فنی نساجی پیوسته.

**سوژه روز**

**برنامه بازی‌های هفته بیست و ششم:**
چادرملو- تراکتور
شمس‌آذر- ذوب‌آهن
گل گهر سیرجان- آلومینیوم اراک
ملوان- خیبر خرم‌آباد
استقلال خوزستان- هوادار
سپاهان- مس رفسنجان
نساجی مازندران- پرسپولیس

## اخبار

شایعه عجیب نقل و انتقالاتی

## گزینه تراکتور؛ گلزن تمام‌عیار و دوپینگی

سایت ترانسفرمارکت که اخبار پیرامون نقل و انتقالات فوتبال جهان را پوشش می‌دهد و یکی از معتبرترین‌ها در این زمینه است؛ خبر از علاقه‌مندی تراکتور به یک مهاجم کلمبیایی داد.

دیروز ترانسفر مارکت اعلام کرد هارولد پرسیادو مهاجم مرکزی ۳۰ ساله و کلمبیایی، مورد نظر تراکتور قرار گرفته است. البته که نمی‌توان گفت خبر ترانسفرمارکت کاملا درست است و باید منتظر تایید یا تکذیب باشگاه ماند اما ارتباطات این سایت با مدیربرنامه‌های بین‌المللی این گمانه را کمی جدی‌تر می‌کند.

ترانسفرمارکت احتمال این انتقال را ۴۱درصد ارزیابی کرده و البته قیمتی برای آن تعیین نکرده است. آخرین باشگاهی که هارولد پرسیادو در آن عضویت داشته، سانتوس بوده اما در فصل جدید در تیمی عضویت ندارد و در مسابقه‌ای شرکت نکرده است. او در فصل ۲۰۲۳-۲۰۲۴ در مجموع ۲۵ مسابقه ۱۶ گل زده و ۳ پاس گل هم به هم‌تیمی‌هایش داده است.

اما موضوع قابل توجه درباره این مهاجم گلزن کلمبیایی این است که در دسامبر ۲۰۲۴ او به دلیل مثبت شدن آزمایش دوپینگ مجبور به جدایی از سانتوس لاگونا مکزیک شد. هارولد پرسیادو به دلیل دوپینگ تا سال ۲۰۲۷ از حضور در میادین محروم شد. هرچند او بازیکنی باکیفیت و گلزن است و نقش کلیدی در تیم‌هایی که بازی کرده داشته اما شرایط برای او به گونه‌ای پیش رفته که بعید است بتواند به تیمی بپیوندد. نکته جالب اینجاست که او در زمانی که در سانتوس حضور داشت، درآمدی هفتگی ۲۲۵۰۰ دلار داشت و یکی از گران‌ترین بازیکنان این تیم بود و البته در قهرمانی تیمش نقش ایفا کرد.

بااین وجود باید دید که سایت ترانسفر مارکت به چه دلیلی بازیکنی که به دلیل دوپینگ تا دو سال دیگر محروم است را به تراکتور لینک کرده؟

## گوشه و کنار مستطیل سبز

## عزم کره‌جنوبی برای تصاحب المپیک ۲۰۳۶

مقامات کره‌جنوبی از عزم راسخ این کشور برای میزبانی بازی‌های المپیک تابستانی ۲۰۳۶ در جریان بازدید از مقر کمیته بین‌المللی المپیک (IOC) در روز چهارشنبه خبر دادند. استان جیولا شمالی و مرکز آن جئونجو در ماه فوریه سال جاری از سئول پیشی گرفتند و به نامزد رسمی کره‌جنوبی برای میزبانی المپیک ۲۰۳۶ تبدیل شدند. «ریو سونگ-مین» رئیس کمیته ورزشی و المپیک کره‌جنوبی، ریاست هیات اعزامی را برعهده داشت که روز سه‌شنبه در لوزان با رئیس فعلی کمیته بین‌المللی المپیک «توماس باخ» دیدار کرد. این دیدار بخشی از تلاش‌های کره‌جنوبی برای تقویت کمپین میزبانی این بازی‌ها بود.

سئول پیش‌تر میزبان بازی‌های المپیک تابستانی ۱۹۸۸ بود. در حال حاضر چندین کشور برای کسب افتخار میزبانی المپیک ۲۰۳۶ رقابت می‌کنند که ازجمله می‌توان به هند و آفریقای جنوبی اشاره کرد که هر دو برای اولین بار در تاریخ خود متقاضی میزبانی این بازی‌ها هستند.

پارتی‌بازی مسی برای یک ستاره

## انتقال دی‌بروینه در خطر

گزارش‌ها از احتمال عدم انتقال کوین دی بروینه ستاره بلژیکی به تیم اینتر میامی آمریکایی خبر می‌دهند.

دی بروینه اعلام کرد پس از ۱۰ سال حضور در منچسترسیتی، در پایان فصل جاری از این تیم جدا خواهد شد. نام او اخیراً با باشگاه‌هایی از عربستان سعودی و ایالات متحده، از جمله اینتر میامی، گره خورده است.

اگرچه اینتر میامی با داشتن ستاره‌هایی مانند لیونل مسی، لوئیس سوارز، سرخیو بوسکتس و جوردی آلبا، یکی از قوی‌ترین ترکیب‌های MLS را دارد و دی بروینه می‌تواند کمک بزرگی برای رقابت در جام‌های مختلف باشد اما گزارش The Sun نشان می‌دهد که این انتقال ممکن است به خواست مسی لغو شود! به گفته این گزارش، مسی از مدیریت اینترمیامی خواسته تا به جای دی بروینه، هم‌تیمی سابقش در تیم ملی آرژانتین، آنخل دی ماریا را جذب کند. قرارداد دی ماریا با بنفیکا نیز در تابستان به پایان می‌رسد و او مانند دی بروینه به صورت رایگان قابل جذب خواهد بود.

شهداب یزد- فولاد سیرجان؛ جدال نفسگیر در فینال

## بازی تاج و تخت در سالن فدراسیون

بازی سوم فینال مسابقات قهرمانی باشگاه‌های ایران امروز (پنجشنبه) در سالن فدراسیون والیبال بین دو تیم شهداب یزد و فولادسیرجان برگزار می‌شود. در دو بازی قبلی ابتدا شهداب یزد سه بر یک برنده شد و در بازی دوم این تیم فولاد سیرجان بود که موفق شد با نتیجه سه بر دو حریف را شکست دهد تا همه چیز به بازی سوم کشیده شود.

از این رو بازی سوم دو تیم یک بازی حساس و نفسگیر خواهد بود چراکه قهرمان از این بازی بیرون خواهد آمد. دو تیم ستاره‌های مطرحی در اختیار دارند به‌طوری که در تیم فولاد سیرجان سیدمحمد موسوی، اسماعیل مسافر، علی رمضانی، علی حاجی‌پور، امیرحسین اسفندیار و مهدی مرندی (لیبرو) به عنوان بازیکن و بهروز عطایی به‌عنوان سرمربی حضور دارند. در تیم شهداب نیز علاوه بر مهدی مهدوی به‌عنوان سرمربی امیر غفور، شهروز همایون فرمنش، یونس جوان، مسعود غلامی، خاویر کنسپسیون، علیرضا بهبودی و محمدرضا موذن (لیبرو) نیز حضور دارند.

بازی دو تیم ساعت ۱۶ روز امروز در سالن فدراسیون والیبال برگزار می‌شود.

در بازی‌های گذشته چهره‌های سرشناسی چون احمد دنیامالی وزیر ورزش و جوانان، سید میلاد تقوی رئیس فدراسیون والیبال، محمدرضا داورزنی رئیس اسبق فدراسیون والیبال و مشاور وزیر ورزش، علی‌اصغر مونسان نایب رئیس، امیرحسین منظمی دبیر کل، جبار قوچان‌نژاد رئیس سازمان لیگ و مسئولان دو باشگاه فولاد سیرجان و شهداب یزد تماشاگران بودند.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شرکت هفت صبح ماندگار
سردبیر: افشین امیرشاهی
مدیر هنری: وحید غفاری، دبیر اقتصادی: مهدی خاکی فیروز
دبیر فرهنگ و هنر: عسل آذرپور، دبیر ورزش: امید ذاکری نیا

دبیر حوادث: فاطمه شیخ علیزاده، دبیر جامعه: مهدی علیپور
دبیر صفحه آخر: زینب کاظم خواه، دبیر سیاسی: بابک نبی
دبیر بین‌الملل: رامتین لطیفی، ویراستار: فرزانه اختیاری و مرتضی کلیلی

# هفت صبح

بازنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت ممنوع و قابل پیگیری قانونی است
pr@7sobh.com
www.7sobh.com

نشانی: تهران، خیابان سهروردی جنوبی، خیابان اقلیمی، کوچه شازاد، پلاک ۳
کد پستی ۶۵۳۵۱-۱۵۶۶۷
شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: جام جم
اذان صبح: ۰۴:۱۱ | طلوع آفتاب: ۰۵:۳۸ | اذان ظهر: ۱۲:۰۵ | غروب آفتاب: ۱۸:۳۳ | اذان مغرب: ۱۸:۵۱

## اسکن‌های سه‌بعدی در اعماق دریا
## رازهای تازه‌ای از لحظات پایانی غرق شدن کشتی تایتانیک فاش کرد

# بازخوانی مرگ تایتانیک

## اسکن دیجیتال نشان داد تایتانیک از وسط شکسته، شکاف‌ها و سوراخ‌ها علت اصلی غرق شدن بودند

زینب کاظم‌خواه
دبیرصفحه آخر

چهاردهم آوریل ۱۹۱۲ کمی مانده به نیمه‌شب دیدبان کشتی تایتانیک کوه یخ شناوری را در مسیر کشتی دید و خطر را به کاپیتان کشتی اعلام کرد. به دستور کاپیتان اسمیت تایتانیک به سمت چپ هدایت شد اما با سرعت بالایی که داشت، فرصت کافی برای چرخش به سمت دیگر و فرار از برخورد با کوه یخ را نداشت. تراژدی اتفاق افتاد، کشتی با کوه یخ برخورد کرد و فقط در ده دقیقه اول برخورد، آب بیش از چهار متر بالا آمد. تقلا برای نجات به سرعت شروع شد اما همه نتوانستند سوار قایق‌های نجات شوند، ظرفیت محدود بود و عده‌ای با این کشتی عظیم غرق شدند. تنها بعد از کمی بیش از دو ساعت تایتانیک کاملا به تاریخ پیوسته بود. سال‌هاست که کشتی تایتانیک غرق شده اما از همان زمان غرق شدن، گزارش‌های زیادی درباره تعداد زیاد کوه‌های یخ در اقیانوس اطلس شمالی منتشر شد و پژوهشگران نظریه‌های مختلفی را درباره غرق شدن این کشتی مطرح کردند. اما اخیرا تجزیه و تحلیل دقیق یک اسکن دیجیتال در اندازه کامل تایتانیک بینش جدیدی را در مورد ساعات پایانی کشتی نابود شده تایتانیک آشکار کرده است.

مدل سه‌بعدی دقیق، نشان می‌دهد که کشتی پس از برخورد با کوه یخ در سال ۱۹۱۲ که منجر به کشته شدن ۱۵۰۰ نفر شد، با چه شدتی به دو قسمت تقسیم و غرق شده است. این اسکن، نمای جدیدی از موتورخانه‌ای را ارائه می‌دهد و اظهارات شاهدان عینی را تایید می‌کند که مهندسان تا پایان برای روشن نگه داشتن چراغ‌های کشتی تلاش کردند. و یک شبیه‌سازی رایانه‌ای نیز نشان می‌دهد که سوراخ‌هایی در بدنه به اندازه تکه‌های کاغذ آ چهار منجر به نابودی کشتی شده است. پارکس استفنسون، تحلیلگر تایتانیک می‌گوید: «خود تایتانیک آخرین شاهد عینی بازمانده از فاجعه است و او هنوز داستان‌هایی برای گفتن دارد.»

این اسکن برای یک مستند جدید توسط نشنال جئوگرافیک و تولیدات آتلانتیک به نام «تایتانیک: رستاخیز دیجیتال» بررسی شده است. کشتی شکسته که در عمق ۳۸۰۰ متری در آب‌های یخ‌زده اقیانوس اطلس قرار گرفته، با استفاده از ربات‌های زیر آب نقشه‌برداری شده است. بیش از هفتصدهزار تصویر که از زوایای مختلف گرفته‌شده برای ایجاد «همزاد دیجیتالی» استفاده شده است.

دماغه عظیم در کف دریا به صورت عمودی ایستاده است و شبیه کشتی‌ای است که هنوز در حال سفر است. در فاصله ششصد متری، فلزی پیچ خورده است. خسارات ناشی از برخورد کشتی به کف دریا پس از دو نیم شدن آن بوده است. تکنولوژی نقشه‌برداری جدید، شیوه متفاوتی برای مطالعه این کشتی فراهم کرده است. به گفته پارکس استفنسون، «این مانند یک صحنه جنایت است: باید شواهد را در زمینه مکانی که هستند، ببینید. و داشتن یک دید جامع از کل محل غرق شدن کشتی، کلید درک آن چیزی است که در اینجا اتفاق افتاده.»

این اسکن جزئیات جدیدی از نمای نزدیک را نشان می‌دهد، از جمله سوراخی که به احتمال زیاد توسط کوه یخ ایجاد شده است که این موضوع با گزارش شاهدان عینی بازمانده مبنی بر ورود یخ به کابین برخی افراد در هنگام برخورد، مطابقت دارد.

کارشناسان یکی از موتورخانه‌های عظیم تایتانیک را بررسی کرده‌اند که دیدن آن روی اسکن بسیار آسان است چون این موتورخانه درعقب کشتی قرار دارد جایی که کشتی به دو نیم تقسیم شده است. مسافران در آن زمان گفتند که وقتی کشتی داشت زیر آب می‌رفت هنوز چراغ‌هایش روشن بود. ماکت دیجیتالی نشان می‌دهد که بعضی از دیگ‌های بخار تورفتگی دارند که نشان می‌دهد وقتی داشتند در آب غرق می‌شدند هنوز کار می‌کردند.

در عرشه عقب، دریچه‌ای نیز در حالت باز کشف شده است که نشان می‌دهد بخار همچنان به سمت سیستم تولید برق جریان داشته است. این موضوع به لطف تیمی از مهندسان به رهبری جوزف بل بود که در کشتی ماندند تا زغال سنگ را به داخل کوره‌ها بریزند تا چراغ‌ها روشن بماند. همه آن‌ها در این فاجعه جان باختند، اما اقدامات قهرمانانه‌شان، جان بسیاری را نجات دادند. کار آن‌ها باعث شد که کشتی تا پایان کار کند و به خدمه فرصت داد تا قایق‌های نجات را با کمی نور به جای تاریکی مطلق به دریا بیندازند.

تراژدی انسانی کشتی تایتانیک هنوز بسیار قابل مشاهده است. اموال شخصی مسافران کشتی در کف دریا پخش و پلاست. این اسکن سرنخ‌های جدیدی در مورد آن شب سرد سال ۱۹۱۲ارائه می‌کند، اما سال‌ها طول می‌کشد تا کارشناسان تمام جزئیات این ماکت سه‌بعدی را بررسی کنند.

مهندسان تا لحظه آخر چراغ‌ها را روشن نگه داشتند و دیگ‌های بخار هنگام غرق شدن فعال بودند

### ایرانشهر

# روستاهای ایران در مسیر جهانی شدن

آیا می‌شود روزی روستاهای ایران به نام‌های جهانی شناخته شوند؟ به گفته مدیر کل توسعه گردشگری وزارت میراث‌فرهنگی، چند روستای ایرانی از جمله سهیلی هرمزگان، کندلوس مازندران و پالنگان کردستان در مسیر تبدیل شدن به روستاهای جهانی قرار دارند. این روستاها با جاذبه‌های طبیعی، فرهنگی و تاریخی منحصر به فرد خود شانس بالایی برای دریافت امتیاز از سازمان گردشگری ملل متحد (UN Tourism) دارند.

اما حقیقتی تلخ در میان است. مشکلاتی چون کمبود زیرساخت‌های ارتباطی، عدم حضور در وب‌سایت‌های جهانی و پایداری اقتصادی، هم‌چنان سد راه این روستاها هستند. با این حال، کارشناسان و مسئولین همچنان امیدوارند. اقدامات ویژه‌ای مانند توسعه گردشگری جامعه‌محور، حفاظت از منابع طبیعی و تقویت مشارکت زنان، در دستور کار قرار گرفته است.

روستاهایی مانند شفیع‌آباد کرمان با مشارکت زنان، کندلوس مازندران با گردشگری کشاورزی، و برغان البرز با ترویج گردشگری خوراک، در تلاش‌اند تا امتیازهای بیشتری به‌دست آورند. اگر این روند ادامه یابد، ایران می‌تواند در آینده نه چندان دور، مقصدی جذاب برای گردشگران جهانی شود.

این تلاش‌ها نشان‌دهنده شانس بالای روستاهای ایرانی برای جهانی شدن است. البته، رسیدن به این هدف نیازمند زمان، سرمایه‌گذاری و توجه به جزئیات است؛ بنابراین، باید منتظر بود و دید که آیا ایران می‌تواند در این رقابت جهانی بدرخشد یا خیر.

### طنز

# تبعید واردکننده شبنم به جزایر قناری

مهدی خاکی‌فیروز
هفت صبح

در روزگاری که هر دلار باید با قلاب ماهی‌گیری از ته دریا صید بشه و هر سکه طلا با جرثقیل استخراج شه، یه عده از دوستان دارن چیزهایی وارد می‌کنن که اگه ناصرالدین‌شاه زنده بود، حتماً دستور می‌داد وزیر واردات‌رو تبعید کنن به جزایر قناری، اونم بدون قناری!

مثلاً شمع عطری وارد شده. اونم نه هر شمعی! شمعی با رایحه «صبح بارانی در بالکن مادربزرگ سوئدی». حتماً لازمه برای مقابله با تورم، یه شمع معطر روشن کنیم و دعا کنیم دلار ۵۰ تومن بشه! آخه این شمعا تو کجای سفره مردم جا می‌شن؟ بسیاری از مردم دارن چایی‌رو با تف دم می‌کنن، اون‌وقت یکی داره شمع با درپوش طلایی وارد می‌کنه؟ لابد چون نور شمع بهتر می‌تابه روی اظهارنامه مالیاتی. طوطی سخنگو هم وارد شده! بله، پرنده‌ای که به‌جای رئیس اداره، بشینه رو میز و بگه: «پاداش نداری! اضافه‌کارم تعطیله!» خلاصه یه جورایی، پرنده‌ای برای تلطیف فضا. در گزارش واردات کشور، غذای سگ با طعم اردک و انجیر هم داریم. آره، تو همون کشوری که مردم با قیمت مرغ چونه می‌زنن، سگ‌ها اردک می‌زنن توی رگ! گربه‌ها هم خاک معطر وارداتی می‌خوان. چون اگه خاک معمولی بریزی، بهت چپ‌چپ نگاه می‌کنن می‌گن: «با این شرایط بد، چطور پی‌پی کنیم؟»

بعضی کالاها فقط لوکس نیستن، رسماً کمدی‌اند. لیف ترکیه‌ای VIP، جوراب ضدافسردگی، بادکنک ژاپنی ضدحزن، حتی کاکتوس بو داده برای افزایش نشاط اداری! فکر کن یه مدیر ارشد با لبخند زل بزنه به کاکتوس و بگه: «تو تنها موجود پایدار تو این سیستم اقتصادی هستی!»

حالا اینا همه وارد می‌شن، ولی انسولین گیر نمیاد، شیرخشک کم میاد، داروی بیماران خاص نوبت اینترنتی داره. لابد شمع خوشبو تأثیر بیشتری داره تا دارو! بالاخره بوی رز وحشی باعث افت فشار اقتصادی می‌شه دیگه.

در اقتصاد ما، لیوان طرح یونان باستان و خاک گلدان خانگی آمریکایی راحت وارد می‌شن. نیازی به کمک قاچاقچی و کولبر نیست. تجارت چمدانی و سهمیه ارز مسافرتی، به شدت راهگشاست.

واقعیت این است که در اقتصاد ما، گلدان سرامیکی دانمارکی، توپ پلاستیکی تایلندی، خوراکی مخصوص خرگوش قهوه‌ای نژاد لوکس و... همگی به‌راحتی از گمرک عبور می‌کنند. فقط کافی‌ست در فرم مربوطه بنویسند: «ضروری برای کاهش التهاب اجتماعی». لابد التهاب اجتماعی یعنی اینکه مردم دارند پوست‌شان را با لیف ترکیه‌ای درمان می‌کنند تا تحمل قبض برق را داشته باشند. حتی لیف حمام ترکیه‌ای VIP با بسته‌بندی مخمل، به عنوان بهترین «ابزار توانبخشی پوست‌های آسیب‌دیده از استرس تورمی»، در اولویت ارزی نیمایی قرار می‌گیرد. در ادامه این روند، ممکنه به‌زودی «عطر ایتالیا برای کنترل بحران ارز» هم وارد کشور بشه!

در این اوضاع، باید پرسید: آیا وقت آن نرسیده که صادرات خاک باغچه و لیف دستباف خودمان را جدی بگیریم؟ شاید هم باید به‌جای زحمت کشیدن برای تولید، کارخانه‌های «ترجمه واژه‌ها» راه بیندازیم تا با یکسری برچسب شیک، هر کالای لوکسی را تبدیل کنیم به کالای ضروری. خلاصه اینکه در این اقتصاد، شمع می‌سوزد، ما می‌سوزیم و فقط برخی واردکننده‌ها روشن می‌مانند.

### پیشنهاد فرهنگی

# چطور چین ثروتمند شد

**«چین چگونه از تله فقر گریخت» کتابی است که به بررسی گشایش اقتصادی چین می‌پردازد. مائو تسه تونگ، یکی از بدنام‌ترین رهبران قرن نوزدهم است که شاید توانست ملت چین را یکپارچه کند اما حکمرانی‌اش این کشور را به سمت زوال سوق داد. گشایش هنگامی آغاز شد که دنگ شیائو پینگ، رفیق مغضوب مائو، قدرت را به دست گرفت. درسی دردناک که دنگ و هم‌رزمانش آموخته بودند این بود که تمرکز قدرت در دستان خودکامه به سوءاستفاده و نتایج ویرانگر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خواهد انجامید. آن‌ها می‌دانستند که باید ایدئولوژی جزمی را کنار بگذارند و «حقیقت را در واقعیت موجود بجویند.» با توجه به اهمیت بی‌چون‌وچرای سرمایه انسانی در امر پیشرفت و توسعه، دنگ شیائو پینگ روش مائوئیستی در ارزشیابی سرمایه انسانی را، که بر رادیکالیسم ایدئولوژیک جزمی استوار بود، مردود اعلام کرد و روشی نوین بر پایه معیارهای اقتصادی نتیجه‌محور به‌ویژه در استخدام مدیران ارشد اتخاذ کرد، که نتیجه عملی آن را در چینِ معاصر شاهد و ناظریم. کتاب «چین چگونه از تله فقر گریخت» نوشته یوئن یوئن انگ با ترجمه محمدسعید نوری نائینی از سوی نشر نی منتشر شده است.**

### عکس نوشت

## حراج سنگ‌های معدن فیروزه نیشابور

**بزرگترین معدن فیروزه و مرغوب‌ترین فیروزه جهان در دامنه جنوبی رشته کوه بینالود در روستای معدن‌علیا، در بخش مرکزی شهرستان فیروزه و ۶۰ کیلومتری شهر نیشابور واقع شده است. شیوه فروش سنگ‌های فیروزه معدن به شکل مزایده یا حراج عمومی است و هر ساله در چند نوبت این مزایده بین متقاضیان برگزار می‌شود.**

### یادداشت

# استراحت، گناه نیست

## روایتی درباره فرسودگی شغلی در زمانه کار بی‌پایان

**سامان ساسان** | ساعت که از پنج عصر می‌گذرد، یک‌جای ذهن آدمیزادِ امروز شروع می‌کند به زمزمه‌ای بی‌رحم: «نکند کم‌کاری کرده‌ام؟» نق می‌زند، می‌پرسد، تردید می‌کارد. حتی اگر تا همین لحظه هفت ساعت بی‌وقفه تایپ کرده باشی، تماس گرفته باشی، جلسه رفته باشی، پاسخ داده باشی، همچنان این احساس، مثل بختک شبانه می‌نشیند روی سینه‌ات: «کافی نیست!»

ما در جهانی زندگی می‌کنیم که استراحت، به‌جای آنکه حق مسلم آدم باشد، بدل شده به امتیازی لوکس؛ چیزی شبیه بلیت درجه‌یک سینما. فرهنگی شکل گرفته که در آن، مشغول‌بودن افتخار است و خستگی و مدال. فرهنگی که به جای تحسین زیستن، تلاش بی‌وقفه را می‌ستاید. فرهنگ کار بیش‌ازحد، این میراث نانوشته عصر سرمایه‌داری شتاب‌زده، به ما آموخته که ارزش انسان به میزان بهره‌وری‌اش گره خورده است. نه به کیفیت نگاهش، نه به مهربانی‌اش، نه به زمانی که برای خانواده و دوستانش صرف می‌کند.

کار، دیگر فقط یک منبع درآمد نیست. تبدیل شده به هویت. وقتی از کسی می‌پرسند «چه کاره‌ای؟»، کمتر کسی جواب می‌دهد: «من یک پدرم، یک مادر، یا یک آدم علاقه‌مند به موسیقی و طبیعت.» نه. ما اغلب با شغل‌مان معرفی می‌شویم. با آنچه تولید می‌کنیم. با آنچه به جدول‌های اکسل و تقویم‌های دیجیتال تحویل می‌دهیم.

آیا باید تعجب کرد که در چنین جهانی، فرسودگی شغلی ـ یا همان Burnout معروف ـ تبدیل به واژه‌ای آشنا در گفت‌وگوهای روزمره شده؟ این دیگر بیماری مدیران بلندپرواز یا کارمندان بی‌تعطیلی نیست؛ این روزها حتی دانش‌آموزان دبیرستانی هم از فرسودگی حرف می‌زنند. روان‌ها می‌سایند، قلب‌ها خسته می‌شوند، ذهن‌ها به لبه پرتگاه می‌رسند، آن هم در حالی که هنوز کسی اجازه نداده خودش را «خسته» بداند.

این فرسودگی، فقط خستگی جسم نیست. ساییدگی روح است. فرسودن امید است. احساس بی‌فایده بودن، حتی در میانه تلاش‌های شبانه‌روزی و عجیب آنکه جامعه به‌جای هشدار دادن، اغلب تشویق می‌کند: «دمت گرم که تا شب کار کردی!» «واقعاً خسته نباشی، خیلی زرنگی»! اما کمتر کسی می‌پرسد: «چه تاوانی داده‌ای برای این تحسین؟»

ما به غلط یاد گرفته‌ایم که بهره‌وری، به معنای حذف لحظه‌های بیکاری است اما لحظه‌های بیکاری، همان لحظاتی‌اند که ذهن انسان فرصت بازسازی پیدا می‌کند. همان دقایقی که خلاقیت جوانه می‌زند و رویاها از دل روزمرگی سر بیرون می‌آورند. کسی نمی‌تواند همیشه در وضعیت «فعال» بماند. حتی دستگاه‌ها هم نیاز به خاموشی و ری‌استارت دارند.

در چنین شرایطی، بازپس‌گیری تعادل بین کار و زندگی، تنها یک انتخاب فردی نیست؛ یک ضرورت جمعی‌ست. باید شجاعت آن را پیدا کنیم که نه گفتن به اضافه‌کاری را با افتخار تمرین کنیم. باید بیاموزیم که گاهی هیچ‌کاری نکردن، خودش یک کار مهم است. باید یاد بگیریم که سلامتی، خواب کافی، خنده‌های بی‌دلیل و خلوت با خود، هیچ‌گاه اتلاف وقت نیست.

باید دوباره به بچه‌های‌مان یاد بدهیم که ارزش‌شان به توانایی‌شان در دویدن بی‌وقفه نیست. بلکه به توانایی‌شان در ایستادن و لذت بردن از منظره مسیر است.

شاید آنچه امروز بیش از هر چیزی نیاز داریم، نه یک شغل بهتر، بلکه یک زندگی بهتر است.

و این زندگی، از لحظه‌ای آغاز می‌شود که جرئت کنیم چشم در چشم این فرهنگ خستگی‌محور بایستیم و بگوییم: «من حق دارم نفس بکشم.»

### خبر

# انتظار برای سرگذشت ندیمه به پایان رسید

فصل ششم سریال «سرگذشت ندیمه» بعد از مدت‌ها انتظار بالاخره در هولو پخش شد. آخرین فصل این سریال بیش از دو سال پیش پخش شده بود و مخاطبانش را حسابی منتظر گذاشته بود تا ببینند بعد از سوار شدن جون به قطار همراه نوزادش چه اتفاقی می‌افتد.

این سریال که بر اساس رمان مارگارت اتوود نویسنده کانادایی توسط بروس میلر ساخته شده داستان پادآرمانشهری را برآمده از دومین جنگ داخلی آمریکا روایت می‌کند، جایی که یک جامعه تمامیت‌خواه زنان با توان بارداری را با عنوان ندیمه به بردگی برای فرزندآوری گرفته است.

فصل اول این سریال که الیزابت ماس، جوزف فاینز، ایوان استراهاوسکی، الکسیز بلدل، آن داود به ایفای نقش می‌پردازند در آوریل ۲۰۱۷ پخش شد و موفق شد هشت جایزه از سیزده نامزدی در جایزه امی ساعت پربیننده را از آن خود کرد و همچنین در گلدن گلوب به عنوان بهترین سریال شد و الیزابت ماس جایزه بهترین بازیگر زن را دریافت کرد. سه قسمت اول فصل ششم این سریال در هشتم آوریل (نوزدهم فروردین) از هولو پخش شده است.

### یک دقیقه با زندگی

# این یادداشت را مدیران ساختمان نخوانند!

مرتضی کلیلی
هفت صبح

ماجرایی که برای‌تان تعریف می‌کنم اصلا تخیلی نیست؛ داستان یک مدیر ساختمان مقرراتی و وسواسی است که کوچک‌ترین نکته انضباطی از زیر چشمان تیزبینش محال است عبور کند. مدیری که مدام در گروه واتساپی مجتمع، نکات آپارتمان‌نشینی را گوشزد می‌کند؛ از پنجره واحدتان، ته‌سیگارتان را به حیاط نیندازید، مراقب حمل کیسه زباله باشید تا شیرآبه آن در آسانسور و راه‌پله‌ها چکه نکند، پس از خروج از پارکینگ از بسته شدن در مطمئن شوید و بعد محل را ترک کنید، از قرار دادن کفش و دمپایی جلوی درِ واحدتان جدا خودداری کنید و... از اینجور حرف‌ها و بعضی قوانین من‌درآوردی که نوشتنش در این مجال نمی‌گنجد. القصه... آقای مهندسی که در ظاهر نظم و دیسیپلین از سر و روی زندگی‌شان می‌بارد، همین چند روز پیش یعنی در گرماگرم خانه‌تکانی قبل از عید، آن روی خودش را نشان داد. آقای مدیر، منزل‌شان در طبقه بالایی ماست. وقتی که با همسر گرامی‌شان مشغول تمیز کردن تراس خانه‌شان بودند اتفاقی که نباید رخ می‌داد، افتاد. از آنجایی که در اوقات فراغت در تراس و خلوت دوست‌داشتنی‌ام مشغول درست کردن اکسسوری‌های چوبی هستم، بیشتر مواقع وقتم را در تراس می‌گذرانم؛ در کنار انبوه چوب‌های گرانقیمتی که دپو کرده‌ام... در حال سنباده زدن و پرداخت نهایی یکی از کارهایم بودم که ناگهان سیل آب گل‌آلودی برسر من و چوب‌های دوست‌داشتنی‌ام سرازیر شد. اصلا باورکردنی نبود... روی تمام چوب‌ها و کاردستی‌های نازنینم پر از گِل و لای بود. سر و وضع خودم که بماند؛ بعد از چند دقیقه از شوک بیرون آمدم و از کنار نرده‌های تراس، طبقه بالا را نگاه کردم تا ببینم این سیل ویرانگر از کجا آمده. بله! باورکردنی نبود؛ کار کارِ آقای مدیر منضبط بود. درحالی که خواستم اعتراض کنم آخر این چه کاری است می‌کنید، همسر محترم‌شان تشت آب دیگری را ول کردند روی پنجره و تراس و این بار بیشتر از قبل خیس شدم. دیگر جوش آورده بودم... داد زدم که «مر...» (شما بخوانید فحش) این چه کاری است آخر می‌کنی؟ مثلا شما مدیر ساختمان هستی و همیشه دم از نظم و قانون و مقررات می‌زنی ... گفت ببخشید فکر نمی‌کردم در تراس باشید و کلی معذرت‌خواهی کرد. گیج شده بودم، دیگر نمی‌دانستم چه کاری باید بکنم. آخر آنقدر این مدیر ما آدم محترم و مأخوذ به حیایی بود که با تمام خشمی که در وجودم شعله‌ور شده بود، به خودم اجازه ندادم برخورد بدتری با او داشته باشم. دور خودم و چوب‌هایی که برای‌شان با عشق زحمت کشیده بودم، می‌گشتم که ضربه مهلک بعدی را زد و تشت آب دیگری سرازیر شد و با کمال پررویی گفت این آخری بود ببخشید؛ تراس‌تان که خیس شده دیگر... از عصبانیت و سعه‌صدری که به خرج داده بودم پشیمان شدم و به درِ واحدشان رفتم که خب هرچه در زدم، در را باز نکردند. همسایه‌ها با دیدن این وضعی که پیش آمده بود، خیلی زود روی دیگر آقای مدیر را دیدند... اما صبر کنید؛ داستان تمام نشده. شب آقای مدیر با بنده تماس گرفت و گفت که من پایین مجتمع هستم اگر زحمتی نیست تشریف بیاورید صحبت کنیم و از دل شما دربیاورم. الحق کلی معذرت‌خواهی کرد و روی مرا بوسید و البته همه تقصیرها را گردن همسرش! انداخت. آقای مدیر داشت از تمیزی و وسواس همسرش می‌گفت که فلان است و بیسار که تیر خلاص بر پاکیزگی و قانونمداری و مدیریت ساختمان و نظم و قانون هر چی که هست، شلیک شد. بله! خانم مدیر ساختمان قصد داشت با یک پرتاب سه امتیازی، کیسه زباله‌شان را از طبقه ۵ به سطل زباله بیندازد که ناکام بود و آشغال‌ها پخش پیاده‌رو شدند. در این لحظه آقای مدیر در افق محو شد...